



آموزش
رشد

۲۱

دبستان



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان، کارشناسان آموزشی و والدین

دوره پنجم / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir

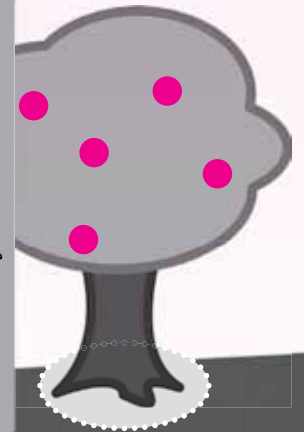
مدیر مسئول: محمدناصری
سر دبیر: فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
شیرین برزین
مسعود تهرانی فرجاد
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: ملیحه حجازی بخش
طراح گرافیک: مهسا قیابی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

● مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و با ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۴

سندرم صدای بلند: دست و هورا ۲۱ سر دبیر
خواندن قرآن در دوره پیش‌دبستان ۴ مسعود تهرانی فرجاد
حقوق کودک در رساله امام سجاد(ع) ۶ مرضیه علی آبادی و ...
آموزش کارکردهای زبان برای آموزش زبان دوم ۱۰ فریده عصاره
کودکان نوپا و یادگیری سریع اولیه ۱۴ ترجمه حسین تازان
سوزان بلاو، بنیان‌گذار اولین کودکان پیش‌دبستانی دولتی
به روش «فردریک فروبل» ۱۸ دکتر فرخنده مفیدی
اصول و ضوابط طراحی بوستان کودک ۲۰ شهرزاد مهرمند
مشکلی به نام شب‌اداری ۲۳ دکتر مرجان گودرزی
مهارت‌های ریاضی در سال‌های پیش‌دبستان ۲۴ غلامرضا تبریزی
برنامه درسی ملی، راهنمای ماست ۲۶ ارغوان غلامی
چالش‌های مربیان پیش‌دبستانی ۳۱ نسرین قلمی
اهمیت دوست در کودکی ۳۲ ترجمه مینا سلیمی
نشست فصل نامه رشد پیش‌دبستانی ۳۶ شهلا فهیمی
با نمایندگان مجلات! ۴۷ معرفت
معرفی کتاب ۴۸ مونا بافته



نشانی دفتر مجله: تهران، ابرانشهر شمالی،

پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۴ (داخلی ۴۲۹)

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



سلام به دوستداران کودک

زمستان هم از راه رسید، خوب است که در این فصل زیبا، از سردی هوا هراسی نداشته باشیم و به کار و تلاش همیشگی ادامه دهیم. به مربیان، مدیران، کارشناسان و به ویژه خانواده‌های عزیز کودکان زیر شش سال که مخاطبان فصل نامه رشد آموزش پیش دبستانی هستند، خسته نباشید می‌گوییم و برای همگان آرزوی انگیزه قوی‌تر را برای کار با کودکان و نوگلان در خانواده و مراکز تربیتی و فرهنگی دارم. چند نکته را با شما مخاطبان و خوانندگان گرامی در شروع این فصل در میان می‌گذارم:



سندرم صدای بلند (جیغ، دست و هورا)

فکر می‌کنم شاد کردن کودکان و سرزنده نگه داشتن آن‌ها کاری بس پسندیده و زیباست، اما از چه طریق و به چه قیمتی؟

بعضی بزرگ‌ترها را دیده‌ایم که چه در برنامه‌های دیداری و شنیداری و چه در مراکز تربیتی و آموزشی، مهدهای کودک و کودکستان‌ها و مراکز پیش دبستانی برای جلب توجه یا همکاری کودکان ترفند جیغ، سر و صدا و داد و بیداد و فریادهای گوش‌خراش را به کار می‌برند؛ تا حدی که تارهای صوتی کودکان معصوم این سنین آسیب می‌بینند و به این دلیل آن‌ها به خس‌خس و سرفه می‌افتند و حتی در برقراری ارتباط دچار مشکلاتی می‌شوند. به قول بعضی مادران، «گلوی کودکم پاره شد، دیگه صدایش در نمی‌آد».

واقعاً نکته تربیتی در مقابله با این مسئله چیست؟ آیا تشویق به بلندگویی و جیغ و فریاد لزوماً همکاری بیشتر و مشارکت در برنامه‌ها را سبب می‌شود؟ آیا ادامه این انتظار از کودکان، غیر از مشکلات تارهای صوتی، الگوی ارتباط نامناسب را با بزرگ‌ترها دامن نمی‌زند؟ آیا تشویق و جذب همکاری کودکان در کارها و فعالیت‌ها لزوماً از طریق جیغ و فریاد و داد و بیداد میسر است؟ آیا به پیام‌های این کنش‌های رفتاری فکر کرده‌ایم؟

سندرم صدای بلند؛ دست و هورا

مادری می‌گفت که پسر امروز به مهد نرفته است، پرسیدم، چرا؟ بیمار است؟ گفت: «دیروز جشن داشته‌اند و گل‌وبیش ناراحت است و صدایش در نمی‌آید».
از او خواستم امروز قدری استراحت کند، خودش می‌گوید: «مربی مدام به ما می‌گوید که «بلند، بلند، بلندتر، صداتون را نمی‌شنوم، بارک‌الله! مگر نان نخورده‌اید!»
جالب‌تر اینکه وقتی بچه‌ها بزرگ‌تر می‌شوند و به مدرسه راه می‌یابند، به آن‌ها می‌گوییم: «چرا این قدر داد می‌زنی؟ صدایت را پایین بیاور، گوش‌مان کر شد!» خلاصه، این بلا تکلیفی در صدای بلند و کوتاه در پاسخ‌گویی قدری نگران‌کننده است و باید به فکر راه‌های ارتباطی شادکننده‌تر و آرامش‌بخش‌تری باشیم...

● مطلب دیگر اینکه در فصل زمستان، مناسبت‌هایی ارزشمند در تقویم تحصیلی و تربیتی هست که می‌توان برای آن‌ها برنامه‌هایی را از پیش طراحی و پیش‌بینی کرد.
لازم است مربیان، مدیران و برنامه‌ریزان مراکز آموزشی با دقت و به شکل هدفمند برنامه‌ریزی کنند و کودکان را به صورت‌های فردی و گروهی در شکل‌دهی به اهداف مشارکت دهند. از همه عزیزانی که مثل همیشه ما را در برابر‌تر کردن محتوای فصلنامه آموزشی، تحلیلی و تربیتی پیش‌دستان یاری می‌کنند، سپاسگزاریم. از همه خوانندگان نیز تقاضا داریم با طرح پیشنهادها و دیدگاه‌های خود ما را در رفع کاستی‌ها یاری دهند. برای تمامی افرادی که به ما عنایت داشته‌اند، آرزوی توفیق داریم.
دوستان، مقاله‌هایی به دست ما می‌رسد که به علت قرار نگرفتن در چارچوب محتوایی مجله، حجم زیاد و موارد دیگر در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند. از خوانندگان عزیز تقاضا داریم که ابتدا مطالب خود را با استانداردهای مجله هماهنگ کنند تا در نوبت چاپ قرار گیرند. لطفاً از ارسال نوشته‌هایی که ترجمه صرف هستند یا آثار بدون ذکر منبع خودداری کنید.
در پایان، از همکاران ارجمند در شورای برنامه‌ریزی و هیئت تحریریه نیز سپاسگزارم.
با آرزوی توفیق روزافزون



اشاره

در رویکرد برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی در دوره پیش‌دبستان «انس با قرآن کریم و علاقه به یادگیری آن» است. (مصوب ۷۷۰ شورای عالی آموزش و پرورش) در این مصوبه برای فراهم آوردن زمینه‌های تجلی این رویکرد به قلمروهایی^۱ از قبیل علاقه به گوش دادن صوت قرآن، علاقه به حفظ سوره‌های کوتاه، آشنایی با آموزه‌های قرآنی، اشتیاق به یادگیری روخوانی قرآن کریم و... تصریح شده است.

کلیدواژه‌ها: انس با قرآن کریم، پیش‌دبستان، خواندن قرآن کریم

این تعالیم در دوران کودکی به میزانی است که امام علی (ع) درباره آن فرموده‌اند: «یادگیری در کودکی مانند نقش روی سنگ ماندگار است.» (کنزالفوائد، ج ۱: ۳۱۹) حال اگر عموم کودکان در یادگیری مفاهیم ارزشی احساس لذت و موفقیت نکنند، این امر می‌تواند در آینده آنان آثار نامطلوبی داشته باشد.

علاقه به یادگیری خواندن قرآن کریم

این عنوان یکی از قلمروهای ذکر شده در برنامه مصوب انس با قرآن کریم دوره پیش‌دبستانی است. آنچه در این قلمرو بر آن تصریح شده، تقدم «علاقه‌مند شدن» کودکان به قرآن کریم بر «یادگیری» آن است. به عبارت گویاتر برای آموزش روخوانی قرآن به کودکان ابتدا باید ایشان را به قرآن علاقه‌مند کرد. به همین دلیل رویکرد برنامه، انس با قرآن است نه آموزش قرآن. زیرا مخاطبان ما کودکان پنج و شش ساله‌ای هستند که مرحله به مرحله در روند شکوفایی آن‌ها بر رشد همه‌جانبه و متوازن نشان تأکید داریم. از این رو، آنچه به کودک عرضه می‌شود، باید مطابق میل و رغبت او و دارای سیر و توالی منطقی باشد تا به پذیرش و انس طبیعی وی با قرآن منجر شود. در فرایند یاددهی - یادگیری به کودکان نیز این قاعده از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا شیرینی‌ها و تلخی‌های خاطرات آموزش در سن پیش‌دبستانی ماندگار تر است.

آموزش خواندن به کودک پیش‌دبستانی امری ممکن ولی تابع شرایط و محدودیت‌های خاص این سنین است. به طور معمول، خواندن قرآن به دو صورت انجام می‌شود: خواندن از طریق کلی‌خوانی (تصویرخوانی) و خواندن از طریق حروف‌آموزی (آموزش الفبا). برنامه انس با قرآن کریم در دوره پیش‌دبستان بر

از صدر اسلام تاکنون برای بهره‌مندی از آموزه‌های قرآنی و سیره معصومین (ع) آموزش کودکان مسلمان با آشنایی با قرآن و آموزش آن شروع می‌شود. از افتخارات ما این است که بزرگان دینمان بر این موضوع تأکید دارند. در نامه‌ای از امیرمؤمنان حضرت علی (ع) به فرزندشان امام حسن مجتبی (ع) چنین آمده است:

وَأَبْتَدُكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

فرزندم، تربیت تو را با تعلیم قرآن آغاز کردم.

همچنین در کلامی نورانی نبی مکرم اسلام، حضرت محمد (ص) می‌فرمایند:

«مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصِبْ لَهُ» (من لا يحضره الفقيه، ج ۳: ۴۸۱)

هر کس کودکی دارد در تربیت او کودکی ورزد.

با دقت در این رهنمودهای نورانی می‌توان دریافت در آموزش قرآن توجه به ویژگی‌های کودک پنج و شش ساله پیش‌دبستانی مهم و ضروری است. به عبارت دیگر، آموزش و تعلیم بدون در نظر گرفتن دیگر عوامل مؤثر در فرایند یاددهی - یادگیری کاری ناقص و چه بسا آسیب‌ساز است. محتوای آموزشی و تربیتی باید با خصوصیات و ظرفیت‌های فراگیرنده متناسب باشد اما در مقوله تربیت دینی تناسب محتوا با ویژگی‌های روانی و ذهنی کودکان ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا ماندگاری



خواندن قرآن در دوره پیش از دبستان

مسعود تهرانی فرجاد



اصل ششم:

برنامه انیس با قرآن در دوره پیش‌دبستان باید مطابق رغبت و علاقه کودک بوده و از هرگونه الزام و اجبار به‌دور باشد.

اصل نهم:

برنامه انیس با قرآن کریم در دوره پیش‌دبستان نباید در تعارض با برنامه رسمی آموزش و پرورش در دوره ابتدایی باشد.

اصل دهم:

ارزشیابی باید به‌منظور سنجش میزان دستیابی به اهداف برنامه باشد و از شیوه‌های اضطراب‌آور، مقایسه کودکان با یکدیگر و نیز انتظار رسیدن همه کودکان به حد خاصی از یادگیری به‌دور باشد.

سخن آخر

با توجه به درهم تنیدگی آموزش‌ها در دوره پیش‌دبستان لازم است محتوای آموزش مانند: آموزه‌ها، سوره‌ها و عبارات قرآنی، همچنین داستان‌های آن و سخنان معصومین (ع) درباره قرآن برای ایجاد آشنایی و انس با قرآن به‌گونه‌ای باشد که عموم کودکان بتوانند در شرایطی مطلوب و به‌دور از الزام و اجبارهای پنهان و آشکار با محتوای مورد نظر ارتباط مؤثر برقرار کنند تا زمینه انس ایشان با قرآن کریم فراهم شود. این امر مهم با تلفیق متوازن قلمروهای انس با قرآن میسر می‌شود.

نکته آخر اینکه در فرایند برنامه انس با قرآن کریم در دوره پیش‌دبستان همه کودکان حق دارند طعم شیرین موفقیت را بچشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. قلمرو، شیوه یا برنامه‌ای است که زمینه آشنایی و ارتباط فرد را با قرآن کریم فراهم می‌آورد.
۲. راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستان - مصوب شورای عالی آموزش و پرورش

خواندن کلمات، عبارات و آیات کوتاه قرآن از طریق تصویرخوانی کلمات تأکید دارد. زیرا این روش بسیار کاربردی برای عموم کودکان پیش‌دبستانی آسان‌تر و مناسب‌تر است. در این روش از حافظه سمعی - بصری کودک استفاده می‌شود. در واقع، کودک هم‌زمان با شنیدن صوت قرآن، شکل کلمات و عبارات مربوط به آن صورت را تصویربرداری ذهنی می‌کند که این امر یادسپاری و تداعی آیات را برای او آسان می‌سازد. کودک می‌تواند با تداعی بین صوت و لفظ با تصویر و شکل کلمه، صدا و شکل هر کلمه و عبارت را آسان‌تر به‌خاطر آورد و به اصطلاح آن را بخواند. استفاده از تصاویر مناسب و هماهنگ با کلمه یا عبارت قرآنی نیز مفید و مؤثر است. به این ترتیب، کودک پیش‌دبستان قبل از آنکه توان خود را به حروف‌آموزی و یادگیری الفبا معطوف نماید، به خواندن قرآن علاقه‌مند می‌شود.

چند نکته مهم درباره خواندن

۱. رعایت توالی در فرایند آموزش - امکان یا ضرورت؟

کودک در سنین پیش‌دبستانی قادر به یادگیری حروف الفباست اما در برنامه آموزشی علاوه بر امکان یک امر، باید به ضرورت، اولویت، پیامد و توالی سرفصل‌های آموزشی (محتوا و موضوعات مورد نظر) نیز توجه شود. به عبارت دیگر، در سازماندهی محتوا توجه به ارتباط طولی محتوا در مقاطع سنی و تحصیلی منطقی و ضروری است.

بدیهی است چنانچه محتوا و سرفصل‌های آموزشی دوره‌های سنی و تحصیلی با هم تداخل و هم‌پوشانی داشته باشند، در واقع، به سیر منطقی سازماندهی محتوا توجه نشده است. بنابراین، آموزش حروف الفبا و نماد آموزی - که مهم‌ترین وظیفه برنامه آموزشی زبان فارسی است و در پایه اول ابتدایی انجام می‌شود - هر چند در دوره پیش‌دبستانی ممکن است ولی اولویت و ضرورت ندارد. این در حالی است که حتی آموزش روخوانی قرآن که از اهداف مصوب دوره ابتدایی است، در پایه اول ابتدایی به خواندن برخی کلمات و عبارات ساده قرآنی براساس سیر و توالی سوادآموزی فارسی اکتفا نموده است (اهداف مصوب قرآن دوره ابتدایی در شورای عالی آموزش و پرورش جلسه ۷۷).

۲. عدم تأکید بر دستیابی به حد خاصی از یادگیری

با توجه به یافته‌های علمی در روان‌شناسی، کودکان پذیرای آموزش‌های اجباری و الزام‌آور نیستند. همچنین در برنامه انس با قرآن در دوره پیش‌دبستانی تصریح شده است که «انس با قرآن»، محصول آشنایی، علاقه و ارتباط مستمر و تدریجی با آن است. کودکان با توجه به ویژگی‌های فردی و استعداد‌های ذهنی خود به بخشی از این توانایی دست می‌یابند؛ بنابراین، هر نوع آموزش به کودکان از الزام و اجبار به‌دور است و دستیابی به حد خاصی از یادگیری مورد نظر نیست (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، ۷۷۰).

در حالی که در نمادآموزی باید کودکان به حد فراگیری تمام نمادها برسند تا بتوانند حروف، کلمات و عبارات قرآنی را بخوانند. به بیان روشن‌تر در فرایند آموزش نمادها، عموم کودکان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ملزم به کسب توانایی خاصی در یادگیری می‌شوند که این الزام با رویکرد انس با قرآن کریم مغایرت دارد.

۳. رعایت اصول مصوب حاکم بر برنامه^۲

در برنامه مصوب یازده اصل حاکم بر تمام عناصر و ارکان برنامه تأثیرگذار است. در اینجا چند اصل را که به موضوع این نوشتار مربوط می‌شود، یادآوری می‌کنیم.

اصل سوم:

برنامه انس با قرآن در دوره پیش‌دبستان باید مبتنی بر ظرفیت و توانایی کودک باشد.

کلیدواژه‌ها: کودک، بازی، طبیعت، آموزش و حقوق

در دیدگاه مکتب
توحیدی و در تفکر
حکمت‌محور حاکم
بر نظام‌های گوناگون
حکومتی و اجتماعی
اسلام افراد منتسب
به هر یک از گونه‌های
زیستی (به‌ظاهر مستقل)
در نظام طبیعت نسبت
به بقیه مجموعه‌ها و افراد
درون نظام‌های جمعی
مربوط به آن‌ها از حقوقی
خاص و لازم‌الاجرا برخوردارند
و هر یک از این نظام‌ها و افراد
تشکیل دهنده آن‌ها نیز نسبت به انجام
تکالیفی نظام‌مند و قاعده‌محور در قبال
سایر نظام‌های پیرامونی و مرتبط و حفاظت از
حقوق و منافع افراد آن نظام‌ها مسئول هستند.
در رساله حقوق امام سجاد (ع)، حقوق کودکان در
نظامی دقیق و مرتبه‌مند آمده است. نکته بسیار حائز اهمیت در
لزوم توجه شایسته اندیشمندان و برنامه‌ریزان در امر آموزش و پرورش جامعه
اسلامی - ایرانی به این نظام حقوقی تعریف شده توسط امام (ع) آن است که
کوتاه‌ترین راه به مقصد در جهت رشد فکری و جسمی کودک پیمایش این فرایند
نظام‌مند است و توجه عمیق و دقیق به این مجموعه حقوق و ادای مجموع آن‌ها
را ضروری دانسته‌اند.

فرمایش امام سجاد (ع) در تعریف حقوق کودک

فرمایش امام (ع) درباره مجموعه چپستی موضوع و گوناگونی حقوق کودک
در حدیثی مختصر و مشتمل بر ده بخش گنجانیده شده است که هر یک از انواع
حقوق کودک تنها با ذکر اصطلاحی معرفی شده است. برای حفظ امانت، متن
عربی حدیث^۱ را می‌آوریم و تنها با هدف ترجمه لغات به زبان ساده‌تر و روشن‌تر
برای فهم خود و مخاطبان هر یک از بخش‌ها را به اختصار شرح می‌دهیم.

● مهرورزی به کودک

انسان در تمام زندگی خود و به‌ویژه در دوران خردسالی نیازمند محبت و

حقوق کودک در رساله امام سجاد (ع)



مرضیه علی آبادی
محمدعلی آبادی
محمدکاظم سیفیان

مربوطه سرچشمه می‌گیرد. بدیهی است که کودک نیز در طول انجام دادن وظایف و حتی رفتارهای عادی خود مرتکب خطا شود. البته، موضوع لزوم بخشش خطای خطاکار امری طبیعی و حقی مسلم است. حتی باید توجه داشت کودکان که گام‌های نخست خود را در این مسیر پیچ‌درپیچ و پرابهام برمی‌دارند، دربر خورند از این حق (حق بخشودگی از خطا) سهم بیشتری داشته باشند.

● پوشانیدن خطاهای خطاکاران از چشم دیگران

اصل پنجم در مجموعه حقوقی کودکان در اسلام پوشانیدن خطاهای خطاکاران از چشم دیگران (اعم از کودکان هم‌سن و سال و بزرگسالان مرتبط با او) است. آشکارسازی خطا، بزرگ‌نمایی خطا و حتی یادآوری آن در اخلاق اسلامی امری ناپسند شمرده می‌شود و به شدت از انجام دادن آن نهی شده است. زیرا مطابق با دیدگاه آموزگاران الهی، به رخ کشیدن خطای کودک یا فاش کردن آن در مقابل دیگران، سرزنش کودک به واسطه ارتکاب عملی خطا و تکرار هر یک از آن‌ها سبب می‌شود تا کودک گناه کار (و حتی بزرگسالان خطاکننده) در انجام دادن مجدد خطا و اشتباه غیر عمدی (یا حتی عمدی) خود بی‌پروا شوند و هر بار آتش لجاجت و اصرار ایشان بر انجام آن شعله‌ورتر گردد.

● همه برای یکی، یکی برای همه («رفاقت»)

شاید بتوان گفت دوستی همان رفاقت است؛ به شرط آنکه معنای درست و عمیق دوستی را بدانیم^۵. رفیق بودن با کودک اصل ششم در رعایت حقوق الهی کودک است و آن حقی است واجب که ادای تمام و کامل آن بر عهده مربیان و آموزش‌گران کودک است. چنانچه بخواهیم شرح روشن‌تری بر

مهرورزی است. همان‌گونه که اساس دین الهی نیز «محبت و مهرورزی» معرفی شده است^۲. بنابراین، نخستین و «مهم‌ترین حق کودک آن است که دوست داشته شود و بتواند دوست بدارد». باید هر برخوردی با او (اعم از برخوردهای آموزشی یا تنبیهی) بر پایه محبت و مهرورزی مبتنی باشد و هندسه هر رفتار و کم و کیف آن بر این اساس (یعنی مهرورزی و محبت متقابل) تعریف شود. به قول معروف، بایستی عنوان کلی و مشترک همهٔ درس «زمزمهٔ محبت» باشد. نظام آموزشی و فضای کلاس‌ها و محتوای درس بایستی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و طراحی شوند که اجرای این امر مهم به سادگی و در روندی طبیعی امکان‌پذیر باشد.

● اعتماددوری و جلب اعتماد متقابل

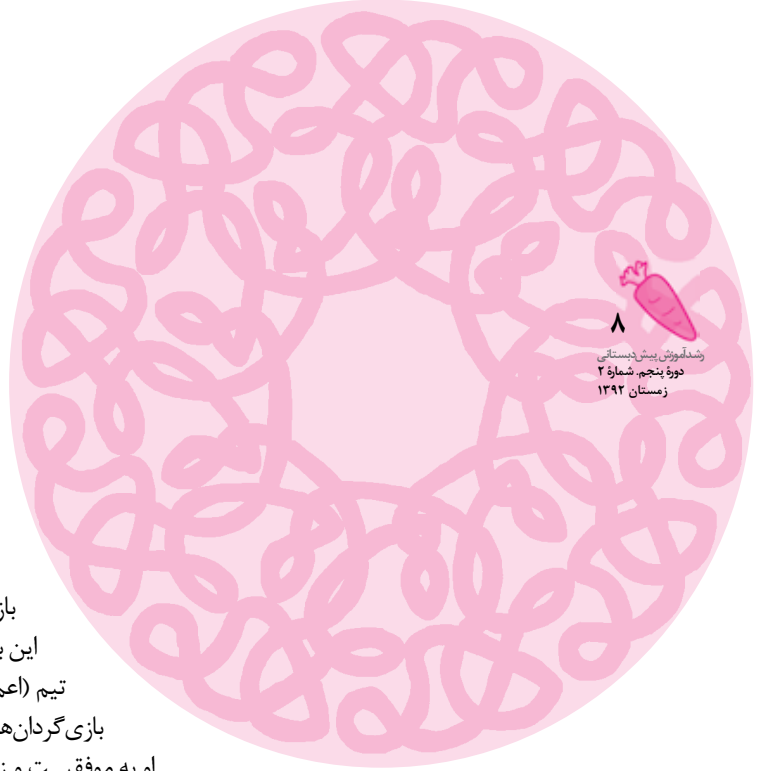
بدیهی است که اساس هر ارتباط متقابلی باید بر مبنای اعتماد دوطرف باشد؛ رابطهٔ تعلیم و تعلم نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. به عبارت روشن‌تر، در برقراری موفق و نتیجه‌بخش رابطهٔ آموزش دهنده و آموزش گیرنده وجود اعتماد متقابل به یکدیگر (در بسیاری از موارد چون صداقت، دوستی و خیرخواهی، دانایی و دانایی‌پذیری، پاکی و امانت‌داری و غیره) ضروری و گریزناپذیر است. بدیهی است نهال این درخت تناور بایستی در فصل کودکی در زمین اندیشهٔ کودک غرس شود و رشد یابد. در فضای ارتباطی میان کودک و مربی و جزء و کل ساختار روابط موجود در میان این دو حاکم اصلی باید اعتماددوری باشد. هم آموزگار و مربی باید در محتوای علمی مجموعهٔ گفتار و رفتار، به‌گونه‌ای عمل کنند که اعتماد کودک را در موارد ذکرشده به خود جلب نمایند و هم صورت عینی و ظاهر این رابطه باید به‌گونه‌ای باشد که کودک با تمام وجود حس کند که مورد اعتماد مربیان و آموزگاران خویش است. بدیهی است این موضوع در رشد حس درست‌کاری، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری کودکان نقش مهمی دارد. جلب اعتماد و مسئولیت‌پذیری کودک تا آنجا مورد توجه پیشوایان الهی و آموزگاران ملوکوتی است که خاتم ایشان کودکان را طی هفت سال نخست زندگی‌شان، آقا و بزرگ خانواده می‌شمارند^۳. طرح بعضی رفتارهای تقابل‌گرا و انجام دادن برخی تعاملات مجازی میان شاگردان و نیز کودک و مربی در قالب بعضی بازی‌ها و درس‌ها می‌تواند فضایی مناسب را برای اجرای این حق مسلم کودک فراهم آورد.

● تعلیم دانش و مهارت

نکتهٔ حائز اهمیت در این نظام حقوقی پیشنهادی از سوی اسلام برای کودک این است که جایگاه امر بسیار مهم تعلیم دانش‌ها و مهارت‌ها در زندگی اسلامی در مرتبهٔ سوم (یعنی بعد از مهرورزی و اعتماددوری) است. این جایگاه لزوم توجه هر چه بیشتر مسئولان امر آموزش و پرورش و طراحان فضاهای مربوطه را در تعریف نظام و فضای آموزشی، و محتوای کمی و کیفی درس و فضاهای کالبدی مربوطه به ایشان گوشزد می‌کند.

● بخشش خطاها

با توجه به ناکافی بودن دانش هر فرد انسان در هر مقطع و مرتبهٔ علمی و با توجه به گسترش مرزها و نو شدن لحظه‌به‌لحظهٔ انواع و صورت‌های دانش، احتمال بسیار بالای وقوع خطا در عالم تجربیات تازه به تازهٔ آدمی در عالم طبیعت وجود دارد که در اکثر موارد از نبود دانش و تجربهٔ لازم یا درک و شناخت ناصحیح شخص عامل از مسئله



این معنی (یعنی رفاقت و دوستی؛ یا همان همه برای یکی، یکی برای همه) ارائه دهیم، شاید مناسب‌ترین نمونه، بیان شرح ساختاری بازی فوتبال باشد. در بازی فوتبال، بازیکن مهاجم عمیقاً بر این باور است که همه اعضای تیم (اعم از مدافعان، بازی‌سازها، بازی‌گردان‌ها و بازیکن‌ها) برای رسیدن او به موفقیت و زدن گل پیروزی و ثبت آن در کارنامه موفقیت‌هایش تلاش می‌کنند و حتی همه موفقیت او را موفقیت خود می‌دانند، و در این راه از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نخواهند بود. معنی واژه «رفق» همین است: من هستم و تلاش می‌کنم و اینکه علت وجودی زندگی و نتیجه تلاش‌ها و رفتارهای من آن است که تو باشی و با سلامت و موفقیت به سعادت نهایی خود برسی^۶. کودک، مطابق این تعریف، باید همواره خود را در جایگاه آن بازیکن مهاجم در تیم بداند. مثال‌های فراوان دیگری در این زمینه وجود دارد؛ چون تلاش و تعامل همه اعضای دخیل در قوه یا دستگاه سخنوری آدمی است که برای رسیدن پیام موردنظر او به دیگران در اختیار نتایج همه تلاش‌های خود در اختیار نفس شخص گوینده قرار می‌دهند، و همه این کارها را وظیفه خود می‌دانند. اساس این معنی همان حقیقت وحدت حقیقی انسان‌هاست که در شعر جاویدان شیخ سعدی شیرازی آمده است:

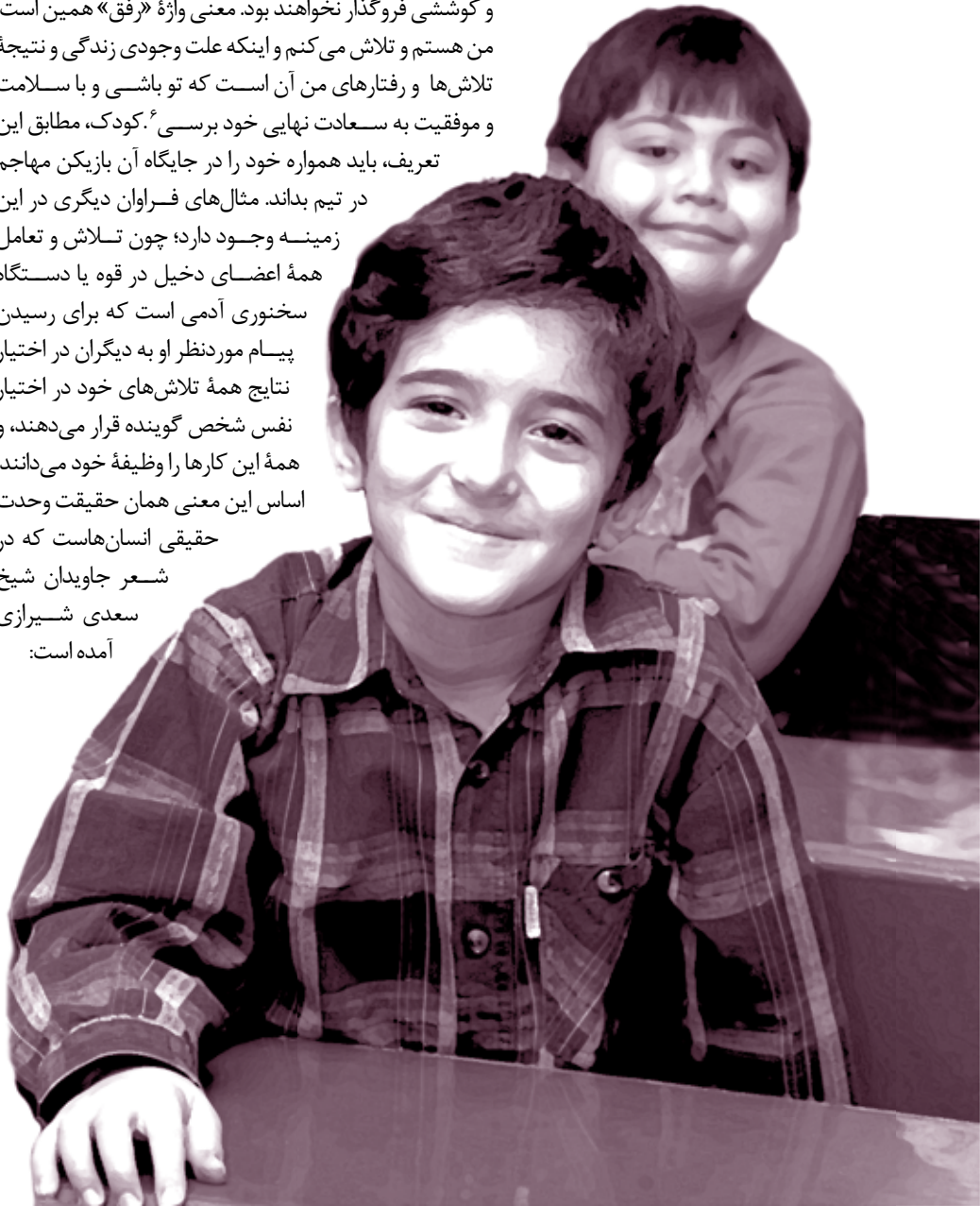
«بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند»
بدیهی است همه سعی و هنر معمار و طراح در این موضوع، آماده‌سازی فضایی دوستانه و راحت و فاقد تزیینات اضافی و تصنع است.
معمار موفق نیز در طرح فضایی مناسب برای رفتاری این‌چنینی در میان کودکان و مربیان می‌کوشد تا با طرح زوایای باز و خوانا و قابل دسترسی به‌جای زوایای پرابهام و بسته و منتهی به راه‌های یک‌طرفه، و نیز قراردادن نیمکت‌های متقابل در آن زوایا، راه‌های دوطرفه، طرح حلقه‌وار چینش صندلی‌ها در کلاس‌ها و دیگر فضاهای آموزشی به برقراری هر چه بهتر روابط در فضای دوستانه کمک کند.

● معاونت (بازی رسانیدن به کودک در تهیه ملزومات کارها و فعالیت‌هایش)

این معنی کمی با مفهوم رفاقت تفاوت دارد. هر کاری برای رسیدن به موفقیت نیازمند فراهم بودن الزامات، فرصت، موقعیت و وسایلی است که بدون فراهم بودن آن‌ها انجام دادن آن کار ممکن نیست؛ «معونه» عنوان این شرط است. با این وصف و با توجه به ناتوانی‌های متعدد کودک برای فراهم آوردن شرایط و لوازم مناسب و ضروری کارها و رفع نیازمندی‌های خود، بر مربیان کودک واجب است تا همه آنچه را که کودک برای موفقیت برای انجام دادن کارها و وظایف خود احتیاج دارد (و البته کاملاً دوستانه و بدون تحقیر و منت) فراهم آورند.

● محو و یا پنهان داشتن آثار ناقص برجای‌مانده از خطاکاری‌های کودک

در شرح حقوق شماره چهار و پنج از بخشش خطاها و پوشانیدن آن‌ها از چشم دیگران سخن گفتیم. در این مرحله، سخن





دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶.

۵. شاید بیان خاطره‌ای که از دکتر علی‌آبادی در مواجهه با یک فروشنده استرالیایی به جا مانده است، بتواند ما را در تعریف معنای دقیق دوستی یا همان رفاقت یاری رساند. ایشان می‌گویند: «هرگز از یادم نمی‌رود؛ روزی در شهر سیدنی به مغازه‌ای به قصد خرید وارد شدم و چنان‌که عادت ما ایرانیان است، سعی کردم برای پایین آوردن قیمت کالای مدنظرم چانه بزنم و برای موفقیت در این کار از گفتن جملات و کلمات دلنشین و خوشایند نیز کمک بگیرم. لذا رو به فروشنده کردم و گفتم: «ارزان‌تر بده، ما با هم دوست هستیم.» ناگهان فروشنده برآشفتم و در مخالفت با بی‌اساس بودن ادعای من در دوستی، با حالتی تند و با صدایی بلند گفت: «نه، ما با هم هرگز دوست نبوده‌ایم. دوست من کسی است که کمر خود را برای بردن بار من بشکند.» و من دیدم که راست می‌گویند؛ اگر معنای دوستی این باشد، ما هرگز با هم دوست نیستیم.»

۶. رفیق در فرهنگ ابجدی به معنای کمک‌کننده، سودرساننده و تکیه‌گاه آمده است (فرهنگ عربی - فارسی ابجدی، ص ۴۳۸). در فرهنگ‌التحقیق فی کلمات القرآن کریم نیز این واژه به معنی سازگاری و پشتیبانی از کسی برای رسانیدن او به سود تعریف شده است. (فرهنگ عربی التحقیق فی کلمات القرآن کریم، ج ۴، ص ۱۸۷).

پی‌نوشت‌ها

۱. امام سجاد (ع) در شرح حقوق خردسالان می‌فرمایند: «حق خردسال این است که بر او رحمت آری (و مهرورزی)؛ اطمینان او را به خود جلب کنی: در تربیت (فکری) و تعلیمش بکوشی؛ از خطایش بگذری و بر آن پرده‌پوشی کنی؛ با او بسازی؛ کمکش کنی؛ جرم‌ها و آثار خطاهای کودکانه‌اش را (از دید او و دیگران) بپوشانی که این خود سبب بازگشت او از خطا و اصلاح حال اوست؛ باید با کودک مدارا کرد و با او (در جدالی دو طرفه) در نیفتاد که این روش (البته) برای رشد و هدایت او مناسب‌تر و کوتاه‌تر است» (رساله حقوق امام سجاد، ۵۲۷: ۱۳۸۵)

۲. اشاره به فرمایش امام علی (ع): «... مَا الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ...» (حقیقت) دین چیزی نیست مگر محبت. نقل در مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۹۴، حاج نایب، تهران، بی‌تا.

۳. اشاره به فرمایش رسول گرامی اسلام: «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین، ...» فرزند در هفت سال کودکی، مولا و سرور است (نسبت به پدر و مادر، چون خواسته‌های او را باید انجام دهند) و هفت سال مانند بنده است (که در فرا گرفتن علم و دانش و آداب معاشرت به راهنمایی و تعلیمات پدر نیازمند است و در صورت نافرمانی تأدیب لازم خواهد بود) و هفت سال وزیر و کمک و پشتیبان است (یعنی پدر او را در فکر و تدبیر و کوشش در امور زندگی دخالت دهد و کمک خود گیرد). نقل در آشتیانی، میرزا احمد، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، ترجمه، ج ۲، ص ۱۱۸، کتابخانه صدوق، تهران، ۱۳۶۲.

۴. اشاره به فرمایش امام صادق (ع): «وَالْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يُسَبُّ نِيرَانَ اللَّجَاجَةِ» زیاده‌روی در نکوهش آتش لجاجت را سخت نماید. نقل در مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۴، ص: ۲۱۴، حاج‌نایب، تهران، بی‌تا. همچنین علی (ع): «ایاک ان تکرر العتب فان ذلک یغری بالذنب و یهون بالعتب» از توبیخ مکرر پرهیز کن، چه آنکه تکرار سرزنش گناهکار را در اعمال ناپسندش جری و جسور می‌کند، به‌علاوه اصل ملامت را نیز پست و بی‌اثر می‌سازد. نقل در تمیمی آمدی، عبدالحمید، تصنیف غرر الحکم و دررالحمک، ص ۲۷۸.

از «محو یا پنهان داشتن آثار برجای‌مانده از خطاکاری‌های کودک» از مقابل دیدگان خود او و دیگران است که جهت حفظ روحیه و امیدواری کودک برای فراموش کردن شکست‌ها، امیدواری به آینده و انجام دادن کارهای درست بسیار مؤثر است. امام سجاد (ع) ادای این مجموعه حقوق را به‌منظور فراهم کردن فضای لازم برای بازگشت کودک از خطاکاری ضروری می‌داند.

● مدارا نمودن (به معنی اداره کردن مجموعه فعالیت‌های کودک)

ریشه این واژه از «دور» است و مدارا کردن با کودک همان مراقبت از راه دور، اشراف داشتن بر همه کارهای او و برخورد غیرمستقیم به‌جای برخورد‌های مستقیم و صدور فرمان‌های بعضاً تند و ناخوشایند است. مسلمان‌نفس انسانی با این نوع برخورد بهتر و راحت‌تر کنار می‌آید. البته کودک نباید حس کند که کسی او را زیر نظر گرفته است.

روشن است که معمار، طراح و پدیدآورنده فضای مناسب برای چنین رفتاری نیز می‌کوشد تا با طراحی خوانا و به‌اصطلاح شفاف مجموعه فضاهای باز، نیمه‌بسته و بسته آموزشی‌گاه نسبت به یکدیگر و نیز طراحی مناسب اتاق یا مجموعه‌های غیرمستقیم دیگر در مرکز یا قسمت‌های راهبردی (استراتژیک) مجموعه (و البته با حفظ اصل لطافت و شفافیت) کار نظارت مدیران و نظم‌دهندگان را در «مدارا کردن» (یا همان: مدیریت غیرمستقیم) مجموعه رفتارهای کودکان آسان سازد.

● ترک جدل با کودک

بنا به دیدگاه امام (ع)، نتیجه ادای چنین حقی تحریک نکردن اعصاب و روان کودک، بازگرداندن آرامش به او برای بازگشت از خطا و اقدام به کار صحیح است.

در فضای ارتباطی
میان کودک و مربی
و جزء و کل ساختار
روابط موجود
در میان این دو،
حاکم اصلی باید
اعتماددورزی باشد



اشاره

این مقاله به ضرورت توجه به کارکردهای زبان فارسی برای کودکان پیش دبستانی پرداخته است. آموزش غیرمستقیم این کارکردها نه تنها برای کودکان مناطق دوزبانه ضرورت دارد، بلکه توجه به آن در فعالیتهای کلیه کودکان پیش دبستانی می تواند موجب استغنائی زبان مادری شود. در این مقاله نقش و جایگاه کارکردهای زبانی در محتوای زبان آموزی برجسته شده و ضمن ارائه انواع آن ها برای برخی کارکردها مثال هایی آمده است.

کلیدواژه ها: کارکردهای زبانی، زبان آموزی، پیش دبستان، مناطق دوزبانه، کارکردهای ارتباطی، محتوا

کارکردهای زبانی از عناصر سازنده در محتوای زبان آموزی هستند که در جایگاه خود حائز اهمیت اند. آموزش کارکردهای مختلف زبان نه تنها شیوه ای مناسب برای آموزش زبان دوم و زبان خارجی است بلکه توجه به آن در زبان مادری نیز باعث توسعه و غنائی آن می شود. استفاده بجا از این کارکردها موجب می شود فرد در ارتباطات میان فردی در زندگی روزمره اقبال بیشتری داشته باشد.

کارکردها مجموعه ای از کنش ها و رفتارهای زبانی هستند که انتظار می رود فرد بتواند از آن ها در موقعیتهای واقعی ارتباط استفاده کند؛ زیرا برای فرد فرصتی فراهم می آورند که عناصر مختلف زبان از قبیل واژه ها و ساختارهای زبانی را در موقعیتهای گوناگون زندگی به کار گیرد.

کارکردهای رایج در زبان فارسی را می توان در رده مهارتهای زندگی به حساب آورد. در مهارتهای زندگی نحوه کنترل هیجانات، ابراز وجود، ارتقای اعتماد به نفس، همکاری با دیگران، دوست شدن و حفظ دوستی ها، بیان واضح و روشن نظر خود و احترام به نظر دیگران، صمیمی شدن با اشخاص، و بسیاری موارد دیگر به مخاطب یاد داده می شود تا هم توانایی هدایت و کنترل خود را پیدا کند و هم در انجام رفتار سازگارانه و همزیستانه با دیگران توانمند شود. به همین ترتیب، کارکردهای زبان کودک را برای تعامل سازنده و مفید با دیگران در مراودات اجتماعی آماده می سازد و به او یاد می دهد از ساختارهای زبانی متناسب با مخاطب و مکان و موقعیتی که در آن قرار دارد استفاده کند تا بر این اساس



آموزش کارکردهای زبان برای آموزش زبان دوم

فریده عصاره



تفہیم و تفاهم بہتری انجام دہد و روابط نزدیک تر و صمیمی تری با افراد مقابل خود برقرار سازد.

علاوہ بر این، در استفادہ از کار کردہا کودک می آموزد بہ کسی کہ موفقیتی کسب کردہ است چگونہ تبریک بگوید تا شریک شدنش را در شادی و خوشحالی او اعلام کند، در جشن تولدش در برابر ہدیہهایی کہ از دوستان و آشنایان دریافت می کند چہ واکنشهایی از خود نشان دہد، چگونہ از آنہا قدر دانی کند و علاقہ خود را بہ آن ہدیہہا اعلام کند. بدین ترتیب، ہدیہ دہندہ از شرکت در چنین جشنی احساس رضایت می کند و ہمین طور کودک درمی یابد در برابر تشکر و تقدیری کہ از وی می شود، چہ پاسخی بدهد. (مثلاً، «خواہش می کنم، قابلی ندارد.» استفادہ از کار کردہای زبانی ہمچنین بہ کودک می آموزد کہ وقتی خطایی از او سر می زند، چہ جملہہا و عباراتی را برای معذرت خواهی بہ کار برد؛ مثلاً «من از کاری کہ کردہام، پشیمونم. من رو ببخشی. سعی می کنم کہ دیگہ تکرار نشہ.» یا بہ ہنگام خرید از چہ ساختارهایی استفادہ کند؛ مثلاً، «قیمت این کالا چندہ؟ چقدر گرونہ! ارزون تر نمی دی؟» یا وقتی نشانی منزل کسی را می خواہد بپرسد، چہ سؤالی را بیان کند و در برابر توضیح طرف مقابل، بہ منظور گرفتن اطلاعات بیشتر، چہ سؤال های دیگری را طرح کند یا وقتی از وی دعوتی بہ عمل می آید چگونہ آن را بپذیرد یا رد کند. وقتی بہ جایی وارد می شود یا بہ کسی می رسد چگونہ سلام و احوالپرسی کند یا چطور خود و دیگری را معرفی نماید. ہنگام حرف زدن با افراد خودمانی از جملہہای غیر رسمی و با افراد غریب از جملہہای کمی رسمی استفادہ کند. با ہمسالان و بزرگ ترہا چہ برخوردی داشتہ باشد. برای بیان، نظر و احساس خود در بارہ یک شیء یا شخص و رویداد چہ بگوید؛ مثلاً، «من از این خوشم میاد، اینو دوست ندارم. حتی دلم نمی خواد نگاش کنم. چقدر قشنگہ! این قدر این غذا خوشمزه است کہ می خوام انگشتام رو ہم با اون بخورم. چہ میوہہای خوشمزه ای! هوا چہ خوبہ!» یا برای بیان آرزوہایش: «ای کاش من ہم اینو داشتم.»

شماری از کار کردہای زبان فارسی

تعدادی از عناوین کار کردہای رایج در زبان فارسی عبارت اند از:

در آموزش کار کردہا یا رخدادہایی کہ کودک در طول زندگی روزانہ پیوستہ با آنہا مواجه است، چند نکتہ را باید رعایت کرد.

نکات قابل توجہ در انتخاب کار کردہا در محتوا

۱. برای ہر یک از کار کردہا و رخدادہای روزمرہ زندگی (کہ در بالا نام بردہ شد) دہہا جملہ وجود دارد کہ همانند فرمول ہستند و با دانستن آنہا می توانیم با دیگران ارتباطی بہتر و عمیق تر برقرار کنیم. مسلم است در ہنگام انتخاب این جملہہا باید بہ مخاطب، یعنی کودک، توجہ کرد. بدیہی است زبان کودکان بسیار سادہ تر از زبان بزرگسالان است. ہنگام بیان جملات مربوط بہ کار کردہا، آنہایی انتخاب شود کہ متناسب با سن و نیازہای کودکان است. ضرورتی ندارد کہ یک کودک شش یا ہفت سالہ جملات پرطمطراق بزرگسالان را بیاموزد؛ زیرا او در روند رشد خود تا بہ بزرگسالی برسد، اینگونہ جملہہا را یاد خواہد گرفت.

۲. لازم است در ہنگام ادای جملات و گفت و گوہای احتمالی مرتبط با آن کار کردہ، علاوہ بر توجہ بہ مخاطب بافت و موقعیت مربوط بہ فعالیت نیز در نظر گرفتہ شود. برای

۱. سلام و احوالپرسی

۲. خداحافظی کردن

۳. خوشامدگویی

۴. تشکر کردن

۵. تبریک گفتن

۶. تسلیت گفتن

۷. تشویق کردن

۸. موافقت کردن

۹. مخالفت کردن

۱۰. ابراز علاقہ/ یا عدم علاقہ

۱۱. آرزو کردن/ دعا کردن

۱۲. دعوت کردن (پذیرفتن/ رد کردن)

۱۳. آدرس پرسیدن/ آدرس دادن

۱۴. تقاضا کردن (درخواست کردن)

۱۵. نظر دادن/ نظر گرفتن

۱۶. قول دادن/ قول گرفتن

۱۷. قرار گذاشتن

۱۸. ابراز احساسات (شادی، غم، تعجب، ترس و...)

۱۹. شکایت کردن

۲۰. معرفی خود/ دوستان/ خویشاوندان

۲۱. توصیف: اشیا/ اشخاص/ رویدادہا/ محیط اطراف

مثال، وقتی یکی از دوستان خیلی صمیمی خود را می بینیم و می خواهیم با او سلام و احوالپرسی کنیم می گوییم: «سلام، چطوری؟ خوبی؟» یا «سلام، چه خبر؟ این طرفا؟» اما در مقابل کسی که رابطه ای چندان صمیمی با او نداریم و از لحاظ اجتماعی از ما بالاتر است، دیگر از این گونه جملات استفاده نمی کنیم. مثلاً می گوییم: «سلام، خوب هستید؟ وقت شما به خیر. مشتاق دیدار شما هستیم.» اما هرگز به دوست صمیمی خود نمی گوییم: «مشتاق دیدار شما هستیم.» بلکه برای ابراز دل تنگی خود از جمله «ستاره سهیل شدی!» یا «کم پیدایی!» استفاده می کنیم و یا هرگز به کسی که از ما بزرگ تر یا در مقامی بالاتر است، نمی گوییم: «چه خبر». این جمله بیشتر بین افرادی ردوبدل می شود که از لحاظ شأن و منزلت اجتماعی و سن و سال در یک مرتبه باشند.

در اینجا مثال دیگری در رابطه با کارکرد تقاضا یا درخواست کردن را - که یکی از رخدادهای تکراری در زندگی روزمره ماست- به سه شکل می آوریم.

درخواست برای جابه جا شدن فرد

اینجا جای منه = درخواست غیر مستقیم برای جابه جا شدن فردی که سر جای کودک نشسته است. (درخواست کودک از دوست خود)

برو اونور = درخواست مستقیم (درخواست کودک از دوست خود)

می شه بری اونور بشینی = درخواست مؤدبانه (درخواست از یک بزرگ تر).

۳. مهم ترین نکته قابل توجه در آموزش به کودکان این است که آنان باید از طریق محتوا و فعالیتها در معرض کارکردها قرار گیرند.

کارکردهای

زبان نیز کودک را برای تعامل

سازنده و مفید با دیگران در مراودات اجتماعی آماده می سازد و به او یاد می دهد از ساختارهای زبانی متناسب با مخاطب و مکان و موقعیتی که در آن قرار دارد استفاده کند تا بر این اساس تفهیم و تفاهم بهتری انجام دهد و روابط نزدیک تر و صمیمی تری با افراد مقابل خود برقرار سازد

بهترین محمل فعالیت مکالمه، داستان، نمایش و بازی است. آموزش مستقیم آنها اصلاً مورد نظر نیست.

۴. باید توجه داشت که در هر واحد یادگیری فقط به گنجاندن کارکردهای محدود اکتفا شود. در هر فعالیت تمرکز بر یک کارکرد کافی است. برای مثال، در یک فعالیت فقط به آموزش کارکرد سلام و احوالپرسی بپردازیم و در فعالیت بعدی کارکرد معذرت خواهی را در نظر بگیریم و همین طور تا به آخر. با ازدحام چند کارکرد در یک فعالیت هیچ کدام از کارکردها به خوبی مورد توجه قرار نمی گیرند. چرا که معرفی یک کارکرد به صورت همه جانبه و در حد کودک (دست کم با توجه به نکات برجسته آن) مفیدتر خواهد بود تا ارائه چند کارکرد متفاوت به صورت مختصر و جزئی.

۵. برای توسعه و تعمیق کارکردها در ذهن کودکان می توانید از آن ها علاوه بر فعالیت اصلی، در پیش فعالیتها و به ویژه پس فعالیتها نیز استفاده کنید. در فعالیت های بعدی نیز می توانید آن ها را تکرار کنید.

۶. نکته قابل توجه دیگر: ممکن است فعالیتی که در نظر گرفته اید قابلیت پذیرش یکی از کارکردها را نداشته باشد. بنابراین، اصرار بر گنجاندن آن کارکرد در فعالیت، می تواند از کیفیت محتوا بکاهد.

پی نوشت

1. functions of language

منابع

- عصاره، فریده؛ تبیین برنامه درسی زبان آموزی کودکان پیش دبستانی در مناطق دوزبانه، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.
- عصاره، فریده، بافته، مونا؛ زبان آموزی کودکان پیش دبستانی در مناطق دوزبانه، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.



عکس: اعظم لاریجانی

صرف نظر از اینکه کودکان پیش دبستانی، در فضایی مستقل از مدارس ابتدایی و یا در کلاس‌های ضمیمه این گونه مدارس حضور یابند، همه این فضاها را می‌توان کودکستان نامید و البته همان‌طور که در اساس نامه پیش دبستانی هم تصریح شده، دوره مزبور دو سال و ویژه کودکان چهار و پنج ساله است.

با نگاه به همه نظریاتی که در زمینه ویژگی‌های رشدی انسان، به ویژه کودکان، وجود دارد و به رغم تفاوت فراوان در دیدگاه‌های صاحب نظران این عرصه، نمی‌توان در وجود قدرت خداداد تفکر در کودکان تردید نمود و اصولاً روح کنجکاوی و پرسشگری کودکان ناشی از همین استعداد فطری است.

با این مقدمه کوتاه، به گمان ما کودکستانی که مبنای فعالیت آن، پرورش قدرت تفکر، اندیشه‌ورزی، خلاقیت و پژوهشگری (در مقیاس کودکانه) باشد، ویژگی‌هایی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم و انتظار داریم خوانندگان محترم آن را تکمیل نمایند.

✓ فضای آن در حد امکان با جلوه‌هایی از طبیعت (آب، درخت، گل و گیاه و حیوانات غیرمومی) ممزوج و مرتبط باشد.

✓ فعالیت کودکان به فضای تنگ و محصور کلاس‌های متعارف محدود نشود و با توجه به شرایط جوی و جغرافیایی منطقه از حضور و جنب‌وجوش آن‌ها در فضای باز غفلت نگردد.

✓ وسایل، امکانات، تجهیزات و به ویژه مواد دست‌ورزی کودکان، متنوع و متناسب با توان، درک و ایمنی کودکان انتخاب و مورد بهره‌برداری واقع شوند.

✓ مربیان کودکستان، علاوه بر داشتن علم، عمل و تجربه لازم، صاحب‌نظر، اهل تفکر خلاق و در زمینه مواد آموزشی و پرورشی، خودجوش و خودکفا باشند و با اقتضای حال و نیاز کودکان، آن‌ها را هدایت نمایند.

✓ اولیای کودکان، در ارتباط دائم با مربیان، و یاور آنان باشند و در راستای دستیابی به اهداف و اعمال روش‌های مشترک بکوشند.

✓ مدیران این گونه کودکستان‌ها ضمن آنکه خود نیز مربی هستند، نرم‌خو، پرحوصله و دارای سعه‌صدر باشند.

کودکستان «فکر و اندیشه»

مرتضی طاهری





بازی‌های خوب برای یادگیری

کودکان به بازی کردن با وسایل جذاب عشق می‌ورزند؛ از این رو به وسایل و تجهیزاتی ساده برای بازی کردن نیازمندند. برخلاف تصور موجود در این دوران، کودکان به وسایل گران‌قیمت نیازی ندارند، چرا که می‌توانند با ساده‌ترین وسایل نیز احساساتشان را نشان دهند. پیش از خرید همواره توجه کنید که آیا کودک می‌تواند از آن وسیله استفاده کند، آیا به شیوه‌های مختلف به کار او می‌آید و کودک از آن لذت می‌برد.

همه‌جا فروشگاه‌هایی هستند که اسباب‌بازی‌هایی را برای یادگیری کودکان می‌فروشند اما کودکان نوپا بیشترین تجارب اجتماعی را نه از وسایل بازی بلکه از زندگی روزمره فرا می‌گیرند.

اگر بازی سرگرم‌کننده‌ای را برای کودک نوپا محدود کنید، کودک بازی را رها کرده و خیلی زود احساس خستگی می‌کند. در این صورت بایستی وسایل بازی متنوعی برای کودک تهیه شود تا بتواند خود را با آن‌ها سرگرم سازد.

مواد اولیه و وسایل مفید و مناسبی برای سرگرمی کودکان وجود دارد که می‌تواند در آموزش آن‌ها مؤثر واقع شود:

روروئک (چرخ‌گردان): وسیله‌ای خوب و محکم برای بازی‌های دوران رشد کودکان محسوب می‌شود. روروئک می‌تواند برای حفظ تعادل کودکان نوپا مفید باشد و مانع افتادن‌های مکرر آن‌ها شود. کودکان نوپا خیلی زود فرا خواهند گرفت که روروئک نیز وسیله‌ای برای حمل اسباب‌بازی‌های آن‌ها خواهد بود.

اشکال مختلف آجری و

پلاستیکی: قطعه‌هایی سرگرم‌کننده برای ساخت برج‌های ساده و خانه هستند که کودکان نوپا خیلی زود نحوه کار با آن‌ها را یاد می‌گیرند. آن‌ها با هر بار چینش قطعات به روی هم تصورشان را از فضا، خانه و جلوگیری از ریزش فرا می‌گیرند و به سرعت متوجه می‌شوند که می‌توانند پیرامون خود را بسازند و برساخته‌های تخیلشان را به نمایش بگذارند؛ مانند: گاراژی برای ماشین یا قفسی برای دایناسورها.

در این دوران، کودکان نوپا اندازه‌ها و مقیاس‌ها را فرا می‌گیرند و با استفاده از وسایل ساده بازی، می‌توان اندازه‌های مختلف را به آن‌ها آموخت. کودکان می‌توانند خانه‌های بزرگ، اتاق‌های کوچک و بزرگ و صندوق پستی بسازند و به مفهوم پر و خالی در این دوران پی ببرند.

مقواهای بزرگ: استفاده از مقواهای بزرگ برای کودکان بسیار مفید است.

کودک می‌تواند روی آن‌ها بنشیند و به رنگ کردن بپردازد. کودک در این سنین

می‌آموزد که چگونه رنگ‌آمیزی کند و دنیای خود را

براساس تصورات کودکانه‌اش روی

مقوا ترسیم کند

گاهی این روند مدت‌ها در کودکان وجود دارد و در سنین مختلف خود را نشان خواهد داد.

کودکان نوپا در اولین سال زندگی‌شان تغییرات بیشتری را از خود نشان می‌دهند. آن‌ها به تنهایی حرکت می‌کنند (راه می‌روند)، صحبت می‌کنند (زبان را یاد می‌گیرند)؛ حرف‌های شما را می‌توانند بفهمند و در دنیای خودشان به صحبت بپردازند.

مثلاً می‌تواند اتوبوسی برای نشستن، غاری برای پنهان شدن یا میزی خیالی بکشد.

قدرت تخیل در این سنین رشد می‌یابد. در این سنین، کودکان عاشق درآوردن لباس‌های خود هستند. آن‌ها بیشتر به کلاه، کیف و لباس‌هایی علاقه دارند که به راحتی بتوان آن‌ها را درآورد و به لباس‌های خیالی مانند شال‌گردن و جلیقه‌های خاص بیشتر توجه نشان می‌دهند. همچنین، دوست دارند لباس‌هایی بپوشند که شکل‌های مختلف را نمایش دهد. به این ترتیب، این روش‌ها می‌تواند در توسعه و رشد قدرت تخیل آن‌ها مفید باشد و کودک تفکر را با رشد تخیل بیاموزد.

وسایل دورریختنی: در این دوران، کودکان وسایل و لوازم خانواده را معمولاً جمع می‌کنند و به سطل آشغال می‌ریزد. پس از پایان بازی آن‌ها هر وسیله‌ای را که با آن بازی

اشاره

کودکان نوپا

معمولاً فعال‌اند و همه چیز را به

سرعت می‌آموزند. آن‌ها اطرافیان را با

کارها و حرکاتشان سرگرم می‌کنند. کودکان نوپا

معمولاً بخشی از اوقات خود را با دویدن، ایستادن، به

جلو و عقب حرکت کردن و سریع دور زدن می‌گذرانند. البته،

گاهی این روند مدت‌ها در کودکان وجود دارد و در سنین مختلف

خود را نشان خواهد داد.

کودکان نوپا در اولین سال زندگی‌شان تغییرات بیشتری را از خود

نشان می‌دهند. آن‌ها به تنهایی حرکت می‌کنند (راه می‌روند)، صحبت

می‌کنند (زبان را یاد می‌گیرند)؛ حرف‌های شما را می‌توانند بفهمند و در دنیای

خودشان به صحبت بپردازند.

کودکان نوپا و یادگیری سریع اولیه



نویسنده: جنی لیندون^۱

مترجم: حسین تاران، کارشناس ارشد پیش‌دبستانی و مدرس دانشگاه

می‌کنند، به سطل آشغال می‌ریزند. دانشمندان معتقدند در این سنین باید از وسایل و لوازمی برای کودکان استفاده کرد که با ساختار ساده بتوان آن‌ها را برای رسیدن به اهداف زندگی مدیریت کرد. مثلاً می‌توان با استفاده از قوطی‌های خالی و تمیز شده کنسرو، چوب‌پنبه، حلقه‌های کتانی و لوله‌های قیفی عروسک‌هایی ساخت. کودکان در این سنین معمولاً دوست دارند همه وسایل بازی را در دهان بگذارند و آن‌ها را بکنند. به همین سبب، بهتر است وسایل خطرناک و دارای لبه‌های تیز را از دسترس آن‌ها دور نگاه داشت. تکرار فعالیت یکی از روش‌هایی است که کودکان به مدد آن می‌توانند به چستی اشیا و پیرامونشان پی ببرند.

خمیرهای رنگی: استفاده از خمیرهای رنگی و تهیه خطوط با رنگ‌های متنوع و مختلف یکی از روش‌های آسان آموزش برای کودکان نوپاست که آن‌ها را در شناخت محیط، آشنایی با رنگ‌ها و کشف دنیای خود یاری می‌کند.

یادگیری از طریق زندگی روزانه

تصوری که بزرگسالان همواره از بازی‌های کودکان دارند با آنچه کودکان تجربه می‌کنند، به مراتب متفاوت است. کودکان تجارب را با بازی می‌اندوزند. آن‌ها تعامل و زندگی اجتماعی را از طریق بازی نشان می‌دهند. وقتی بزرگسالان کودکان را در تعاملات اجتماعی سهیم کنند، کودکان این تجارب را آموزش خواهند دید.

وقتی کودک خود را به بازار می‌برید یا در محفلی اجتماعی شرکت می‌کنید، خوب است به رفتارها و واکنش‌های او توجه کنید. آنان دوست دارند خودشان راه بروند، حرف بزنند، بپرسند و اشیا و لوازم مختلف را تماشا کنند. آنان به خوبی اشیا و لوازم را در دنیای کوچکشان درک می‌کنند و به خاطر می‌سپارند.

کودکان در این سنین معمولاً شناخت خوبی از محیط زندگی و محل داد و ستد دارند و به محض رسیدن به حوالی منزل، خودشان را زودتر از بزرگسالان به در می‌رسانند و نشان می‌دهند که خانه و محل زندگی‌شان را می‌شناسند. حتی با کمی دقت متوجه می‌شوید که وقتی کودک چند بار همراهتان به بازار رفته باشد، می‌تواند برخی مغازه‌ها و محل‌ها را قبل از رسیدن به آنجا نشان دهد.

کودکان نوپا دانش عمومی خود را از طریق تجربه‌هایی عادی و روزمره مانند دیدن نامه‌های پستی یا قبضه‌های مختلف خانه، خریدنان، گذشتن از عرض خیابان و محل خط‌کشی فرامی‌گیرند. وقتی کودکان را در فعالیت‌های اجتماعی سهیم کنید، تحریک‌شان بیشتر می‌شود و از





این که
می توانند
کمک کنند،
احساس خوبی
خواهند داشت.

در این سنین، کودکان
به بازی های گروهی علاقه
دارند و می توانند تمرکز واقعی
خود را هنگام بازی با خاک، آب یا جارو
کردن نشان دهند. بهتر است به کودکان
فرصت بازی داده شود تا بتوانند قدرت
تمرکز کردن بر اشیا یا فعالیت های خاص
را بیابند.

نظم و آراستگی در این سنین می تواند
آموزش داده شود. زمانی که به آنان گفته
شود حیوانات باید به قفس بروند و
اسباب بازی ها به قفسه خود در اتاق بازی
بازگردند، از بی نظمی و به هم ریخته ماندن
وسایل خودداری می کنند و یاد می گیرند
که همواره وسایل را پس از بازی در جای
خود قرار دهند.

کودکان را هنگام رفتن به فروشگاه
همراه خود ببرید تا بتوانند انتخاب کردن
و احتیاجات زندگی را بیاموزند. به کودکان
اجازه دهید در انتخاب شیر، میوه ها و
سبزیجات به شما کمک کنند.

کودکان نوپا به آسانی در این سنین

قدرت تفکر کودکان نوپا

در حقیقت، کودکان نوپا را به وسیله کتاب های سرگرم کننده می توان به آموزش و تفکر سریع تشویق کرد. وقتی به کودکان نوپا توجه بیشتری می کنید و آن ها را مرتب تحت نظر قرار می دهید، می توانند دل بستگی خود را نشان دهند. هنگام خواندن کتاب های ویژه این گروه سنی می توان مشاهده کرد که آن ها به خوبی می توانند عبارات را تکرار و همراه گوینده صحبت کنند. در بسیاری از مواقع، آن ها دریافت های شان را از کتاب با ورق زدن صفحات آن بازگو می کنند و گاهی به محض رسیدن داستان به انتهای آن با گفتن «پایان» نشان می دهند که داستان به انتها رسیده است.

کودکان نوپا برای فهم موضوع اصلی داستان به کتاب های مصور نیاز دارند. آن ها هیجان و احساسات کامل خود را

می آموزند تا در چیدن میز غذا به شما کمک کنند. هنگام چیدن میز همواره با آن ها صحبت کنید و به آن ها بگویید که چه ظرفی برای چیدن میز لازم است، مانند: «به دو قاشق برای غذا خوردن نیاز داریم» یا «به دو لیوان برای آشامیدن آب نیاز داریم».

در این سنین، اولین تجارب خوردن غذا به تنهایی صورت می گیرد که مستلزم صرف زمان کافی است. می توانید غذای کودک را در ظرف دلخواهش آماده کنید که استفاده از آن راحت باشد. کودکان به کمک مهارت های جسمی فرصتی مناسب برای یادگیری درباره پیرامونشان دارند و با حمایت و پشتیبانی بزرگسالان می توانند از این فرصت ساده برای داشتن آینده ای بهتر استفاده کنند.

مجموعه آموزش‌های هم‌زمان

مجموعه آموزش‌های هم‌زمان یکی از اهداف مهم اعلامیه جهانی است که در جهت رشد و توسعه کودکان در انجام دادن فعالیت‌های اجتماعی به خانواده‌ها کمک می‌کند.

بازی بخشی از فعالیت اجتماعی کودکان است و با ایجاد سرگرمی‌های مفید، می‌توان آن‌ها را در آموزش‌های اجتماعی مشارکت داد. بروشورهای تهیه‌شده در زمینه‌های مختلف و آشنایی با زندگی نوزادان و کودکان نوپا و رفتارهای کودکان در بیرون از خانه، نقاشی، نوشتن، خواندن و آموزش ریاضی از جمله روش‌های مناسبی است که ما را در دانش‌اندوزی و انتقال آن‌ها به والدین در رسیدگی و پرورش کودکان یاری می‌رساند. وب‌گاه‌های آموزشی گوناگونی همواره جهت برقراری ارتباط در دسترس خانواده‌ها هست. آموزش آسان روشی فوری است تا همه کودکان بتوانند با کیفیت برتر حمایت شوند و آموزش‌های لازم را با تمرین‌های اصولی و دانش‌اندوزی ببینند. این آموزش‌ها وسیله‌ای هستند برای برقراری ارتباط در جهت آموزش و مراقبت از کودکان از زمان تولد تا هشت سالگی که خانواده‌ها می‌توانند از آن‌ها بهره بگیرند.

پی‌نوشت‌ها

۱. جنی لیدون (Jennie Lidon) روان‌شناس کودک و متخصص سال‌های اولیه کودکی است. تجربیات سی ساله وی در کار با کودکان و خانواده‌های آن‌ها زبانزد همگان است. او نوشته‌های بسیاری در زمینه کاری خویش دارد که به تناوب و به صورت مقاله در مجلات مختلف یا کتاب چاپ شده است. برخی از نوشته‌های او را می‌توان در پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط به دوران اولیه کودک جست‌وجو کرد.

2. Toddlers

منبع

www.Early children education.org.uk

این دوران، توهومات و وانمودسازی اولین یادگیری آنان است. اولین وانمودسازی کودکان مانند خوردن غذا با قاشق در یک بشقاب خالی است، اما با گذشت زمان می‌آموزند که وانمودهای واقعی زندگی، مانند خواباندن عروسک خرسی یا راندن یک وسیله نقلیه در یک جاده، را نشان دهند.

کودکان نوپا هنگام صحبت کردن نیز با گفتن کلمات مشابه یا تقلید حرکت بزرگسالان تشابه‌سازی می‌کنند؛ در چنین مواقعی فهم میزان یادگیری یا درک کودک نوپا همواره برای بزرگسالان مشکل خواهد بود.

رنگ‌ها بهترین وسیله برای بیان منظور کودک هستند. کودک اهداف زندگی را با رنگ‌ها و شکل‌ها می‌آموزد. در ابتدا، کودک یاد می‌گیرد لغاتی را تکرار کند که از آشنایانش می‌شنود. سپس، لغت‌های ساده و ثابت برای او فهمیدنی می‌شوند و او تلاش می‌کند که آن‌ها را بیاموزد. کودک برای رسیدن به اهداف خود معمولاً زبان را توسعه می‌دهد که آثار آن در اولین سال‌های زندگی او دیده می‌شود.

واژه‌هایی مانند بزرگ، بلند، داغ، خوش‌مزه، بو، معمولاً در سال‌های اولیه به تنهایی به کار برده می‌شوند، اما از سال دوم به بعد کودک یاد می‌گیرد که باید این کلمات را کامل‌تر به کار برد و در قالب جمله بیان کند. در واقع، یاد می‌گیرد که بین کلمات (مانند یک اتوبوس بزرگ) پیوند ایجاد کند.

شما می‌توانید در توسعه زبان به کودکان کمک کنید و واکنش‌های خود را به آن‌ها نشان دهید تا کودکان براساس حس رفتار شما به مفهوم واقعی جملات پی ببرند؛ مثلاً: «آیا شلوار آبی را امروز می‌خواهید؟» یا در جمله «عجب عطسه بلندی!» با بیان این دو جمله و ایجاد تمایز در احساس و رفتار، کودک می‌تواند مفهوم جملات را دریابد.

زمانی نشان می‌دهند که مطالب کتاب در عالم بیرون تحقق یابد. مثل دیدن یک گل آفتابگردان بزرگ یا یک اتومبیل که با مطالب کتاب خود برابر بوده باشد.

شعرهای کودکانی در فهم الگوهای صدا و خواندن و نوشتن به کودکان کمک خواهد کرد. همچنین شعرها سبب می‌شود که کودکان با جزئیات صدا، که تشکیل‌دهنده زبان و آغاز تکلم است، آشناتر شوند. کودکان نوپا با ریتم موجود در شعرهای کوتاه، بهتر و بیشتر از شعرهای دیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ بنابراین، به دنبال یافتن معنی شعرها نیستند و به «هیچانه‌ها» (اشعار بدون محتوا اما دارای وزن تند و شاد) رغبت نشان می‌دهند.

کودکان نوپا، بین سال‌های اول و دوم تولد، درباره پیرامون خود چیزهایی را می‌آموزند. در آغاز

بازی بخشی از فعالیت اجتماعی کودکان است و با ایجاد سرگرمی‌های مفید، می‌توان آن‌ها را در آموزش‌های اجتماعی مشارکت داد



سوزان بلاو

بنیان گذار اولین کودکان دولتی به روش «فردریک فروبل»

دکتر فرخنده مفیدی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی

داخلی مجبور به بازگشت به خانه شدند. در این ایام سوزان بلاو به تدریس خواهر و برادر کوچک ترش و نیز حضور در مدارس مذهبی یکشنبه‌ها در کلیسا پرداخت. در بیست‌سالگی، موقعیتی برای ازدواجش با یک سرباز ارتش به وجود آمد که با وجود علاقه دوطرفه به علت مخالفت خانواده به انجام نرسید.

در سال ۱۸۶۹، پدرش به کشور برزیل اعزام شد و سوزان نیز همراه وی به عنوان منشی و دستیار راهی آن کشور شد. طی پانزده ماه سوزان زبان پرتغالی را به سرعت یاد گرفت. احاطه سوزان بر دو زبان (پرتغالی - انگلیسی) ارتباطات تجاری را بین برزیل و ایالات متحده برای آن‌ها سهل و میسر ساخت. در سال ۱۸۷۰ همراه مادر و خواهر و برادرانش، به اروپا سفر کرد و در آنجا به تحصیل و بررسی دیدگاه‌های هگل^۴ و نیز دیگر بزرگان و پیش‌کسوتان آمریکایی پرداخت. در زمان اقامتش در اروپا، با روش‌های تدریس در کودکان آلمان‌گرای آلمانی و مربی بزرگ، فردریک فروبل، آشنا شد. فروبل آلمانی که از او با عنوان پدر کودکان دولتی یاد می‌شود، در شیوه کار با کودکان به یادگیری از راه بازی و رشدشناختی معتقد بود. در سال ۱۸۷۱، بلاو به نیویورک سفر کرد؛ جایی که به مدت یک سال در کودکان‌های برگرفته از نظرات فروبل تحت تعلیم قرار گرفت. در سال ۱۸۷۳، به سنت‌لویز بازگشت و اولین کودکان دولتی ایالتی را در سنت‌لویز

کلیدواژه‌ها: سوزان بلاو، کودکان دولتی، فروبل

سوزان بلاو^۱ (۱۹۱۶-۱۸۴۳)، یکی از پرورشکاران ایالات متحده آمریکا، اولین کودکان دولتی و عمومی موفق را در این کشور افتتاح کرد. در آمریکا او را به عنوان «مادر کودکان» می‌شناسند.

سوزان بزرگ‌ترین کودک از شش فرزند خانواده‌اش بود و مادرش فرزند هنری تیلور بلاو^۲ و مانیروا گریمسل^۳ بوده است. هنری تیلور مالک معادن و کارخانه‌های سرب، رئیس قطارهای راه‌آهن جاده‌های کوهستانی، نماینده مجلس ایالتی و همچنین، سفیر ایالات متحده در برزیل و ونزویلا و مادرش نیز کارخانه‌داری سرشناس و سیاستمداری محلی بود. فرزندان بلاو در خانواده‌ای مرفه و با عقاید عمیق مذهبی و فرهنگ اصیل آلمانی پرورش یافتند. پدر بزرگ سوزان، کاپیتان بلاو، بعدها در دادگاه‌های مختلف علیه برده‌داری مبارزه‌های فراوانی داشته است.

با داشتن چنین پایگاه اجتماعی و خانوادگی، سوزان توانست تعلیم و تربیت پایه‌ای بسیار خوبی را از والدین و مدارس مختلف خصوصی و سطح عالی دریافت کند. در هشت‌سالگی، نیز در مدارس خوب ایالت لویزیانا ثبت‌نام کرد و دو سال تحت آموزش قرار گرفت. در شانزده‌سالگی، با خواهرش در مدارس نیویورک ادامه تحصیل دادند ولی به علت وقوع جنگ‌های



سوزان بلاو عقیده داشت که نظام کودکان دولتی می‌تواند میزان مردودی و ترک مدرسه را کاهش دهد؛ زیرا کودکانی که از سنین پایین مدرسه را آغاز می‌کردند، موفقیت چشمگیری در مدرسه و سطوح بالاتر داشتند.

در سال ۱۸۷۴، نیز مرکز تربیت معلمی را به منظور تربیت انسان و پاسخ‌گویی به تقاضای معلمان کودکان افتتاح کرد. این معلمان صبح‌ها را داوطلبانه در کلاس‌های کودکان سپری می‌کردند و عصرها و تعطیلات پایان هفته را به یادگیری عقاید فردریک فروبل می‌پرداختند

منبع
برای کسب اطلاعات بیشتر، به صفحات ۳۶ و ۳۷ کتاب مبانی آموزش و پرورش پیش دبستانی، تألیف دکتر فرخنده مفیدی، انتشارات سازمان «سمت» چاپ سال ۱۳۹۰ مراجعه فرمایید.



تربیت معلم، سوزان به علت ابتلا به نوعی بیماری پرکاری تیروئید از تدریس کناره گیری کرد. در سال ۱۸۸۶، نیز بازنشسته شد ولی تا سال ۱۸۹۵ به سخنرانی در ایالات بوستن و ماساچوست ادامه داد. او در این سالها همچنین در مورد کتاب مقدس، آثار شکسپیر، دانته، هومر و گوته کلاس هایی را برپا کرد.

سوزان از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹ با انجمن کودکانستانها همکاری کرد و در عین حال، در کالج معلمان دانشگاه کلمبیا به تدریس اشتغال داشت. او درسی به نام **تاریخ فلسفه آموزش و پرورش** را معرفی و برپا کرد. وی آخرین سالهای عمرش را نزد خواهر کوچک ترش در نیویورک زندگی کرد و در سال ۱۹۱۶ نیز درگذشت.

در زمان مرگش، نشریه های معتبر چنین نوشتند: «فرماندهای بزرگ رفت ولی سربازان همچنان رژه خواهند رفت.»

آثار سوزان بلاو

بلاو در هیئت مشورتی اتحادیه کودکانستانهای بین المللی نیز خدمت کرد. او دو جلد از کتابهای بازیهای **مادر فروبل** را در سال ۱۸۹۵ ترجمه کرد و مقاله هایی در «مجله کودکانستان» نوشت. آثار دیگر او بدین شرح است:

- ۱۸۹۴ آموزش نمادین
- ۱۸۹۹ نامه هایی به یک مادر درباره فلسفه فروبل
- ۱۹۰۰ آموزش و پرورش در کودکانستان
- ۱۹۰۸ مسائل آموزشی کودکان

پی نوشت ها

1. Susan Blow
2. Henry Taylor
3. Minerva Girsley

۴. هگل، فیلسوف مشهور آلمانی

ایالت میسوری افتتاح کرد. در آنجا، با کمک دو خواهر دیگرش، به اداره و تدریس در کلاس های کودکانستان با چهل و دو کودک پرداخت. سوزان با تلاش و زحمات بسیار تمام هزینه ها را به منظور اداره و حفظ این مکان آموزشی می پرداخت، با وجود این نتوانست کار طاقت فرسا و ایثارگری هایش از نظر مادی را جبران کند. این کلاس های تجربی موفقیت شایان توجهی به دست آوردند و به سرعت رشد و پیشرفت کردند. طی سه سال، کودکانستان وی توانست پنجاه مربی و متجاوز از هزار دانش آموز را جذب کند. به طوری که در سال ۱۸۸۳، هر مدرسه دولتی در سنت لوئیس به یک کودکانستان نیز مجهز گردید.

بلاو در این زمان توانست با حمایت مدیران مدرسه شخصی خود را باز کند؛ حامیان او معتقد بودند که یکی از نگرانی ها و دغدغه های اصلی خانواده ها و مدارس میزان افت آموزشی خردسالان و مردودی های مدارس است. سوزان بلاو عقیده داشت که نظام کودکانستان می تواند میزان مردودی و ترک مدرسه را کاهش دهد؛ زیرا کودکانی که از سنین پایین مدرسه را آغاز می کردند، موفقیت چشمگیری در مدرسه و سطوح بالاتر داشتند. در سال ۱۸۷۴، نیز مرکز تربیت معلمی به منظور تربیت انسان و پاسخ گویی به تقاضای معلمان کودکانستان افتتاح کرد. این معلمان صبح ها را داوطلبانه در کلاس های کودکانستان سپری می کردند و عصرها و تعطیلات پایان هفته را به یادگیری عقاید فردریک فروبل می پرداختند.

به این ترتیب، سوزان بلاو نقش بسیار مهمی در تاریخ و رشد آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی ایفا کرد.

سال های بعد

تنها ده سال بعد از افتتاح مدرسه

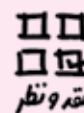


اشاره

در سال های اخیر، به ایجاد فضاهای سبز و بوستان ها به منزله ریه های تنفسی شهر و مکانی برای تعاملات اجتماعی و گذران اوقات فراغت اقشار مختلف مردم در کلان شهرها، به ویژه تهران، توجه شده است. مدیریت شهرداری تهران در سال های اخیر اقداماتی مؤثر به منظور افزایش سرانه فضاهای سبز شهر تهران داشته است که از آن جمله می توان به گسترش فضاهای سبز حاشیه بزرگراه ها برای زیباسازی بدنه شهری، احداث بوستان های بزرگ و موضوعی و دیگر فضاهای سبز شهری اشاره کرد که در ارتقای موقعیت زیست محیطی شهر و کاهش آلودگی های محیطی و ایجاد فضاهایی برای گذران اوقات فراغت و گردشگری و تفرجگاهی مؤثر بوده اند. در این میان، احداث بوستان های موضوعی، از جمله بوستان کودک، از مواردی است که اخیراً شهرداری تهران در برنامه کار خود قرار داده است. برای نیل به این مهم، همکاری همه جانبه مدیران، محققان، برنامه ریزان و طراحان شهری برای دستیابی به اهداف اصلی احداث چنین بوستان هایی - تخصصی و موضوعی - ضروری به نظر می رسد.

این پژوهش با هدف بررسی و عرضه اصول و ضوابطی انجام شده است که برای طراحی و احداث بوستان های کودک بایستی مد نظر قرار گیرد. این مطالعه با بررسی کتب و مقالات موجود و بررسی اجمالی مکان های بازی کودکان در بوستان های موجود در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران به دست آمده است. امید است که با به کار گیری این اصول و ضوابط بتوان گامی مهم در جهت طراحی و احداث بوستان های موضوعی برداشت.

کلیدواژه ها: فضای سبز، بوستان شهری، اصول و ضوابط و طراحی بوستان کودک.



نقره و نظر

در میان تقسیمات فضای سبز، فضای سبز شهری را بر مبنای چگونگی مالکیت می توان در سه گروه اصلی طبقه بندی کرد:

- فضای سبز خصوصی (باغ های مشمر و غیر مشمر، زمین های کشاورزی و باغچه های خصوصی)؛

- فضای سبز نیمه خصوصی (فضاهای سبز ورزشی، فضای سبز بیمارستان ها، برخی ادارات و مراکز فرهنگی، پادگان های نظامی و مانند آن)؛

- فضای سبز عمومی: مهم ترین و تأثیر گذارترین گروه از فضاها و عناصر سبز شهری که در این گروه قرار دارند، موارد ذیل را شامل می شود:

جنگل ها و پارک های شهری، بلوارها، ردیف کاری های پیرامون خیابان ها، میدان های سبز، باغ های گیاه شناسی و نظایر آن.

از این حیث بوستان کودک در زمره تقسیمات فضاهای سبز عمومی بوستان ها و پارک های شهری قرار می گیرد.

عناصر سبز شهری از جمله فضاهای سبز عمومی، در مقیاس خرد، قادرند عملکردهایی متفاوت را در کالبد شهر عهده دار شوند. از جمله این عملکردها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تفکیک مناطق شهری (مسکونی، تجاری، صنعتی، تفریحی و مانند آن)؛





نتیجه‌گیری از تمامی اطلاعات در مرحله شناخت و امکانات و محدودیت‌های موجود در سایت مورد طراحی، طرح نهایی بوستان می‌بایست ارائه شود.

معرفی بوستان کودک

گسترش فزاینده کلان‌شهر تهران و متعاقباً رشد پیامدها و تأثیرات جمعیتی و توسعه‌ای آن برای کودکان، پراکندگی و گاه فقدان انسجام لازم در خدمات و برنامه‌های حوزه کودکان لزوم برنامه‌ریزی برای ایجاد و گسترش فضاهایی در شهر به‌منزله محیطی امن، سالم و رشددهنده برای کودکان با طرح احداث بوستان موضوعی کودک با بازنگری بر وضعیت فعلی بوستان‌های شهری ضرورت دارد که بخشی از آن‌ها مکانی برای بازی کودکان در نظر گرفته شده است.

بر همین اساس، یکی از طرح‌هایی که در کشورهای مختلف دنیا و تحت تأثیر همین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها طراحی و اجرا شده است، طرح «بوستان کودک» و «شهر دوستدار کودک» است.

کودک» است تا شهرها با مشارکت فعال مردم و بازنگری و پیاده‌سازی استانداردها، به محیطی بهتر برای زندگی با کیفیت کودکان در وجوه مختلف تبدیل شوند.

از این‌رو، بوستان کودک از جمله بوستان‌های شهری است که برای طراحی

در آن‌ها بخشی از بوستان‌های شهری در طراحی کلی بوستان در نظر گرفته شده‌اند. از این حیث، کمبود و فقدان بوستان‌های موضوعی برای بهره‌مندان خاص، به‌ویژه کودکان با گروه‌های سنی مختلف، با عنوان «بوستان کودک» احساس می‌شود و ضروری است که این مهم سرلوحه کار مدیران، طراحان و برنامه‌ریزان در امر احداث بوستان‌های شهری خصوصاً بوستان‌های موضوعی با در نظر گرفتن اصول و ضوابط خاص طراحی، قرار گیرد.

در روش تحقیق، باید نقش و حضور تمامی عوامل و نیروهایی که به‌نحوی - چه مثبت و چه منفی - ممکن است بر فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و احداث فضاهای سبز مؤثر باشند، دقیقاً شناسایی شوند و مورد توجه قرار گیرند. از این‌رو، در نخستین مرحله از تحقیق دربارهٔ کم‌وکیف فضای پیرامون شهرها و فضای سبز شهری باید به چهار زمینهٔ مشخص توجه شود:

● شناخت ساختار بومی منطقه (اقلیم، منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، منابع خاک، توپوگرافی، رویش طبیعی، حیات‌وحش، بررسی سیمای محیط طبیعی، چشم‌اندازها و پدیده‌های طبیعی خاص که ارزش حفاظتی دارند، چشم‌اندازهای آسیب دیده و نوع آسیب، گردشگاه‌های طبیعی و تحلیل بوم‌شناختی منطقه مطالعاتی)

● شناخت کیفیت محیط زیست

● شناخت محیط اجتماعی

● شناخت ساختار و ویژگی‌های اقتصادی منطقه.

مرحله بعدی تحقیق، بررسی و تحلیل همهٔ داده‌ها و نقشه‌هاست که نهایتاً با

تفکیک کاربری‌های مختلف و به‌ویژه کاربری‌هایی که در تعارض با یکدیگرند

● جلوگیری از تراکم ساختمان‌ها و بلوارها

● برجسته‌سازی خطوط اصلی شهر.

معماری فضای سبز و مقولهٔ پارک‌سازی فعالیتی هدف‌دار است که برای نیل به آن، نخست باید به برنامه‌ریزی و طراحی پرداخت و سپس، وارد مراحل اجرایی شد. گرچه ممکن است فضای سبز در محیط‌های شهری عملکردها و بازدهی‌های مختلفی داشته باشد. دستیابی به این اهداف زمانی میسر می‌شود که برنامه‌ریزی و طراحی فضای سبز شهری برای رسیدن به آن‌ها صورت گرفته باشد؛ از این‌رو، نخست باید عملکردهای فضای سبز با دقت تمام شناسایی شوند.

به‌طور کلی، هدف از بهسازی چشم‌اندازهای طبیعی و توسعهٔ فضای سبز شهری را باید حفاظت از فضاهای طبیعی و سبز موجود، افزایش توان و بازدهی محیط زیست، تقویت پایداری سیستم‌های طبیعی و ارتقای کیفیت محیط زیست در قلمرو بومی شهرها دانست.

روش تحقیق حاضر مجموعه‌ای است از مطالعهٔ کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع و نمونه‌های موردی جهانی، بازدیدهای میدانی از بوستان‌های شهری احداث شده در سطح مناطق ۲۲گانهٔ شهرداری تهران، و مصاحبه با کارشناسان مجرب و ذی‌ربط.

پژوهش حاضر مجموعه‌ای است از نتایج کار و تجارب به‌دست آمده از احداث بوستان‌های شهری در سطح مناطق شهرداری تهران که زمین‌های بازی کودک

یکی از طرح‌هایی که در کشورهای مختلف دنیا و تحت تأثیر همین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها طراحی و اجرا شده است، طرح «بوستان کودک» و «شهر دوستدار کودک» است تا شهرها با مشارکت فعال مردم و بازنگری و پیاده‌سازی استانداردها، به محیطی بهتر برای زندگی با کیفیت در وجوه مختلف تبدیل شوند

اصول و ضوابط طراحی بوستان کودک

شهرزاد مهرمند

کارشناس ارشد طراحی محیط زیست

و احداث آن رعایت اصول و ضوابط خاص در جهت دستیابی به اهداف احداث چنین بوستان‌هایی الزامی است. در ادامه، با نگاه و مروری اجمالی به اهداف اصلی احداث بوستان‌های کودک، ویژگی‌ها و نکاتی که بایست برای احداث چنین بوستان‌هایی مدنظر قرار داد، بیان می‌شود.

اهداف اصلی احداث بوستان‌های کودک

- برخورداری از امنیت اجتماعی لازم؛ احداث مجموعه‌ای ویژه برای تفریح و سرگرمی و بازی کودکان؛
- احداث مجموعه‌ای برای معرفی و آشنایی کودکان با طبیعت و ارزش‌های محیطی؛
- احداث مجموعه‌ای ویژه برای ارتباطات آموزشی کودکان با همیاری آموزش و پرورش و شهرداری؛
- ایجاد فضاهای باز تفریحی برای ارتباط مستقیم و استاندارد کودکان در رده‌های سنی خردسالان و کودکان با عناصر طبیعی آب، خاک، ماسه؛

- برنامه‌ریزی و ایجاد فضاها و وسایل بازی برای تقویت ذهن و فکر کودک و کشف و پرورش استعدادها و بالقوه ذهنی و بدنی کودک در مراحل و سنین مختلف رشد؛

وجود فاصله کافی بین پارک و منازل مسکونی و دسترسی‌های محلی، سواره و پیاده ایمن به بدنه مسکونی و ورودی‌های مناسب را بایست مدنظر قرار داد

- برخورداری از حداقل آلودگی صوتی و زیست‌محیطی.

ویژگی‌ها و اصول و ضوابط احداث بوستان کودک

- در زمینی به وسعت حداقل ۵ هزار متر مربع تا حداکثر یک هکتار و واجد کاربری بازی کودکان باشد.

- عموماً بوستان‌ها با مساحت کمتر از یک هکتار برای بهره‌برداری شهروندان محل با جمعیت ۲۴۰۰ نفر، برآورد شده است.

- بوستان‌ها با مساحت یک هکتاری نیز برای بهره‌برداری شهروندان محل، به‌طور متوسط جمعیت حوزه، ۴۸۰۰ نفر برآورد شده است.

- مکان‌یابی در پارک‌های کودک از اهمیت بالایی برخوردار است.

- نبود همجواری مستقیم با بزرگراه‌ها و خیابان‌های اصلی و وجود فاصله کافی بین پارک و منازل مسکونی و دسترسی‌های محلی، سواره و پیاده ایمن به بدنه مسکونی و ورودی‌های مناسب را بایست مدنظر قرار داد.

- انتخاب مکان‌هایی با امنیت اجتماعی معقول و حداقل آلودگی‌های صوتی و زیست‌محیطی نیز از دیگر نکات مهم است.

- وسعت زمین بازی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد سطح پارک، وسعت معابر ۱۵ تا ۲۰ درصد و وسعت فضای سبز ۵۰ درصد وسعت کل محوطه باشد.

- استفاده از پوشش‌های گیاهی مناسب و متنوع به جای

استفاده از گونه‌های

سمی، حساسیت

زا و خاردار تا

شرایط لازم

را برای ایجاد

محیطی امن،

سرزنده و زیبا؛

البته چشم‌اندازهای

زیبای بصری را برای کودکان و والدین فراهم کند.

- کاشت گیاهان سایه‌گستر و ایجاد دیواری از فضای سبز به‌منظور تأمین عایق صوتی و محصور کردن کودکان نیز مناسب است. به‌نحوی که امکان ورود کودکان به این فضاها به سهولت وجود داشته باشد.

- کیفیت دید و منظر در این باغ به‌گونه‌ای است که گستره دید در همه جهات فراخ باشد و امکان نظارت و حفظ امنیت و سلامتی وجود داشته باشد.

- ایجاد تنوع رنگی و استفاده از رنگ‌های شاد و مناسب کودکان در استفاده از تجهیزات و وسایل بازی کودکان را به بازی و فعالیت ترغیب می‌کند و در افزایش شادابی و نشاط کودکان بسیار تأثیرگذار است.

- استفاده از عنصر آب برای پویایی و سرزندگی پارک کودک نیز لازم است.

- اختصاص دادن فضایی برای استقرار و استراحت والدین از ملزومات پارک کودک است.

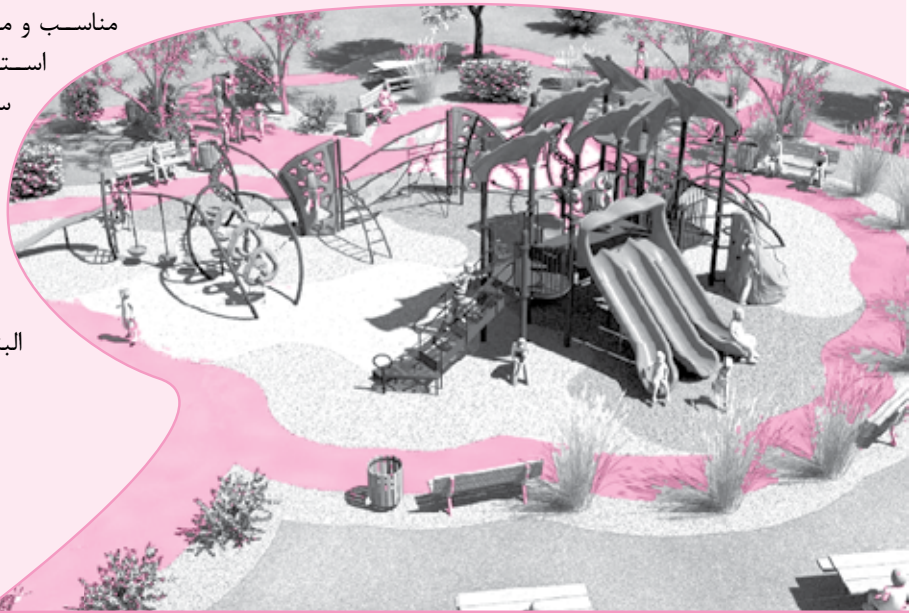
- استفاده از کفیوش‌ها و مصالح استاندارد برای حفظ سلامتی و ایمنی کودکان در این بوستان بسیار حائز اهمیت است.

- تجهیزات و وسایل بازی موجود، آبخوری و غیره باید براساس ویژگی‌های انسانی، ارگونومی^۱ کودکان، در پارک

مستقر شود. به‌طور کلی برای احداث بوستان کودک رعایت مواردی از قبیل استانداردهای مبلمان شهری، رنگ‌آمیزی مناسب با استفاده از هماهنگی رنگ ویژه کودکان، ایمنی و پاکیزه نگه‌داشتن اماکن، مناسب‌سازی سرویس‌های بهداشتی و ایمن‌سازی معابر الزامی است.

پی‌نوشت

۱. ارگونومی، به بیان ساده روشی است که نیازها، توانایی‌ها و محدودیت‌های جسمی و ذهنی انسان را کانون اصلی طراحی محصولات مورد استفاده مشاغل و محیط اطراف او قرار می‌دهد، تا ضمن تأمین آسایش، سلامت و ایمنی، موجب افزایش کارایی او گردد.



مشکلی به نام شب‌ادراری

دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی خانواده

می‌کند؛ باید آگاهی کنید که بعضی ناراحتی‌ها و مسائل رفتاری و بدنی ربطی به بزرگی و کوچکی ندارد و نباید خود را در مقایسه با برادر کوچک‌ترش ضعیف ببیند و دلخور شود. شما هم در مکالمه‌ها و برخوردهایتان از مقایسه کردن و انگ‌زدن بپرهیزید و آن‌ها را برابر یکدیگر قرار ندهید.

آگاه باشید که تفاوت‌های فردی یک اصل است و ویژگی‌های بدنی آن‌ها نیز می‌تواند کارکردهای مختلفی را سبب شود. ضمناً هرگز او را به‌ویژه در برابر برادر کوچک‌ترش یا افراد خانواده، به‌خاطر شب‌ادراری سرزنش نکنید. سعی کنید لباس یا وسایل خیس شده‌او را برابر چشم دیگران نگذارید و با ناراحتی و احساس بد جلوه ندهید. به او یاد دهید که هر چه آرامش خود را بیشتر حفظ کند و تنش نداشته باشد، بهتر می‌تواند از خود مراقبت کند. ضمناً حواستان باشد از دو تا سه ساعت قبل از خواب، نوشیدنی و غذاهای مایع را مصرف نکنند. برنامه‌ای تنظیم کنید که حداقل یک‌بار در طول شب به دست‌شویی برود و ادرار خود را تخلیه کند. مادر عزیز، بدانید که چنانچه پزشک تأیید کند از نظر مجاری ادرار مشکلی نیست و محیط خانواده اضطراب و تنش را از او دور کند مشکل به‌تدریج برطرف خواهد شد. سعی کنید به‌خاطر این موضوع اعتمادبه‌نفس او پایین نیاید و خود را نیز با دیگران و به‌ویژه برادر کوچک‌ترش مقایسه نکنند. ضمناً، سعی کنید متغیرهای تنش را در محیط خانه و مدرسه شناسایی کنید و او را آرام نگه دارید. برای شما و فرزند دلبندتان آرزوی موفقیت و تندرستی دارم.

□ پسری شش ساله دارم که دچار شب‌ادراری است. به پزشک هم مراجعه کرده‌ایم، ولی ظاهراً فقط باید با مشککش مدارا کنیم. وقتی پسرم خود را با برادر کوچک‌ترش مقایسه می‌کند، دچار ناراحتی می‌شود که چرا او این مشکل را ندارد. لطفاً مرا راهنمایی بفرمایید.

□ مادر عزیز، سؤال شما چند نکته قابل تأمل دارد که ابتدا مطرح می‌کنم. اصولاً شب‌ادراری ناگهانی پیش نمی‌آید و باید به پیشینه و ریشه‌های شکل‌گیری آن توجه کرد. چنانچه از نظر فیزیولوژیکی و مجاری ادراری دشواری خاصی نباشد، باید به جنبه‌های روانی و عاطفی خانواده و رخدادهای محیطی نظر کنید.

در توضیحات شما، یکی مقایسه کودک با برادر کوچک‌تر مطرح است و دیگری زمان ورود و تولد برادر کوچک‌تر در خانواده.

آیا دقت کرده‌اید که شب‌ادراری و تکرار آن از چه زمانی شروع یا بیشتر شده است؟ چون شب‌ادراری در این سن به‌صورت اتفاقی یا به‌علت ترس یا حادثه‌ای خاص و نیز آشامیدن مایعات زیاد گاه‌گاهی در کودکان رخ می‌دهد که چنانچه تکرار نشود تا حدی طبیعی است.

آیا کودکتان را برای ورود برادر کوچک‌ترش آماده کرده بودید؟ معمولاً چنانچه فرزند بزرگ‌تر به اندازه کافی آماده نشده باشد یا توجه زیاد شما را به نوزاد ببیند، در خلق و خویش - به‌ویژه در خواب، غذا خوردن و حالات رفتاری و نیز ادرار - تغییراتی ایجاد می‌شود که می‌تواند نشانه‌ای از واکنش روانی به تغییر جدید در محیط نیز باشد. از آنجا که فرزند شما خودش را با برادر کوچک‌ترش مقایسه



مهارت‌های ریاضی در سال‌های پیش دبستان

ترجمه غلامرضا تبریزی
مدرس دانشگاه فرهنگیان مشهد

اشاره

بودند. سپس، وین دریافت در وضعیتی که صحنه را نمی‌توان با جمع یا تفریق حدس زد، کودکان مدت بیشتری به صحنه نگاه می‌کردند.

کودکان می‌توانند تفاوت میان کمیت اشیاء را نیز درک کنند. آنتل^۲ و کیتینگ^۳ نشان دادند که کودکان فرق دو جسم با سه جسم را درک می‌کنند و باطمینان کمتری، می‌توانند فرق سه جسم از چهار جسم را نیز تشخیص دهند. این دو محقق نیز، مانند وین، از **الگوی خوگیری**^۴ (تشکیل عادات) استفاده کردند. طبق الگوی خوگیری، میزان توجه فرد به هر چیز جدید و تازه‌ای با مشاهدات مکرر کاهش می‌یابد. آن‌ها در آزمایش خود تصویری از چند شیء را به گروهی از نوزادان نشان دادند و پس از اینکه کودکان به دیدن آن‌ها عادت کردند، تصویر دیگری نشان می‌دادند که تعداد اشیای آن مساوی یا متفاوت با تصویر اول بود. وقتی تعداد اشیای دو تصویر با هم مساوی بود کودکان زمان کوتاه‌تری را صرف نگریستن به تصویر دوم می‌کردند.

در خصوص پایه‌های توانایی ریاضی در کودکان و رابطه آن با شمارش اعداد مطالعات زیادی انجام گرفته است. گالیستل^۵ و جلمن معتقد بودند که توانایی اولیه ریاضی کودکان براساس نوعی شمارش غیرشفاهی شکل می‌گیرد که در آن از روشی به نام **انباشتگر**^۶ استفاده می‌کنند. توضیح انباشتگر به این معناست که انگیزه شمارش با تعداد اشیاء رابطه‌ای

تا زمانی که کودک به مدرسه نرفته باشد، از دستورالعمل‌های علم ریاضی برای حساب کردن استفاده نمی‌کند. با این حال، بسیاری از مهارت‌های ریاضی در سال‌های پیش از دبستان ایجاد می‌شوند. این مهارت‌ها یادگیری شمارش و شناخت اعداد نوشتاری و گفتاری را شامل می‌شود. کودکان کوچک‌تر نیز در مورد اعداد اطلاعاتی دارند، ولی درباره شمارش چیزی نمی‌دانند.

آزمایشی در خصوص نوزادان پنج‌ماهه انجام داد و آن‌ها را مقابل یکی از دو وضعیت زیر قرار داد. در وضعیت اول، وین به تعدادی از نوزادان یک اسباب‌بازی را نشان داد و سپس، پرده‌ای مقابل دید آن‌ها گرفت و پشت پرده اسباب‌بازی دیگری گذاشت. در وضعیت دوم، ابتدا، به نوزادان دو اسباب‌بازی را نشان داد و پس از مسدود شدن دید نوزاد با پرده، دستی مکانیکی یکی از اسباب‌بازی‌ها را از پشت پرده برداشت. در انتها، پرده پایین آمد و هر گروه وضعیتی متفاوت با قبلی را مشاهده کرد. یعنی یا یک اسباب‌بازی یا دو اسباب‌بازی را می‌دیدند. وضعیت اول یعنی $(1+1=2)$ و وضعیت دوم یعنی $(1=1)-$ ۲. کودکان تعجب کرده

وین^۱ نشان داده است که نوزادان می‌توانند بفهمند که وقتی شیئی کنار شیء دیگری قرار می‌گیرد، دو تا شیء و وقتی از کنار آن برداشته می‌شود، یک شیء باقی می‌ماند. از این رو، وی



1. Wynn
2. Antell
3. Keating
4. Habituation
5. Gallistel
6. Accumulator
7. Starkey
8. Cooper

پی‌نوشت‌ها

توانایی تا ۵/۵ سالگی هیچ تغییر محسوسی نکرد. در مرحله بعدی آزمایش، مشخص شد که در تمامی گروه‌های سنی، اگر علاوه بر اندازه تصویر، طول مجموعه اشیا نیز افزایش یابد، مقایسه کودکان دقت بیشتری می‌یابد. این یافته نظریه پیاژه را در مورد استفاده از طول در فعالیت‌های حفظ کردن اعداد تأیید می‌کند. با این حال، نتایج نشان داد که با افزایش اندازه تصویر، تعداد خطاها و زمان پاسخ تغییری نمی‌کند.

منابع

1. Wynn (1998). Why do infants make A not B errors in a search task, yet show memory for the location of hidden objects in a nonsearch task? *Developmental Psychology*, 34, 441-453.
2. Antell, The acquisition of language: The study of developmental linguistics. New York: Harper & Row.
3. Keating Vol. 1. Problems of general psychology. New York: Press. (Original work published 1934)

استارکی و کوپر نتیجه می‌گیرند که حدس غیرشمارشی قبل از توانایی شمارش زبانی در کودکان وجود دارد. امروزه، نظریه دیگری از آن‌ها که مباحث زیادی را برانگیخته است، بر این عقیده است که رشد مهارت‌های شمارشی ربطی به رشد توانایی‌های حدس غیرشمارشی ندارد. طرفداران این نظریه بر این عقیده‌اند که خردسالان، از طریق حدس غیرشمارشی، هنگامی که تعداد اشیا کم و زیاد می‌شود، می‌توانند نتیجه را حدس بزنند و بفهمند که مثلاً عدد ۳ بزرگ‌تر از عدد ۲ است.

مستقیم دارد. به این معنا که هرچه تعداد اشیا بیشتر شود، انگیزه شمارش نیز افزایش می‌یابد. دیدگاه موجود دیگر در مورد توانایی شمارش کودکان می‌گوید که کودکان به تدریج از حدس زدن تعداد اشیا با نگاه کردن به سوی حدس غیرشمارشی پیش می‌روند. کاربرد این شیوه در بزرگسالان به خوبی دیده می‌شود؛ زیرا آن‌ها می‌توانند معمولاً تعداد چهار شیء را بدون شمارش و با نگاه کردن تشخیص دهند. حدس غیرشمارشی با تعداد اشیا نیز رابطه دارد. در مورد اعداد کمتر افزایش در زمان شمارش همزمان با افزایش در اندازه آن‌ها دیده می‌شود. برای مثال، برای یک بزرگسال، زمان تشخیص تعداد سه شیء ۴۰ میلی‌ثانیه از تشخیص دو جسم بیشتر است. درحالی که تعیین اندازه مجموعه‌ای هفت‌تایی ۳۸۰ میلی‌ثانیه از زمان مجموعه شش‌تایی بیشتر می‌باشد. برای مجموعه‌های با شش و ۵ عضو هم وضع به همین منوال است.

استارکی^۷ و کوپر^۸ در تحقیقی به مقایسه انباشتگری و حدس غیرشمارشی در کودکان پرداختند. آن‌ها از گروهی از کودکان ۲/۵ ساله خواستند که نظر خود را در مورد مساوی یا نامساوی بودن تعداد اجسام دو تصویر متفاوت بیان کنند. تصاویر به صورت خطی طراحی شده بود و در آن‌ها از یک تاشش جسم وجود داشت. کودکان مورد آزمایش هنوز قادر به شمارش نبودند ولی می‌توانستند در مورد دو تصویری که حداکثر سه جسم در آن وجود داشت، درست تصمیم بگیرند. لیکن، در مورد تصاویری با بیش از چهار جسم، تصمیم‌گیری آن‌ها مبتنی بر شانس بود. کودکان ۲/۵ ساله می‌توانستند در مورد تصاویری با حداکثر چهار جسم به درستی نظر بدهند. این



برنامه درسی ملی، راهنمای ماست

ارغوان غلامی



برای هر کودکی،

اولین دوره یادگیری آموزش، دوره پیش از دبستان است. او در این

دوره یاد می‌گیرد که چگونه یاد گرفتن را دوست داشته باشد.

اما چگونه باید کودک را از دل بازی کردن بیرون کشید و برای نشست پشت میزهای چوبی کلاس

آماده کرد؟

تدوین کتاب راهنمای آموزشی پیش دبستان، چند سالی است که با وجود مشکلات فراوان شروع شده است اما هنوز این دوره از آموزش، به صورت متمرکز در کشور ما اجرا نمی‌شود. به همین دلیل، در خرداد ماه سال ۹۲، نشست به همت سردبیر مجله رشد پیش دبستانی و با هدف آشنایی بیشتر با اعضای کمیته‌های تولید محتوای آموزشی شهرستان‌های مختلف برگزار شد. پیش‌تر از چندین استان از جمله آذربایجان، کرمانشاه، اصفهان، تهران و... خواسته شده بود که برای ارائه گزارش فعالیت‌هایشان در چند سال اخیر در زمینه تولید محتوا و همچنین بیان مشکلات نمایندگانی به این نشست بفرستند که متأسفانه به دلیل وجود مشکلات اداری فقط نمایندگان دو استان، یعنی آذربایجان غربی و تهران، در این جلسه حضور داشتند.

در ابتدای این نشست دکتر فرخنده مفیدی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و سردبیر مجله رشد پیش دبستانی، با اشاره به ضرورت و اهمیت تهیه محتوای مناسب برای کودکان گفت: «وقتی در یک جامعه، بالاترکلیفی در شکل‌دهی ارتباط با پیام‌گیران، که در اینجا کودکان هستند، وجود داشته باشد، عمدتاً نیاز به شفاف‌سازی داریم. همه شما می‌دانید که در گذشته و هم‌اکنون، این غیرشفاف

بودن به چشم می‌خورد. به عبارت بهتر، همیشه این نگاه سطحی به

مراکز آموزشی و فرهنگی پیش دبستان وجود داشته است که،

این‌ها برنامه و محتوایی ندارند و هر کس سلیقه‌ای و

یا بنا بر اقتضا عمل می‌کند.

بنابراین، در برآورد و ارزیابی نهایی، همیشه با این

مشکل روبه‌رو بوده‌ایم که کودکانی که این دوره‌ها

را می‌گذرانند، تا چه حد از اطلاعات متناسبی که

می‌تواند پایه و اساس یادگیری‌های بعدی آن‌ها

شود، برخوردار می‌گردند.

این، سؤال اساسی و علمی است که ضرورت

تهیه محتوای می‌تواند تاحدی پاسخ‌گوی آن

باشد.»

دکتر مفیدی در ادامه گفت: «سوالاتی از این

دست، ما را بر آن داشته است که به محتوای

کار عزیزان نگاهی منتقدانه داشته

باشیم.»



**مقصود رزم آرا: سعی می‌کنیم
به کمک شما دوستان محتوایی را تدارک
ببینیم که در آن به همسان بودن توجه شده
باشد؛ محتوایی که بتواند به یک کودک آذربایجانی
در عین تسلط او به زبان ترکی، توان گوش‌دهی
یک فرد فارسی‌زبان را هم بدهد**

بگیریم.»

وی در ادامه

اشاره کرد: «مجله این امکان را دارد که فهرستی از کارها و کتاب‌هایی را که در این زمینه تهیه و تدوین شده است، معرفی کند و به این ترتیب این آثار را به مخاطبان بشناساند»

استان تهران

از کمیته تولید محتوای آموزشی تهران خانم‌ها **سهیلا مهربان** و **شیرین بازاریان** در جلسه حضور داشتند. مهم‌ترین مسئله‌ای که آن‌ها بدان پرداختند، برخورد نامناسب مربیان مراکز آموزشی با کتاب راهنمای معلم بود. سهیلا مهربان پس از معرفی کتاب‌های مختلف آموزشی که از سال ۸۳ در این کمیته تدوین و تولید شده است، درباره کتاب راهنمای معلم گفت: «مجموعه کتاب‌های کار مربیان در دو سری چاپ شده است. این کتاب‌ها با هدف معرفی مهارت‌هایی که کودک برای زندگی در جامعه به آن‌ها نیاز دارد، و نیز چگونگی آموزش این مهارت‌ها

مراکز کمتر توسعه یافته در آذربایجان غربی از باقی استان‌ها بیشتر است. آقای رزم‌آرا بهتر می‌دانند که در این استان، هم تنوع مذهبی و هم تنوع زبانی بسیار است. تعدادی از هم‌وطنان کرد و تعدادی دیگر ترک‌زبان هستند.

اما خوشبختانه، کمیته‌های تولید محتوا، با وجود دیرکرد در تشکیل خوب عمل کردند و توانستند کارشان را به تصویب برسانند.»

او در ادامه با معرفی کتاب «تبیین برنامه زبان‌آموزی کودکان پیش‌دبستانی در مناطق دوزبانه» در کنار جلد چهارم کتاب «تبیین برنامه انیس با قرآن کریم دوره پیش‌دبستانی (آمادگی ۲) استفاده از آن را در حیطه زبان‌آموزی مؤثر دانست و گفت: «میزان آشنایی کودکان مناطق دوزبانه با زبان فارسی متفاوت است. بعضی‌ها زبانشان مانند زبان ترکی و یا عربی از خانواده دیگری است. اگر این‌ها را روی یک طیف قرار دهیم، آشنایی بعضی با زبان فارسی بیشتر و آشنایی بعضی دیگر کمتر است اما نقطه صفری در کشور وجود ندارد. در واقع، می‌توان گفت کودکی وجود ندارد که اصلاً با زبان فارسی آشنا نباشد. حالا اگر چه ما یک الگو داریم، باید محتوایمان را متناسب با این طیف‌ها تولید کنیم.»

دکتر **فرخنده مفیدی**، سردبیر مجله، نیز گفت: «پیشنهاد من این است که براساس نقاط قوتی که در استان‌های بینیم، شکل‌دهی به محتوا، به صورت قطب علمی صورت گیرد؛ یعنی، استان‌های موفق که کار ارزنده و شایسته‌ای انجام می‌دهند، به عنوان قطب علمی معرفی شوند و کار آن‌ها برای سایرین الگو قرار گیرد. حتی نگاه من این است که ما می‌توانیم از خود افرادی که در نواحی دوزبانه مشغول به فعالیت هستند، برای این کار ایده

استان آذربایجان غربی

مقصود رزم‌آرا، عضو کمیته تولید محتوا از استان آذربایجان غربی، پس از ارائه برنامه‌ای کلی از فعالیت‌های این استان در زمینه تولید محتوای آموزشی یکی از مهم‌ترین مسائل در این استان را آموزش و نحوه برخورد با کودکان دوزبانه دانست و گفت: «بچه‌های ما واقعاً در این زمینه مشکل دارند. نه اینکه بگوییم دوزبانه بودن بد است، بلکه نحوه برخورد ما با این مسئله درست نبوده است. ما در بحث دوزبانه‌ها به مبانی و نظریات خوبی نیاز داریم که البته از گفته‌های خانم دکتر مفیدی، سایر همکاران در مجلات رشد و همچنین وب‌نوشت‌هایی در این زمینه استفاده می‌کنیم. ما سعی می‌کنیم به کمک شما دوستان محتوایی را تدارک ببینیم که در آن به همسان بودن توجه شده باشد؛ محتوایی که بتواند به یک کودک آذربایجانی در عین تسلط او به زبان ترکی، توان گوش‌دهی یک فرد فارسی‌زبان را هم بدهد.»

او در ادامه با اشاره به فعالیت‌هایی که در همین زمینه در این استان صورت گرفته است، به مواردی همچون برگزاری همایش دوزبانه در ارومیه، تشکیل پایگاه‌های ترمیمی برای کودکان و همچنین تهیه و تدوین اولین کتاب آموزشی در حوزه دوزبانه توسط این استان اشاره کرد.

فریده عصاره، عضو شورای برنامه‌ریزی مجله، با اشاره به اینکه تنها دوره‌ای که محتوای آن به صورت غیرمتمرکز وجود دارد، دوره پیش‌دبستانی است، برگزاری این نشست‌ها را با حضور نمایندگان از استان‌های مختلف، در بهبود این روند مؤثر دانست.

او همچنین در ادامه صحبت‌های مقصود رزم‌آرا، پیرامون استان آذربایجان غربی گفت: «تنوع زبانی و نیز تعداد

تدوین شد و در ادامه برای استفاده بیشتر معلمان از این کتاب، یک کتاب راهنما نیز در نظر گرفته شد. اما متأسفانه، بعد از نظرسنجی‌هایی که انجام گرفت، متوجه شدیم مربی‌ها یا این کتاب راهنما را دریافت نکرده‌اند و یا خوانده‌اند. به علت بی‌اطلاعی در فرم نظرسنجی نوشته‌اند که چرا محتوای این ۴ جلد کتاب به این اندازه کم و فعالیت‌های آن برای کودک کوتاه است؛ در صورتی که در کتاب راهنمای معلم فعالیت‌های ده‌گانه این کتاب‌ها گنجانده شده بود. ظاهراً مربیان ما یا کتاب راهنما را دوست ندارند و یا وقتی برای

شیرین بازیاریان: می‌توانم این اشکال را به کار خودمان بگیرم که طی این روند، مربی قبل از اینکه کتاب به دستش برسد، باید آموزش داده می‌شد

خواندن آن نمی‌گذارند. آن‌ها این کتاب‌ها را با کتاب‌های موجود در بازار مقایسه می‌کنند و می‌گویند که کتاب‌های بازار مناسب‌تر و بهترند.

در واقع، بیشتر انتقادهایی که در نظرسنجی‌ها دیده می‌شد، ناشی از نخواندن کتاب راهنمای مربی بود. به همین دلیل، در سال جدید تصمیم گرفتیم که در تنظیم محتوا فعالیت‌هایی را که قرار است معلم انجام دهد، به صورت خلاصه در پایان صفحات کتاب کودک و در شیوه‌اجرا بنویسیم تا اگر مربی سراغ کتاب راهنما نرفت، توضیحات لازم را در کتاب کودک ببیند

نکته دیگر آنکه تنوع فعالیت‌هایی از قبیل شعر، قصه و بازی را هم زیاد کرده‌ایم تا مربی دستش در انتخاب باز باشد و نیز بتواند الگوبرداری کند.

او در پایان پیشنهاد کرد در دوره‌های آموزشی که برای مربیان تدارک دیده می‌شود، بر استفاده از کتاب راهنمای مربی تأکید شود.

دیگر عضو کمیته تولید محتوای شهر تهران، شیرین بازیاریان نیز درباره کتاب راهنمای مربی، برخوردهای نامناسب با آن و همچنین قیاس آن با کتاب‌های

موجود در بازار گفت: «خانواده‌ها و مربیان حق دارند زیباترین و بهترین کتاب را انتخاب کنند. ما باید ببینیم که اساساً چرا کتاب‌های بازار زیبا و جذاب هستند و چرا جلب توجه می‌کنند. آن وقت ما هم از همان شیوه در کار استفاده کنیم. در واقع یکی از دلایلی که مربیان ما به سراغ کتاب راهنما نمی‌روند، تصاویر آن است؛ یعنی تصاویر جذابیت ندارند. چه برای کودک، چه برای مربی و این خود باعث می‌شود سطح کار پایین بیاید.»

او در ادامه با اشاره به اهمیت نقش مربی گفت: «اگر مربی با تجربه و با ذوق باشد، می‌تواند هر مشکلی را برطرف کند. برعکس، اگر دانش و آگاهی کافی نداشته باشد، کتاب راهنما را هم دچار مشکل می‌کند.

در اینجا، می‌توانم این اشکال را به کار خودمان بگیرم که طی این روند، مربی قبل از اینکه کتاب به دستش برسد، باید آموزش داده می‌شد. ما می‌توانیم طی دو یا سه جلسه مربی را توجیه کنیم و کتاب را کاملاً به او آموزش دهیم. حتی در طول این روند، می‌توانیم از تجربیات خود مربیان هم بهره ببریم. البته به دلیل مشکلاتی که در تهیه و چاپ این کتاب وجود داشت،



شیرین برزین: زمانی که یک استان مجموعه‌ای آموزشی را تهیه می‌کند، ضرورت دارد برای مربیان یک جلسه توجیهی و آموزشی بگذارد و کتاب را مرحله به مرحله معرفی کند تا مربی نحوه کار با آن را یاد بگیرد

موفقیت او تأثیر مستقیم دارد، به ضرورت حل مشکل بلا تکلیفی مربیان در این حیطه اشاره کرد. وی دربارهٔ کمبود بودجه که مربیان دشت‌آبادی به آن اشاره کرده بود، گفت: «واقعیت این است که بودجه، همیشه و در همهٔ سازمان‌ها مسئله است. سؤال این است که آیا برای تهیهٔ محتوا و حواشی کار آن بودجه‌ای در نظر گرفته نشده است؟ قطعاً باید باشد و اگر چنین نیست این خود نشان‌دهندهٔ نوعی بی‌توجهی است. در هر نوع برنامه‌ریزی، با یک نگاه متعادل، این بحث وجود دارد که قدردانی از افراد، بخشی مادی و بخشی معنوی است.

کاستی‌های مالی در شهر تهران است. برای مثال، در روند تولید محتوا از خود مربیان استفاده می‌شود. این نشان می‌دهد که ما مربیان توانمندی داریم اما پس از تولید محتوا اسمی از آن‌ها در کتاب نمی‌آید و یا اگر هم می‌آید، وقتی از مربی می‌خواهیم که در کار گروه شرکت کند، می‌گویند به من حق‌الزحمه‌ای نداده‌اند و یا حتی تقدیری کوچک هم از من نشده است که این خود یک مشکل است.»

او در ادامه درباره مشکلات از جمله محورشدن مربیان که باعث دوری آن‌ها از اهداف آموزشی می‌شود، هزینه‌های بالای چاپ و تکثیر، بلا تکلیفی معلمان در مراکز آموزشی و نبود امنیت شغلی برای آن‌ها و سازماندهی نشدن کتاب‌های آموزشی سخن گفت.

خانم دشت‌آبادی در پایان از فعالیت‌های انجام شده در زمینهٔ تولید محتوا در استان تهران از جمله برگزاری کارگاه‌های آموزشی گزارشی ارائه داد.

دکتر فرخنده مفیدی، با تأکید بر ضرورت نقش معلم، آگاهی خود معلم از وظایف و حقوق خویش را اساسی دانست. او با بیان این نکته که رضایت شغلی فرد در میزان

کتاب راهنمای مربی دیر به دست مربیان رسید و یا اصلاً نرسید که این مسئله در بروز این مشکلات سهمی داشت.

سردبیر مجلهٔ آموزش پیش‌دبستانی، در پی صحبت‌های این دو عضو کمیتهٔ تولید محتوا از شهر تهران گفت: «همان‌طور که فرمودید، مربی در این زمینه نقش مهمی دارد. مربیان را باید آماده کرد؛ چون در واقع آن‌ها باید مدافع کار باشند. وقتی مربی مدافع کار نباشد، دربارهٔ آن اطلاعی نداشته و حتی از آن ناراضی باشد، نمی‌تواند به اهدافی که ما انتظار داریم متعهد باشد. اگر بتوانیم افراد را با خودمان همراه کنیم کار بهتر پیش می‌رود. مشکل این است که افراد همراه ما نیستند. در واقع، یا در کنارمان هستند یا در مقابلمان. من همیشه مربی را در مقابل مدیر، مسئولان و حتی خود مربیان دیده‌ام. باید این مسائل را دوستانه و به صورت منطقی حل کرد.

ما باید مربی‌ها را از حاشیه خارج کنیم و در متن کار قرار دهیم تا مشکلات کمتر شوند.

مریم دشت‌آبادی، کارشناس ارزیابی از عملکرد مراکز پیش‌دبستانی، نیز با تأکید بر اهمیت نقش معلم در کنار محتوای درسی گفت: «یکی از مشکلات ما وجود





در واقع، افراد به میزان کاری که انجام می‌دهند و شایستگی‌ای که دارند باید از جنبه مادی هم مورد قدردانی قرار گیرند. اما باید بدانیم که بودجه این کار از کجا تأمین می‌شود. قطعاً بدانید که بودجه هست. حال اینکه در کجا از آن استفاده می‌شود یا چرا در این زمینه به درستی استفاده نمی‌شود و یا چه اولویت دیگری دارد، باید بررسی شود. وظیفه ما فقط این است که بگوییم این مانع وجود دارد تا در قبال آن بیشتر مسئولیت احساس شود. در این صورت، مربیان ما هم تا اندازه‌ای دلگرم می‌شوند.

مرتضی طاهری، عضو هیئت

تحریریه مجله، نیز در اظهاراتی گفت:

«در بحث بودجه، صحبت‌های دوستانی که گله‌مند بوده‌اند درست است. ما هم در سال ۸۷ مبلغ ناچیزی را توانستیم صرف این کار کنیم و در واقع به استان‌ها تزریق کردیم. در آن موقع این دوره غیررسمی تلقی می‌شد. اگر تا الآن هم بودجه‌ای نبوده، به همین علت است. اما الآن دیگر این طور نیست. تا وقتی که این موضوع تصویب شود و به مرحله عمل برسد، زمان می‌برد.»

او همچنین در خصوص کتاب راهنمای مربی به فرمایشی از حضرت علی (ع) اشاره کرد و افزود: «خط خوش احقاق حق را افزون کند» همان طور که دوستان هم اشاره فرمودند، زیباسازی بسیار مهم است و این از اشکالات این کتاب است که البته همه ما در به وجود آوردن آن سهیم هستیم. ظاهر کتاب هیچ جاذبه‌ای ندارد، اگر چه باطن آن پر محتواست. به هر حال، این روحیه زینباده‌وستی و فطری انسان است که او را هدایت می‌کند تا جذب چه چیزی شود.»

شیرین برزین، عضو شورای
برنامه‌ریزی مجله، در پایان این نشست خطاب به اعضای کمیته تولید محتوای آموزشی شهر تهران گفت: «آرزوی ما این است که تهران به این دلیل که مرکز کشور است در زمینه تولید محتوای پیش دبستانی برای سایر استان‌ها الگو باشد. چرا که ما همیشه در دسترس هستیم و می‌توانیم با اعضای کمیته آن تبادل نظر داشته باشیم. البته ما با استان‌های دیگر نیز کمابیش در ارتباط هستیم. کما اینکه همکاران به مأموریت می‌روند و در استان‌های مختلف حضور پیدا می‌کنند حتی خود نمایندگان استان‌ها نیز با ما ارتباط دارند. برای نمونه، چند نفر از اعضای کمیته تولید محتوا از استان سیستان و بلوچستان چندین بار به اینجا آمدند، از صبح تا بعدازظهر زمانی را به ایشان اختصاص دادیم و محتوا را نکته به نکته با آن‌ها بررسی کردیم و با تبادل نظر توضیحات کتاب را انجام دادیم.»

او تأکید کرد: «در این مورد وقت بیشتری برای تهران گذاشتیم تا محتوای آموزشی آن زودتر به نتیجه برسد.»

برزین سخنان خود را این طور ادامه داد: «همان طور که دوستان هم گفتند، زمانی که یک استان مجموعه‌ای آموزشی را تهیه می‌کند، ضرورت دارد برای مربیان یک جلسه توجیهی و آموزشی بگذارد و کتاب را مرحله به مرحله معرفی کند تا مربی نحوه کار با آن را یاد بگیرد. بعد از آن می‌توان انتظار داشت مربی آن طور که می‌خواهد برخورد کند. من کاملاً در جریان بودم که روند تولید این کتاب با چه سرعت و عجله‌ای انجام شد و کتاب به درستی به مراکز هم معرفی نشد.»

او گفت: «کتاب راهنما کتابی است که مربی باید صفحه به صفحه آن را بخواند و فعالیت‌هایش را در کلاس اجرا کند. کودک هم در این مقطع به این فعالیت‌ها نیاز دارد.

کودک در این دوره نیازمند تحرک است نه کاغذ و قلم اما این کتاب به دلیل تصویرگری ضعیف و محتوای عجولانه، باز خورد بدی داشت. در واقع، می‌خواهم بگویم اشکال از مربی نیست که کتاب را نخوانده بلکه ضعف از خود کار است.

نکته دیگر اینکه ما حرف شما را درباره اینکه کتاب‌های بازار زیاد و متنوع است، تصویرهای زیبا و زیادی دارد و یا گران است و... قبول داریم اما آموزش و پرورش رسالت دیگری دارد.

محتوای ما باید در جهت قانون اساسی پیش دبستانی که در واقع همان راهنمای ماست، باشد. در حقیقت این ما هستیم که باید برنامه آموزشی دوره پیش دبستانی را به اولیا و مربیان انتقال دهیم.»

نقش والدین

توجه به نقش اولیا در کنار نقش مربیان، از جمله نکاتی بود که **مسعود تهرانی فرجاد**، عضو دیگر شورای برنامه‌ریزی مجله، در پایان این نشست به آن اشاره کرد و گفت: «از جمله کارهای بسیار خوبی که مجله در این زمینه انجام داده است، افزودن والدین به مخاطبان این مجله در چندین شماره اخیر است. کاری که کمیته‌های آموزشی می‌توانند انجام دهند این است که این مجله را در دسترس والدین قرار دهند و مربیان و والدین را در ارتباط با مجله فعال کنند.»

در پایان، سردبیر مجله ضمن تشکر از همه عزیزان به خاطر شرکت در جلسه و ارائه نظرات ارزنده خود، اظهار امیدواری کردند که مجله بتواند در انتقال پیشنهادهای آنان سهم مؤثری داشته باشد.

دکتر مفیدی: ما باید مربی‌ها را از حاشیه خارج کنیم و در متن کار قرار دهیم تا مشکلات کمتر شوند

کلیدواژه‌ها: فضای آموزشی، ارتباطات انسانی، آموزش مربی

خدا بهترین مخلوقاتش، پیامبران، را برای کسانی مبعوث کرد که کمتر می‌دانستند و وظیفه راهنمایی و آموزش را بر دوش آن‌ها نهاد.

مربیان نیز مانند باغبانانی هستند که ابتدا زمین را بارور می‌کنند و بعد برای غنچه دادن به درخت فرصت می‌دهند.

امروزه، یادگیری یک سرمایه‌گذاری اجتماعی است. برای اینکه یادگیری حاصل شود عوامل متعددی دست‌به‌دست می‌دهند و همچنین، موانع و چالش‌هایی وجود دارد که در به ثمر رسیدن یادگیری تأثیرگذارند که می‌توان اهم این موانع را در دو دسته طبقه‌بندی کرد.

۱. فضا و امکانات آموزشی

بزرگ‌ترین مشکل موجود در یادگیری کودکان بی‌اعتمادی به محیط و ترس از جدایی از والدین، به‌خصوص مادر، است. پس، فضای آموزش برای کودکان پیش‌دبستانی اولین گام در این سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. برای ایجاد فضای مناسب باید با نیازهای کودکان در این گروه سنی آشنا بود، زیرا نخستین عامل مؤثر در یادگیری انتخاب است؛ کودک آنچه را می‌بیند انتخاب می‌کند.

● فضای کلاس باید از نظر سیستم گرمایی و سرمایی مناسب باشد و از قرار گرفتن در مجاورت جاهای شلوغ مدرسه، مانند حیاط، جداً خودداری شود.

● بهتر است کلاس‌های پیش‌دبستانی در ساختمانی جدا از کلاس‌های پایه و دارای فضایی باز مانند پارکی کوچک برگزار شود تا امکان بازی و تفریح و شادی را برای کودکان فراهم سازد.

● نوآموزان باید بتوانند ساعاتی از کلاس را در طول هفته در اتاق بازی و نمایش فیلم سپری کنند که متأسفانه، در بیشتر مراکز پیش‌دبستانی، خصوصاً مدارس که کلاس‌های پیش‌دبستانی ضمیمه دارند، این امر به‌خوبی رعایت نشده است.

۲. نقش مربی

مدرسه‌ها فقط تأمین‌کننده تعداد نیروی انسانی جامعه نیستند، بلکه می‌توان گفت مراکز آموزشی تأمین‌کننده نیروی انسانی کیفی جامعه‌اند. بنابراین، مربی عامل مهم دیگری است که نقش بسیار

عکس: اعظم لاریجانی

مهمی در آموزش نوآموزان پیش‌دبستانی دارد.

● **تن صدای مربی:** همه انسان‌ها در هوش موسیقایی

مشترک هستند: صدای خشن و بی‌روح ترس ایجاد می‌کند و ترس مرگ یادگیری است؛ پس آهنگ و صدای مربی بسیار مهم است.

● **حالات یا حرکات چهره:** نوع نگاه کردن، لبخند، حالات و آنچه که در چهره مربی نمایان می‌شود، در یادگیری کودک نقش بسزایی دارد.

● **ارتباطات انسانی:** آماده‌سازی کودک از یادگیری مهم‌تر است، انسان دارای حیات جسمانی و عاطفی است.

رفتار مربی نباید به‌گونه‌ای باشد که کودک دچار مرگ عاطفی شود. تربیت در جمع رنج است و در پنهان گنج. پس، مربی‌ای موفق است که اول خریدار اعتماد و بعد فروشنده علم باشد.

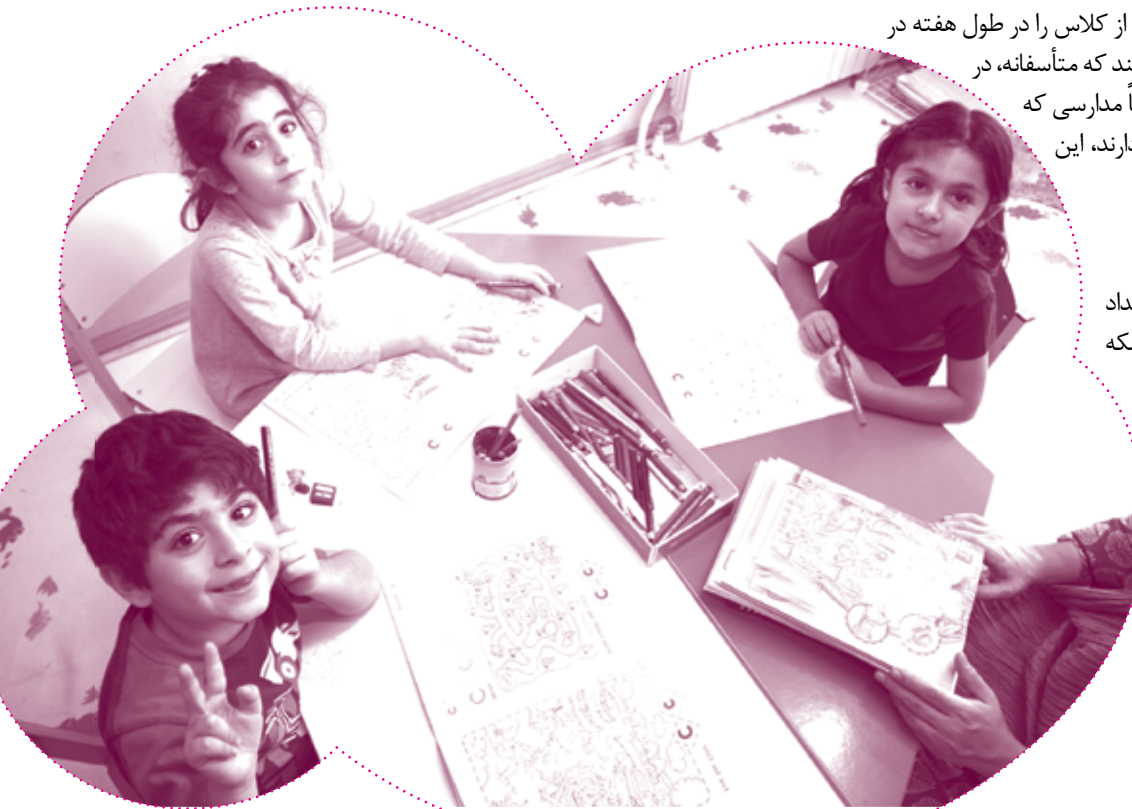
● **مدرک تحصیلی:** مربیان شاغل در مراکز پیش‌دبستانی در رشته مرتبط با حرفه خود تحصیل کرده باشند، همچنین، دوره‌های روان‌شناسی رشد کودک و تربیتی را گذرانده باشند.

در مراکز پیش‌دبستانی و جذب نیروها به‌طور جدی به این موارد توجه نشده است. امید است مسئولان در آینده‌ای نه‌چندان دور، در به کارگیری نیروهای انسانی و فراهم‌سازی امکانات آموزشی و فضای مناسب توجه بیشتری داشته باشند.

نسرین قلمی

کارشناس آموزش ابتدایی

چالش‌های پیش‌دبستانی



کلیدواژه‌ها: آموزش کودکان، بازی، مهارت‌های حرکتی

شما بایستی پنج دقیقه پیش از ترک مکان، به آرامی و در عین حال با جدیت از او بخواهید زمین بازی را ترک کند (یامثلاً سر میز غذا حاضر شود) و سپس، با قاطعیت و خونسردی اعلام کنید که وقت برگشتن به خانه است. چندبار اول شاید مجبور شوید او را بغل کنید با خود ببرید (این کار را باید بدون درنگ انجام دهید) تا زمانی که متوجه شود کاملاً جدی هستید.

کودکان همچنین به نشانه‌هایی که می‌بینند، می‌شنوند یا شمارش اعداد عکس‌العمل نشان می‌دهند. جنی رافایلی، معلم راهنما^۳ در پیش دبستانی کیندربری در مینه‌سوتا، می‌گوید که در برخورد با کودکی که به زبان آوردن «خداحافظی» برایش دشوار است، این مسئله را می‌توان با در آغوش کشیدن و بوسیدن او حل کرد. به این ترتیب، او به زودی خداحافظی مرسوم را خواهد پذیرفت.

روث هر روز برای اعلام تمام شدن وقت بازی کلیدهای ثابتی را در پیانو به صدا درمی‌آورد. شما نیز می‌توانید از به صدا درآوردن زنگ یا خاموش و روشن کردن چراغ اتاق برای اعلام وقت غذا یا تمام شدن وقت بازی استفاده کنید. شمارش نیز به دانش آموز این پیام را می‌دهد که باید با سرعت بیشتری وسایلش را جمع کند. او می‌گوید: «غلب، می‌شنوم والدین برای ترغیب فرزندشان به انجام دادن کاری خاص به او قوی می‌دهند. این کار لازم نیست؛ پیشرفت و تحسینی که به تنهایی کسب می‌کنند، بیشتر از مشوق‌های مادی ارزش دارد.»

جوئیس درولت^۴، مدیر یک پیش دبستانی در مونتانا، معتقد است تشویق کودکان برای دادن مسابقه با خود، او را با شتاب پیش می‌برد و امکان خوبی برای یادگیری فراهم می‌کند. به نظر او بایستی به کمک یک کرنومتر زمان آماده شدن برای خواب، رفتن به مدرسه و سایر فعالیت‌های کودک را اندازه‌گیری کرد و سپس، هر روز روی جدول یا نموداری که بر دیوار نصب شده است، نتیجه را نمایش داد. این روش علاوه بر اینکه فرزند شما را با جدول و نمودار آشنا می‌سازد، این فرصت را فراهم می‌آورد که سرعت عمل خود را در روزهای مختلف مقایسه کند و حتی برای شکستن رکوردش تلاش کند.

شما با کودک سه‌ساله خود هنگام پوشیدن ژاکت کلتش کلنجر می‌روید اما مربی پیش دبستانی در عرض سه دقیقه ده کودک (از جمله فرزند شما) را برای رفتن به زمین بازی آماده می‌کند. رمز موفقیت او چیست؟ بخشی از موفقیت وی به این دلیل است که او پدر یا مادر آن کودکان نیست؛ کودکان واقعاً در برابر غریبه‌ها مؤدب‌تر رفتار می‌کنند.

اما این تنها دلیل نیست. مربیان از انواع ترندها برای آموزش کودکان، افزایش کارایی کلاس درس و لذت بخش تر کردن کار خود بهره می‌گیرند. موضوع عجیبی نیست. مربیان پیش دبستانی در مواجهه با کودکان این گروه سنی سال‌ها تجربه دارند. خوشبختانه، آن‌ها آماده‌اند اسرار موفقیت خود را با والدین علاقه‌مند (و گاه سرخورده) در میان بگذارند.

• پیش دبستانی‌ها نباید وقت را تلف کنند

آیا می‌دانید چرا فرزندان هر روز صبح، هنگام خارج شدن از خانه تلاش‌های شما را بی‌نتیجه می‌گذارد، اما اگر مربی بگوید وقت بازی تمام است و باید زمین بازی را ترک کند، به سرعت روی پاشنه‌هایش می‌چرخد و با او می‌رود؟ باربارا روث^۵، مدیر و معلمی با بیش از بیست سال تجربه کار در مهد کودک هانور، در نیوهمپشایر، معتقد است که دلیل چنین واکنشی بسیار ساده است. او می‌گوید: «وقتی حرفی می‌زنیم، کودکان می‌دانند که منظور ما واقعاً همان است که می‌گوییم.» روث می‌گوید که بارها شاهد این صحنه بوده است که والدین به فرزندشان گفته‌اند وقت بازی تمام شده است و باید به خانه برگردند اما خودشان ایستاده‌اند و با والدین سایر کودکان گرم صحبت شده‌اند یا با تعلق بچه‌ها و درخواست آن‌ها برای سرسره‌بازی بیشتر مخالفت نکرده‌اند. شما باید پیگیر حرفتان باشید، وگرنه این پیغام را به او می‌دهید که واقعاً مجبور نیست، از شما حرف شنوی داشته باشد.

رمز و رازهای مربیان پیش دبستانی

آنچه درباره رفتارها و یادگیری‌های کودکان در خانه باید بدانید



باربارا روئی

ترجمه مینا سلیمی

● حفظ روال و ساختار همیشگی در راحت تر خوابیدن کودکان مؤثر است

ممکن است تماشای فرزندتان در حالی که با گروهی از بچه‌ها در اتاقی خوابیده است، شما را متعجب کند؛ چون در منزل به زحمت می‌توانید او را در رختخواب راحتش وادار به یک چرت کوتاه کنید. محیط پیش‌دبستانی نسبت به خانه مزیتی دارد. رافایلی این مسئله را بدین شکل توضیح می‌دهد که در محیط پیش‌دبستانی، کودک شما کنار تعدادی از کودکان است که همگی در حال انجام دادن کاری یکسان هستند. بنابراین، همراهی کردن بقیه به مراتب راحت‌تر خواهد بود. حتی اگر نتوانید ده کودک سه‌ساله دیگر را هر روز بخوابانید، باز هم ترفندهایی برای این کار وجود دارد.

مری الگراس، معاون مرکز نگهداری کودکان در مینه‌سوتا، پیشنهاد می‌کند که حداقل نیم‌ساعت قبل از خواباندن به کودک فرصت دهید تا آرام بگیرد و مواظب باشید که در این فاصله درگیر فعالیت مجذوب‌کننده‌ای نشود که نتواند برای خوابیدن از آن دست بردارد. سپس، برنامه‌ای روزانه تهیه کنید؛ مانند خوابیدن در ساعتی معین با آهنگی معین، در رختخوابی ثابت و با انتظاراتی مشخص: سکوت کردن یا

● کودکان زودتر از آنچه فکر می‌کنید، قادر به استفاده از قیچی و مداد هستند

برای افزایش توانایی نوشتن و مهارت‌های حرکتی دیگر در کودک، اغلب والدین فقط مداد و قیچی مناسب کودک و تعدادی کاغذ را در اختیار او قرار می‌دهند اما اندکی تمرین می‌تواند مانع احساس ناکامی بعدی شود. رافایلی مهارت‌ها و حرکت‌های اساسی را با برداشتن تنقلات و قطعات کوچک اشیاء با انبرک‌های آشپزخانه، نخ کردن مهره‌ها، لوله کردن خمیر بازی و حتی بریدن خمیر با قیچی آموزش می‌دهد. او می‌گوید: «تحوه برش بچه‌ها روی خمیر خیلی مهم نیست. آن‌ها می‌توانند هر طوری که بخواهند برش بزنند و عضلات ظریف دست‌هایشان را با این کار تقویت کنند.»

وقتی فرزندتان در این کار مهارت یافت، بگذارید با کاغذ واقعی این کار را انجام دهد - اما به گونه‌ای که موفقیتش تضمین شده باشد. خانم آن کورتیز، مدیر مرکز پیش‌دبستانی در دانشگاه ایلینویز، معتقد است: «بریدن یک عکس از کاغذ اغلب، برای کودک پیش‌دبستانی کاری است دشوار - قیچی در کاغذ گیر

می‌کند و دیگر حرکت نمی‌کند. در عوض، بریدن نوارهای باریک کاغذی بهتر است؛ با هر برشی احساس موفقیت بزرگی به او دست می‌دهد. تعدادی کاغذ با رنگ‌های مختلف و جعبه‌ای برای انجام دادن برش داخل آن، در اختیار کودک قرار دهید و سپس، بگذارید نوارها را ببرد و بعد از چسباندن آن‌ها روی یک قاب مقوایی، آن‌را روی دیوار نصب کنید. استفاده از الباف نیز در تمرین با قیچی مناسب است.

به‌نظر رافایلی، در مورد نوشتن نیز اگر فرزندتان به استفاده از مداد تمایل نشان می‌دهد و دوست دارد خوش خط بنویسد و کاغذ را هم خط‌خطی نکند اما نمی‌تواند حروف را درست بنویسد و دچار سرخوردگی می‌شود، احتمالاً بازی کردن با شابلون و کاغذ کپی برایش لذت‌بخش خواهد بود. این دو وسیله به کودک امکان می‌دهند تا مداد را، مانند یک بزرگسال، در دست نگاهدارد و از آن استفاده کند. در ضمن، کمک گرفتن از این وسایل مانع فعالیت نوشتن او در آینده نمی‌شود.

همچنین، اجازه دهید کودک از روی فهرست خرید شما کپی برداری کند. درولت می‌گوید: «ها با کپی کردن فهرست غذا از روی تخته، مدام با بچه‌ها در حال خرید و رستوران‌بازی هستیم.»

بیشتر
کودکان کم‌سن حس
استقلال و اعتماد به نفسی
را که از پوشیدن لباس‌هایشان
به تنهایی به دست می‌آورند،
دوست دارند



خوابیدن. درولت که برای شنیده نشدن صداهای مزاحم، پنکه‌های را دور از دسترس کودکان روشن می‌کند، می‌گوید: «کاستن از مواردی که موجب حواس پرتی می‌شود، نیز می‌تواند مؤثر باشد.» او همچنین پیشنهاد می‌کند که بهتر است کودکان بی‌قرار چشمان خود را با رواندازشان بپوشانند تا توجهشان به اطراف جلب نشود.

کامل جلب کنید، دستورالعمل خود را واضح، مختصر و روشن رعایت کنید. سخنانتان را با گفتن این کلمات شروع نکنید که اگر از روی میز پایین نیایید، ممکن است میز بشکنند. بلکه بگویید از روی میز پایین بیا و بعداً در این مورد توضیح دهید.»

• کودک شما تمایل دارد خودش لباس بپوشد

بیشتر کودکان کم‌سن حس استقلال و اعتماد به نفس را که از پوشیدن لباس‌هایشان به تنهایی به دست می‌آورند، دوست دارند. به نظر می‌رسد که پوشیدن لباس برای آن‌ها نوعی دردسر است. هیل معتقد است برای مقابله با این مشکل، هنگام خرید لباس برای او توجه کنید که به لحاظ رشدی، فرزندتان در چه جایگاهی قرار دارد، مثلاً کودک سه‌ساله با شلواری که دکمه و زیپ دارد، به همان اندازه که در شلوار کمرکشی احساس راحتی می‌کند، راحت نخواهد بود. گام بعدی این است که راه را برای موفقیت او در پوشیدن لباس هموار کنید. این کار می‌تواند قرار دادن لباس‌های او شب قبل بر کف اتاق به شکل یک آدم، عادت دادن او به آماده کردن لباس‌های خود در آرامش و به دور از هیاهو و عجله یا گذاشتن علائمی روی لباس باشد تا او راحت‌تر بتواند پشت و روی لباسش را تشخیص دهد.

رافایی برای این منظور استفاده از یک ستاره، نقطه یا برچسبی کوچک را روی یک لنگه از کفش پیشنهاد می‌کند تا بدین وسیله یادآوری کند که همیشه لنگه کفش نشانه‌دار مخصوص پای خاصی است. راه دیگری که کورتیز برای تشخیص پای چپ و راست پیشنهاد می‌کند این است که از فرزندتان بپرسید آیا لنگه کفش‌ها

• چگونه اهمیت موضوع را نشان دهیم؟

آیا در جلب توجه فرزندتان مشکل دارید؟ صدایتان را بالا نبرید، مگر اینکه برای خواندن آواز باشد. کورتیز می‌گوید: «کودکان به صدای ما توجهی نمی‌کنند. اگر هنگام خواندن قصه‌ای برای آن‌ها به من گوش ندهند، شروع کنم به خواندن قصه به صورت آواز، فوراً ساکت خواهند شد.»

اما شما نمی‌توانید برای جلب توجه آن‌ها صرفاً به آواز خواندن تکیه کنید. مربیان در چنین مواقعی سعی می‌کنند از دیگر ترفندهای شفاهی نیز کمک بگیرند؛ مانند آهسته سخن گفتن یا در آوردن صداهای مختلف یا فقط با حرکت دادن لب قصه را ادامه دادن تا توجه بچه‌ها به کلمات جلب شود. آن‌ها از علائم دیداری نیز استفاده می‌کنند؛ مثلاً یک دست را در هوا تکان می‌دهند یا انگشت روی بینی می‌گذارند و از کودک می‌خواهند که وقتی آرام است، همین حرکت را انجام دهد. آماندا جانسون، مربی یک مهد کودک در پنسیلوانیا، به این حرکت معروف شده است که با باز یگوشی به شاگردانش تکیه می‌دهد و از گوش آن‌ها گرد و غبار را فوت می‌کند. باربارا هیل، مدیر مرکز مطالعات خانواده و کودک دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، می‌گوید: «زمانی که توانستید توجه فرزندتان را به‌طور



تو هم می‌شود.» این مربی همچنین توانسته با استفاده از ساعت معمولی یا ساعت شنی، بازی با اسباب‌بازی خاصی را زمان‌بندی کند. کورتیز حتی برای استفاده از اسباب‌بازی‌هایی که طرفداران بیشتری دارند، از برگه‌ای که کودکان آن را امضا کرده‌اند، نیز کمک می‌گیرد. به نظر او، حتی کودکی سه‌ساله هم می‌تواند بفهمد که وقتی به اسم او می‌رسند، یعنی اینکه نوبت بازی اوست. این برگه همچنین نمایشی تصویری از مفهوم رعایت نوبت، و نیز تمرین خوبی برای نوشتن نام کودک بر آن است.

• شاید تنها آموزش مورد نیاز کودک پیش دبستانی شما بازی کردن نباشد

**تشویق
 کودکان برای
 دادن مسابقه با خود،
 او را با شتاب پیش
 می‌برد و امکان خوبی
 برای یادگیری فراهم
 می‌کند**

جانسون می‌گوید: «دوست دارم وقتی شاگردانم به خانه‌هایشان برمی‌گردند، بگویند خیلی خوش گذشت. تمام روز را بازی کردیم. چون کودکان از این طریق است که یاد می‌گیرند.» بنابراین، حتی اگر تصمیم گرفته‌اید آموزش‌هایی در خانه ارائه دهید، باید به جنبه سرگرمی توجه بیشتری کنید تا آموزش مرسوم. به کار بردن حروف در طرح‌ها و بازی‌ها آسان است، مانند طرح سواد که مورد علاقهٔ رافیلی است، یعنی تهیهٔ کتاب‌های شخصی برای شمارش اعداد و ریاضیات. او می‌گوید: «ما از هر چیزی که با حرف خاصی شروع می‌شود، عکس می‌گیریم یا تصاویر مربوط به آن حرف را از جاهای مختلف بریده و جمع می‌کنیم یا دسته‌ای از اشیا را که از یک، دو، سه شیء و بیشتر تشکیل شده می‌بایم و در آخر، آن‌ها را به کتاب تبدیل می‌کنیم.

به یاد داشته باشید که یکی از دلایل آسودگی و لذت بردن فرزند شما از تمام این آموزش‌ها در وهلهٔ نخست، رازی است که با خود دارد: «عشق بدون شرط در خانه منتظر اوست.»

پی‌نوشت‌ها

۱. Barbara Rowley روزنامه‌نگار حرفه‌ای، متخصص در مسائل خانواده، به خصوص فعالیت‌های مربوط به کودکان. ویراستار نشریات خانوادگی. کتاب **روزهای کودک: راهنمای فعالیت‌های کودکان**، به تازگی از او چاپ شده است.

2. Barbara Roth

۳. Lead Teacher مربی راهنما و باتجربه و ماهری است که به مربیان و دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تجربه مثبت و اخلاقی از مدرسه به دست آورند. در ضمن، به مربیان تازه‌کار یا کسانی که دچار مشکل با گروهی از کودکان شده‌اند یاری می‌رساند.

4. Joyce Drolette

5. Ann Curtis

6. Mary Eltgroth

از دست یکدیگر عصبانی‌اند یا خیر. اگر هر کدام در پای صحیح قرار گرفته باشند، پنجهٔ کفش‌ها با هم دوست خواهند بود و یکدیگر را می‌بوسند یا می‌توانند همدیگر را لمس کنند، اما اگر از دست هم ناراحت باشند (در پای درست پوشیده نشده باشند)، پنجه‌ها تمایلی به نزدیک شدن به هم ندارند و از هم فاصله می‌گیرند.

برای کمک کردن به کودک برای یادگیری بستن زیپ و دکمه، بگذارید روی لباس دیگران تمرین کند تا متوجه کارش بشود. روث می‌گوید که مهم است این تمرین روی لباس‌های واقعی انجام شود؛ زیرا باز کردن و بستن دکمه یا زیپ لباس عروسک‌ها مشکل‌تر است. می‌توان این تمرین را با پوشاندن لباس کودک بر تن خرس اسباب‌بازی انجام داد. به او اجازه دهید تا بعد از اینکه زیپ یا دکمهٔ لباس او را باز و بسته کردید، دکمه یا زیپ لباس شما را باز و بسته کند و با این کار حس خوبی از موفقیت را تجربه کند.

• رعایت نوبت و سهیم شدن با دیگری نباید آزاردهنده باشد

ما بزرگسالان می‌دانیم که گاهی لازم است در صفی منتظر نوبت خود باشیم. این انتظار تا زمانی که کسی قصد بر هم زدن صف و جلو افتادن از ما را نداشته باشد، آزاردهنده نخواهد بود. مربیان معتقدند که کودکان نیز همین انتظار را از رعایت کردن انصاف و عدالت دارند. اغلب کودکان تا زمانی که سیستم عادلانه عمل کند، نوبت را رعایت می‌کنند و در اسباب‌بازی با دیگری سهیم می‌شوند. درولت می‌گوید: «زمانی که دو کودک بر سر تصاحب شیئی با هم درگیر می‌شوند، معمولاً در مورد اینکه دعوا مشکلی را حل نمی‌کند، با آن‌ها صحبت می‌کنیم اما این سخنان ما آن‌ها را بیشتر به خشم می‌آورد و به گریه می‌اندازد. در چنین مواقعی، من به کودک عصبانی‌تر می‌گویم: «به من اجازه بده اول به حرف‌های بیلی گوش بدهم، بعد حرف‌های تو را گوش می‌کنم.» به این ترتیب او فوراً آرام می‌شود؛ زیرا حالا دیگر می‌داند که به حرف‌های هر دو طرف گوش خواهیم داد.» با چنین عکس‌العملی، مربی کودکان را تشویق می‌کند که در آینده با آرامش بیشتری از یکدیگر اسباب‌بازی بخواهند و وقتی نوبتشان تمام شد، آن‌را در اختیار دیگران قرار دهند. به این ترتیب، از هر ده کودک، هفت کودک به موقع اسباب‌بازی را به دیگری خواهد داد.

اگر این رویکرد کارساز نبود، شما می‌بایست روند سهیم شدن در اشیا را برای آن‌ها روی کاغذ نشان دهید. جانسون می‌گوید که از کودک بخواهید برای بازی با اسباب‌بازی دلخواهش منتظر بماند (این اسباب‌بازی می‌تواند اسباب‌بازی‌ای باشد که خود او قبلاً با آن بازی می‌کرده است). زمان این انتظار باید به‌طور دقیق مشخص شود نه اینکه به او بگوییم «منتظر نوبت باش.» یا «به‌زودی نوبت

کلیدواژه‌ها: دوست، دوران کودکی، رشد و تحول دوستی، نقش والدین در دوست‌یابی

در روایات اسلامی، دوست خوب به آب گوارایی تشبیه شده است که تشنگی انسان را برطرف می‌سازد. داشتن دوست و رفیق یا بی‌بهره بودن از آن در دوران کودکی، بر شاد زیستن افراد در بزرگسالی اثر می‌گذارد. کودکان در دوستی‌هایشان می‌توانند مهارت‌هایی مانند اعتماد کردن و مورد اعتماد واقع شدن را بیاموزند. تحقیقات نشان داده است کودکانی که قادر نیستند به بچه‌های دیگر نزدیک شوند و با آن‌ها طرح دوستی بریزند و یا آنکه دیگران آن‌ها را از خود دور می‌کنند و در جمع خود راه نمی‌دهند، در مدرسه تنها می‌مانند و از درس خواندن لذت نمی‌برند. این کودکان تنها کمی بعد، یعنی زمانی هم که بزرگ می‌شوند، نسبت به هم کلاسی‌هایشان ناسازگارتر خواهند بود.

دوستان بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و خلق و خوی آن‌ها بر روی هم اثر می‌گذارد. بنابراین اگر کودکان با کسانی دوست شوند که صفاتی مغایر با صفات آن‌ها داشته باشند در رشد شخصیت آنان نقش بسزایی دارد. برای مثال، اگر کودکی انزواطلب با بچه‌های اهل معاشرت دوست شود یا کودکی ترسو از دوستی با بچه‌های نترس و جسور برخوردار گردد، این امر به برقراری تعادل در شخصیت آنان کمک می‌کند. در آغاز تحصیل و در کلاس اول، همبازی‌های کودک اهمیت زیادی در زندگی او دارند و گاهی وابستگی‌های زودگذری که هنگام بازی شکل می‌گیرد، برای رشد اجتماعی کودکان ضروری است.

رشد و تحول دوستی

هار تاپ معتقد است که دامنه‌ی ارتباط بسیاری از شیرخوارگان با یکدیگر معمولاً کوتاه و از چند ثانیه تا یک دقیقه در نوسان است. این ارتباط غالباً متقابل نیست.

برای کودکان شش تا هشت ماهه، محیط جالب‌تر است تا بازی و یا همبازی، و از ۹ تا ۱۳ ماهگی بیشتر به اسباب‌بازی توجه پیدا می‌کنند.

بین چهارده تا هجده ماهگی نیاز به اسباب‌بازی تا حدودی ارضا می‌شود و طرز فکر کودکان نسبت به همبازی تغییر پیدا می‌کند. از نوزده تا بیست و پنج ماهگی اسباب‌بازی و همبازی هر دو دارای اهمیت می‌شوند. کودک برای انطباق با همبازی‌اش رفتار خود را تغییر می‌دهد و ارتباط اجتماعی بیشتری برقرار می‌سازد. از شش تا هشت سالگی دوستی یک وابستگی یک‌طرفه است؛ یعنی کسی کاری برای دیگری انجام می‌دهد. زمانی که از او سؤال می‌شود چرا با کودک به خصوصی بازی می‌کند، می‌گوید: «برای

اینکه او خیلی بازی را دوست دارد» یا «برای اینکه او اجازه می‌دهد من با عروسکش بازی کنم». همچنان که فرایند اجتماعی شدن ادامه می‌یابد، دوستی‌ها بیشتر و عمیق‌تر می‌شوند. بچه‌ها در این سن در مدرسه گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند.

از ۹ تا ۱۱ سالگی کیفیت دوستی تغییر پیدا می‌کند و کودکان با کسی دوست می‌شوند که در اجتماع جایگاهی دارد؛ مثلاً ورزشکار است یا توانایی‌های دیگری دارد. در این دوره، همبستگی دوجانبه است. حدود ۱۲ سالگی، دوستی کیفیتی مانند بزرگسالی پیدا می‌کند. کودکان در شادی و غم یکدیگر شریک می‌شوند، علاقه‌شان را به یکدیگر نشان می‌دهند و از ارزش‌های یکسانی برخوردارند. دوستی و توانایی دوست بودن از گرایش به دوستی با یک نفر آغاز می‌شود و به عضو گروه بودن تبدیل می‌گردد.

نقش پدر و مادر در دوستی‌های فرزندان

تقریباً تمامی پدران و مادران نگران دوست‌یابی فرزندان خود هستند. بعضی کودکان خود قادر به پیدا کردن دوست نیستند اما راه‌هایی برای کمک به آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر،

یکی از موضوعات مهم در دوستی‌های دوران کودکی، سهیم شدن در شادی‌های گروهی است



اهمیت دوست



احساس عدم لیاقت می‌کند؛ درحالی‌که او نیز دارای شایستگی‌هایی است. می‌توانید به کودکانی که اعتمادبه‌نفسشان ضعیف است، کمک کنید و نگرش آنان را نسبت به خودشان تغییر دهید. مثلاً اگر خودتان در کودکی از طرف همسالان خود پذیرفته نشده‌اید، این تجربه را برای آنان بازگو کنید و بگذارید بدانند که دیگران نیز چنین تجربی داشته‌اند. به آن‌ها کمک کنید که ماورای لحظه را ببینند و به آینده بنگرند.

به کودکان اجازه دهید که خود، دوستانشان را انتخاب کنند. این امر یکی از عوامل مهم رشد آن‌هاست، اما برای آنکه به‌وسیله دوستان خود به انحراف کشانده نشوند، توجه و مراقبت پدران و مادران و اولیای مدارس ضروری است. بعضی از خانواده‌ها در این مورد به اندازه‌ای سخت‌گیرند که اجازه دوستی با کسی را به فرزند خود نمی‌دهند. این روش درست نیست؛ زیرا کودکان نیز به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن نیاز دارند و در تعامل با دوستانشان اجتماعی شدن را می‌آموزند. البته ممکن است تمام دوستان فرزندتان کاملاً مورد تأیید شما نباشند اما همه دوستی‌ها نیز خطرناک نیستند. سعی کنید مستقیماً در دوست‌یابی فرزندان خود مداخله نکنید و وادارشان نسازید که تمام دوستانشان را کاملاً طبق معیارهای شما انتخاب کنند؛ زیرا اگر آنان دوستان نامناسبی انتخاب کنند، خودشان متوجه خواهند شد اما اگر آن‌ها را تحت فشار قرار دهید، به دفاع از دوستان خود برمی‌خیزند و در برابر شما مقاومت می‌کنند. بهتر است حرکت والدین در کنار فرزندانشان باشد، نه در مقابل آن‌ها.

شیوه‌های مختلفی برای سوق دادن کودکان به دوستی‌های سالم و سودمند وجود دارد؛ مثلاً موقعیت‌هایی را ترتیب دهید که کودک وقت بیشتری را با گروهی که آن‌ها را برای دوستی با او مناسب می‌دانید، بگذرانند تا بتواند آن‌ها را بشناسد و بین آن‌ها دوستی برقرار شود، اما برای این کار به او فشار نیاورید و عقیده خود را به وی تحمیل نکنید. همچنین می‌توانید کودک خود را تشویق کنید که دوستانش را به خانه دعوت کند. در این صورت آن‌ها در کنار هم اوقات دل‌پذیری خواهند داشت و شما هم می‌توانید دوستان او را بهتر بشناسید.

منابع

۱. احمدی، سیداحمد؛ روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. مشعل. اصفهان، ۱۳۸۹.
۲. بیابانگرد، اسماعیل؛ روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان، انجمن اولیا و مربیان. تهران، ۱۳۷۳.
۳. تقی‌زاده میلانی، حسن؛ پیوندهای کودک و خانواده، اندیشه. تهران، ۱۳۵۷.
۴. سادات، محمدعلی؛ راهنمای پدران و مادران، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.

دوست‌یابی را می‌توان آموخت. زمانی که کودک دوستی ندارد اما به دوست شدن با دیگران تمایل نشان می‌دهد، ممکن است راه و روش دوست‌یابی را نداند. بنابراین، می‌توان او را راهنمایی کرد و به او یاد داد که چگونه به کودکان دیگر نزدیک شود. برای مثال، می‌توانید بفهمید که هم‌کلاسی‌های فرزندتان کدام بازی را بیشتر دوست دارند و مطمئن شوید که او تمامی قوانین آن بازی را می‌داند. اگر بازی مورد علاقه کودکان به مهارت‌های خاصی مانند توپ‌بازی و پریدن نیاز دارد، در خانه با او تمرین کنید.

یکی از موضوعات مهم در دوستی‌های دوران کودکی، سهیم شدن در شادی‌های گروهی است. کودک را تشویق کنید که موارد مشترک بین خود و دیگران را ببیند و از آن‌ها برای برقرار کردن ارتباط استفاده کند. به کودکان یاد دهید که از رفتار پرخاشگرانه و تحکم‌آمیز اجتناب کنند. به آن‌ها کمک کنید تا اهمیت رعایت نوبت و هنر سازگاری با دیگران را بیاموزند و احساسات و علائق کودکان دیگر را درک کنند.

گاهی اتفاق می‌افتد که کودکی از طرف کودکان دیگر پذیرفته نمی‌شود. اگر پذیرفته نشدن از طرف دیگران تکرار شود، کودک

اگر کودکان با کسانی دوست شوند که صفاتی مغایر با صفات آن‌ها داشته باشند، در رشد شخصیت آنان تأثیر گذار است

در کودکی

غلامحسین ظفیری

دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۱، اهواز





تجربهای از یک مرکز پیش دبستانی ساخت آکواریوم

زهرا خان علیزاده
کیومرث سلطانی ابهری

اشاره

محتوای

آموزشی باید براساس

نیازهای کودکان تولید شود تا

کودک برای یادگیری انگیزه کافی داشته

باشد و یادگیری واقعی و پایدار رخ دهد؛ وگرنه،

محتوای عرضه شده برای کودک استفاده‌ای ندارد و تنها در

حد محفوظات او باقی می‌ماند. یادگیری وقتی روی می‌دهد که کودک

انگیزه آن را داشته باشد و آن را پاسخی مناسب برای پرسش‌های خود بداند.

هر قدر این محتوا از جنس مسائلی باشد که کودک در زندگی خود با آن چالش دارد،

یادگیری برای کودک ملموس‌تر می‌شود و از آنجا که می‌تواند آن‌ها را بر یافته‌های پیشین خود

منطبق سازد، یادگیری او معنا دارتر خواهد بود. محتوای آموزشی زمانی از جنس زندگی واقعی

است که به صورت مجرد (ریاضی، علوم، فارسی) عرضه نشود. فرد در زندگی واقعی با مفاهیمی

درهم تنیده روبه‌رو می‌شود. مواجهه کودک با محتوایی که متناسب با این زندگی است، برای

او قابل فهم‌تر می‌شود و انگیزه کافی را برای یادگیری به او می‌بخشد.

در این مدرسه برای دستیابی به سطح بالاتری از یادگیری، محتوا به شکل پروژه‌های

پژوهشی عرضه می‌شود. پروژه‌ها فعالیت یا فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که برای تولید

ماده‌ای مثل مری یا برنامه‌ای برای بازدید بچه‌ها از مراکز مناسب برای شناخت موضوعی

تدوین می‌شوند.

مربیان از طریق ارتباط مستمر و همبازی شدن با بچه‌ها پروژه‌های مدرسه را شکار

می‌کنند و در شورای آموزشی مدرسه آن را بررسی می‌کنند و بسط می‌دهند. ارتباط

آن‌ها با موضوعات اصلی شامل رشته‌ها و علوم مختلف مشاهده می‌شود و شاخ‌وبرگ‌های

موضوعی و فعالیت‌هایی که می‌توان اهداف دروس را در آن موضوع دید، طراحی

شده‌اند تا مربی با دانش و آمادگی کامل‌تر و اشراف بیشتر به هدایت پروژه بپردازد.

کودکان پروژه را قبل از اجرا تحلیل و جنبه‌های مختلف موضوع را بیان می‌کنند:

به این ترتیب، آن‌ها با آگاهی از چارچوب موضوع به فعالیت‌های مربوط به پروژه

می‌پردازند.

آنچه می‌خوانید گزارشی است از یکی از دهه‌ها پروژه‌ای که پیش دبستانی‌های

مدرسه غیردولتی پسرانه مفید منطقه دو به انجام رسانده‌اند.

گزارش پروژه:

مربی درباره آکواریوم و ماهی‌هایی که تا به حال دیده بودند با کودکان

گفت‌وگو کرد.

از کودکان خواسته شد مراحل را که از نظر آن‌ها برای ساخت آکواریوم

لازم است نام ببرند.

کودکان به مراحل مختلفی مثل ساخت قلاب، رفتن به دریا، درست

کردن کیسه برای حمل، خرید تنگ، ساخت آکواریوم (با بطری، چوب،

آهن، شیشه) اشاره کردند.





آن‌ها بعد از کمی بحث و گفت‌وگو در مورد حذف یا تأیید مرحله‌ها، این‌گونه مراحل را مرتب کردند:

۱. درست کردن آکواریوم؛ ۲. ریختن آب درون آن؛ ۳. ماهیگیری یا خریدن ماهی.

مربی از کودکان پرسید که برای ساختن آکواریوم به چه چیزهایی نیاز دارند. بعضی شیشه، عده‌ای چوب، برخی آهن و دیگران نیز بطری را نام بردند. از آنجا که قرار بود فقط یک آکواریوم ساخته شود، کودکان باید به یک نظر می‌رسیدند. به‌همین دلیل، از آن‌ها خواسته شد هر کدام دلیل انتخاب ابزارشان را بگویند تا دیگران هم از آن مطلع شوند و در انتها، بتوانند با آگاهی از آن استفاده کنند. کودکان آهن را به‌دلیل تغییر رنگ آهن و سختی و احتمال آسیب رسیدن به ماهی‌ها نپذیرفتند. بطری نیز چون برای بازی ماهی‌ها فضایی ندارد، رد شد. چوب را هم به‌علت اینکه کثیفی‌های آب روی چوب می‌ماند و پاک نمی‌شود و در آب و باد خراب می‌شود و تاریک است، رد کردند. در پایان، گزینه ساخت آکواریوم از شیشه باقی ماند و با ویژگی‌هایی مثل گذشتن نور از شیشه، امکان مشاهده ماهی‌ها، تنفس راحت ماهی‌ها، حالت مناسب گرفتن و انعطاف و تغییرناپذیری شیشه، امکان زدودن آن از آلودگی‌ها عنوان کردند. در نهایت، کودکان تصمیم گرفتند از شیشه برای این کار استفاده کنند.

شیشه برای این کار نیاز دارند. بعضی هم هشت و پنج شیشه را لازم می‌دانستند.

مربی از کودکان پرسید: «به نظر شما هر کدام از شیشه‌ها باید چه اندازه‌ای داشته باشد؟»

یکی از کودکان برگه A4 مقابلش را به‌سرعت برداشت و گفت: «این اندازه.» کودکان وقتی برگه را دیدند گفتند: «ما هم همین اندازه رو می‌خواهیم.»

مربی از کودکان خواست دلایل انتخاب اندازه مورد توافق را بیان کنند.

کودکان جواب‌هایی مثل «چون خوبه، ساختش راحت‌تره، ماهی مون توش جا می‌شه، اگه کوچیک‌تر باشه، ماهی مون توش جا نمی‌شه و اگه اندازه‌اش بزرگ‌تر باشه، کارمون سخت می‌شه» بیان کردند.

مربی از کودکان خواست با وسایل موجود در مدرسه نشان دهند که چگونه می‌خواهند این شیشه‌ها را کنار هم بگذارند و آکواریوم را بسازند.

کودکی که کاغذ زیردستش بود، گفت: «من می‌رم کاغذ بیارم و با کاغذ شکل آکواریوم رو بسازم.» بقیه نیز به دنبال او رفتند و با تعدادی کاغذ برگشتند. بعضی‌ها بعد از کمی بازی با کاغذها کارشان را رها کردند و رفتند؛ عده‌ای هم قرار گذاشتن با هم یک ماکت بسازند. عده‌ای دیگر هم با کاغذهایی که دستشان بود، شروع کردن به ساخت موشک و آموزش آن به یکدیگر.

مربی از کودکان خواست مقدار و نوع شیشه لازم را اعلام کنند. کودکان با توجه به ایده‌هایشان چیزهایی می‌گفتند که درکش برای دیگران کمی سخت بود؛ مثل یک شیشه گرد بزرگ یا یک شیشه دایره‌ای سوراخ یا پنج شیشه پنجره. مربی از کودکان خواست هر یک به طریقی طرحش را نشان دهد و راهکارهای عملی شدن آن را بیان کند تا همه بتوانند به‌درستی طرح‌ها متوجه شوند.

گروهی شیشه‌های مسطح چهار گوش و گروهی دیگر تنگ‌های گرد را ترسیم کردند. گروه شیشه‌های چهار گوش به گروه شیشه گرد می‌گفتند که شکل شما سخت است و نمی‌توانیم چنین شیشه‌ای پیدا کنیم. گروه شیشه گرد جواب می‌دادند که خود ما از شیشه‌بر شیشه گرد می‌خریم و می‌آوریم. کودکان گروه شیشه چهار گوش می‌گفتند: «چطور می‌خواهید سوراخش کنید و ماهی در آن بیندازید؟» یکی از اعضای گروه شیشه گرد برای توجیه کردن گروه مقابل از مربی درخواست کمک کرد.

مربی برای این کار فیلمی از شیشه‌گری در آذربایجان و مراحل شکل‌دهی و تولید شیشه را نمایش داد و از کودکان خواست بعد از پایان فیلم نظرشان را بگویند. حین دیدن این برنامه مستند، کودکان با دیدن امکانات و طرز کار و ابزار موجود، چند بار با صدا و حرکات، تعجب خود را نشان دادند. در پایان فیلم، بدون اینکه کسی از کودکان گروه چهار گوشه چیزی بگوید، یکی از گروه شیشه گرد گفت: «این کار ما نیست.» هم گروهی‌هایش نیز حرف او را تأیید کردند و گفتند که این کار بزرگ‌ترهاست.

بعد از انتخاب شکل آکواریوم، مربی از کودکان پرسید: «برای این کار چه مقدار شیشه لازم دارید؟»

اکثر کودکان می‌گفتند که چهار

در این مدرسه برای دستیابی به سطح بالاتری از یادگیری، محتوا به شکل پروژه‌های پژوهشی عرضه می‌شود. پروژه‌ها فعالیت یا فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که برای تولید ماده‌ای مثل مربی یا برنامه‌ای برای بازدید بچه‌ها از مراکز مناسب برای شناخت موضوعی تدوین می‌شوند.



چسباندن شیشه‌ها با چسب‌های نواری، شروع کردن به زدن چسب آکواریوم. چند نفرشان امتحان کردند اما زورشان به فشار دادن پمپ چسب نرسید و از مربی خواستند این کار را انجام دهد. در این مدت آن‌ها شیشه‌ها را نگه داشته بودند و فشار می‌دادند.

قرار بود شیشه را جایی از مدرسه بگذارند که چسبش خشک شود، اما در زمان حمل شیشه‌ها از هم جدا شد و کودکان مجبور شدند آکواریوم را دوباره بسازند.

روز بعد کودکان دوباره شروع کردند به کنار هم گذاشتن شیشه‌ها؛ آن‌ها می‌گفتند: «چون شیشه‌های کوچک کناری را با چسب نواری نچسباندیم بودیم آکواریوم خراب شد.» به همین دلیل، دفعه دوم بیشتر از قبل به شیشه‌ها چسب نواری زدند و مجدداً از چسب آکواریوم استفاده کردند، اما این دفعه توانستند خودشان از آن استفاده کنند.

یکی از کودکان گفت: «حالا وقت خریدن ماهی است.» کودک دیگری گفت که اگر الان ماهی بخریم، نمی‌توانیم آن‌ها را درون آکواریوم بگذاریم؛ چون هنوز چسبش خیس است.

مربی از کودکان پرسید که در مورد انواع ماهی‌ها و نیازهای آن‌ها چه می‌دانید و چه نوعی را می‌خواهید؟

یکی از کودکانی که در منزل تنگ ماهی داشت، درباره سخی‌های عوض کردن آب تنگ و نحوه غذا دادن به ماهی شروع به صحبت کرد. کودکان از حضور مادر آن کودک که در جمعشان بود استفاده کردند و درباره تنگ ماهی پرسش و شرایط نگهداری از آن پرسیدند.

مربی برای کودکان فیلمی درباره ماهی گوشت‌خواری که موشی را بلعید، پخش کرد.

کودکان می‌گفتند: «این ماهی دندان‌های تیزی دارد، بهتر است ماهی قرمز عید بخریم.»

مربی از آن‌ها پرسید: «از ماهی قرمز چه می‌دانید؟»

کودکان اولین برگه را روی زمین گذاشتند و دو برگه A4 دیگر را به دو طرف طول آن چسباندند. برای چسباندن برگه‌ای به عرض آن، کودکی پیشنهاد داد: «بهتر است برگه را نصف کنیم تا اضافه‌هایش بیرون نزنند.» و کودک دیگری گفت: «برگه A4 را از بالا بچسبونیم.» کودکان پیشنهاد دوم را عملی کردند. کودکی گفت: «کاغذهایمان کم است.» در نهایت، با پنج برگه الگویی از آکواریوم خودشان آماده کردند. کودک دیگری از قلم افتادن سقف را یادآور شد؛ کودکان دیگر پاسخ دادند که از بالای آکواریوم، سقف، می‌خواهیم ماهی بریزیم.

بعد از اتمام کار، کودکان خواستند برای خرید شیشه بروند. مربی از کودکان پرسید: «چه جور می‌خواهید اندازه‌های مورد نظرتان را به شیشه فروش اطلاع دهید؟» یکی از کودکان پاسخ داد: «این آکواریوم کاغذی را نشان می‌دهیم و می‌گوییم به این اندازه می‌خواهیم.»

مربی گفت: «با چسب نواری به راحتی توانستید کاغذها را به هم متصل کنید، آیا برای چسباندن شیشه هم فکری کرده‌اید؟» کودکی گفت: «از خود شیشه فروش می‌پرسیم که بیشتر می‌داند.»

بچه‌ها برای رفتن به شیشه‌فروشی آماده شدند. داخل مغازه یکی از کودکان شروع کرد به توضیح دادن. از ابتدای پروژه گفت تا انتها. کودکی احساس کرد آقای شیشه‌فروش متوجه درخواست دوستش نشده است. پس دوباره توضیح داد که شیشه‌هایی به اندازه این آکواریوم کاغذی می‌خواهند. در فاصله‌ای که شیشه‌فروش در حال بریدن شیشه بود، عده‌ای نگاهشان بی‌وقفه به داستان شیشه‌بر بود و عده‌ای دیگر مشغول بازی با آیینۀ آنجا شدند.

مربی یادآوری کرد که سؤالشان را از شیشه‌فروش بپرسند. یکی از شیشه‌فروش پرسید که چه چسبی برای چسباندن شیشه مناسب است؟ شیشه‌فروش پاسخ داد: «چسب آکواریوم.» پرسیدند: «از کجا باید بخریم؟» جواب شنیدند: «رنگ‌فروشی.» بچه‌ها به هم نگاه کردند و گفتند: «وا!»

در مسیر برگشت تصمیم گرفتند شیشه‌ها را داخل مدرسه بگذارند و برای خریدن چسب، به رنگ‌فروشی بروند. روز بعد کودکان آماده بودند تا شیشه‌ها را به هم بچسباندند. کودکی گفت: «بچه‌ها، شیشه‌ها رو مثل کاغذها بچسبونیم، فقط چون سنگین ترن، محکم نگه دارید.»

یکی از کودکان گفت که بهتر است برای اینکه شیشه‌ها جدا نشوند، ابتدا دورشان را با چسب نواری محکم کنیم، بعد داخلشان را چسب آکواریوم بزنیم. بچه‌ها در زمان چسباندن شیشه‌ها به مساوی بودن گوشه‌های شیشه خیلی دقت می‌کردند و می‌گفتند اگر کمی جلو و عقب شود، آب از آن می‌ریزد. بعد از



پنج لیتر بزرگ داریم و پنج لیتر کوچک. بعضی دیگر می‌گفتند ده لیتر داریم. بعضی دیگر می‌گفتند پنج لیتر سالم داریم. لیترهای نصفه رو دو تا دو تا با هم درسته می‌کنیم به سالم‌ها اضافه می‌کنیم، می‌شه هفت و نیم لیتر. بعضی از آن‌ها برای به وجود آوردن یک لیتر کامل دو و نیم لیتر را با هم جمع می‌کردند و بعضی دیگر با خودکار خط نیم لیتر را امتداد می‌دادند تا تبدیل به یک لیتر کامل شود.

سپس، مربی از آن‌ها خواست با توجه به تعداد لیترهای به دست آمده و قرار قبلی (هر دو لیتر آب یک ماهی) بگویند که چند ماهی باید بخرند.

بعضی از کودکان دو به دو انگشت‌هایشان را کنار می‌گذاشتند و محاسبه می‌کردند. یکی از آن‌ها چشمش را بسته بود و زیر لب با عددها بازی می‌کرد. بعضی از آن‌ها از کارت‌های بازی‌ای که دستشان بود، برای محاسبه استفاده می‌کردند. آن‌ها را دو تا دو تا کنار هم گذاشتند و برای هر دو کارت یک ماهی محاسبه می‌کردند.

یکی می‌گفت: «می‌تونیم سه تا ماهی با به ماهی نصفه بگیریم»، دیگری می‌گفت: «آگه یه نصفه آب دیگه بهش اضافه کنیم می‌تونیم چهار تا ماهی بگیریم»، دیگری می‌گفت «سه تا ماهی بزرگ با یه ماهی کوچک بگیریم»، کودک دیگری که به روش خود محاسبه کرده بود، می‌گفت «دو تا ماهی می‌تونیم بگیریم» و...

مربی وقتی دید که کودکان بر سر تعداد ماهی‌ها به توافق نمی‌رسند، گفت «می‌تونید تعداد لیترهای آب را به آقای ماهی فروش بگویید تا نظر او را هم بدانید و بعد تصمیم بگیرید». کودکان برای خرید ماهی با مترو راهی شدند.

در مغازه به ماهی‌فروش گفتند: «ما هفت و نیم لیتر آب داریم، چند تا ماهی قرمز باید داشته باشیم؟» فروشنده به آن‌ها گفت که همه ماهی‌های ما آکواریومی هستند و ماهی قرمز عید نداریم. کودکان گفتند: «باشه، از همین ماهی کوچولوهای قرمز بده.» فروشنده بی‌توجه به تعداد لیترهایی که کودکان گفته بودند، هفت ماهی زبرا به آن‌ها داد و داخل نایلون کودکان را پر از اکسیژن کرد و گفت: «اگر برای آکواریومتان پمپ آب نگیرید، ماهی‌هایتان از بین می‌روند.» کودکان درخواست پمپ هوا کردند و فروشنده در آخر گفت که باید هر هفته آب آکواریوم را عوض کنند. کودکان فضایی را در مدرسه برای گذاشتن آکواریوم انتخاب کردند و دلیل انتخاب خود را روشن بودن آن فضا و در معرض دید بودن آکواریوم بیان کردند.

کودکان نکاتی را همچون «نون می‌خوره و باید تندتند آبش عوض بشه» بیان کردند و از مربی خواستند حالا که به اینترنت دسترسی دارند، در مورد آن تحقیق کنند. کودکان تصاویر مربوط به ماهی را نگاه می‌کردند و مربی مواردی را که ثبت شده بود، برای کودکان می‌خواند. کودکان مواردی مرتبط با دما و غذا و نوع آب و نشانه‌های ماهی سالم و... شنیدند. یکی از این نکات می‌گفت که هر ماهی قرمز به دو لیتر آب برای زندگی نیاز دارد. کودکی پرسید: «دو لیتر آب یعنی چی؟»

کودکان راه‌هایی را مثل اندازه‌گیری با متر و استفاده از ظروفی که روی آن عدد نوشته شده باشد و پیمانه کردن آب را بیان کردند اما هیچ کدام تمایلی به نشان دادن مراحل آن نداشتند.

مربی یک بطری یک‌ونیم لیتری آب برای کودکان آورد و گفت: «فکر کنید چگونه می‌توانید با استفاده از این ظرف که یک‌ونیم لیتر آب داخلش جا می‌شود، مقدار آب مورد نظرتان را اندازه بگیرید؟»

کودکی پاسخ داد: «تعداد زیادی از این آب‌ها بخریم و آکواریوم را پر کنیم»

کودک دیگری گفت: «بهتره آب داخل یک بطری رو بریزیم توی آکواریوم و دوباره درون آن را از آب پر کنیم.»

مربی از آن‌ها پرسید: «در هر کدام از این انتخاب‌ها، چگونه می‌خواهید محاسبه کنید که چند لیتر آب داخل آن ریخته‌اید؟»

کودک گفت: «به جای هر آبی که می‌ریزیم، عدد ۱ بنویسیم، بعد، با هم جمع بزنی.»

مربی پرسید: «چرا می‌خواهی عدد یک را به جای هر ظرف، بنویسی؟»

همان کودک گفت: «تا معلوم شود یک لیتر آب ریختیم.» کودکی دیگر اعتراض کرد و گفت: «باید خطی نصفه را هم کنارش بکشیم، چون این یک‌ونیم لیتر آب داره.» تا انتها با هر آبی که کودکان می‌ریختند، عدد یک و یک خط کوچک را روی کاغذ به نشانه نیم ثبت می‌کردند. بعد از پنج‌مین آبی که داخل ظرف ریخته شد، عده‌ای اعتراض کردند که دیگر بس است، اگر آب زیاد بریزیم ماهی بیرون خواهد آمد.

کودکی در این حین حواسش به آبی بود که از شیشه بیرون می‌ریخت، او با توجه به قسمتی از زمین که خیس شده بود، تشخیص داد که کدام قسمت از شیشه آب می‌دهد. بعد از پایان کار کودکان آب آکواریوم را خالی کردند و شروع کردند به چسب زدن آن قسمت.

مربی بر گه‌ای که کودک روی آن محاسبات را انجام داده بود، تکثیر کرد و به تمام کودکان داد و از آن‌ها خواست بگویند با توجه به نمادهایی که می‌بینند چند لیتر آب در ظرف ریخته‌اند. کودکان بر گه‌ها را برداشتند. بعضی‌ها با هم پیچ می‌کردند و بعضی به تنهایی در گیر محاسبه بودند. بعضی از آن‌ها می‌گفتند



در ترمینال جنوب هستیم. کنار اتوبوسی ایستاده‌ام تا راننده اجازه سوار شدن بدهد. کودکی چهارپنج ساله توجهم را جلب می‌کند. او صورتی گرد و پوستی برفی دارد و موهای طلایی‌اش کمی از پیشانی‌اش را پوشانده و چهره‌اش را جذاب و دوست‌داشتنی کرده است. این‌طور که فهمیده‌ام همراه مادر و مادر بزرگش می‌خواهد با اتوبوس ما به اهواز برود. نمی‌دانم چرا مادرش از قبل بلیت تهیه نکرده است و راننده به او می‌گوید که تنها یک صندلی خالی در اتوبوس هست. آن‌ها منتظرند تا در صورت نیامدن یکی از مسافران یک صندلی خالی دیگر پیدا کنند.

راننده اتوبوس شروع به گرفتن بلیت‌ها می‌کند. یک‌دفعه آن کوچولو فریاد می‌کشد: «وای مامان، خیلی خوشحالم!» مادرش که می‌بیند همه توجهشان جلب شده است، می‌گوید: «هیس، کمی آهسته‌تر علی.» سوار اتوبوس می‌شویم. کودک موقتاً روی صندلی کنار مادر بزرگش نشست است. راضی و خوشحال به‌نظر می‌رسد. مدام از مادر بزرگش سؤال می‌کند. مادرش وارد اتوبوس می‌شود؛ مشخص است که توانسته یک جای خالی دیگر پیدا کند به سمت علی می‌آید و می‌گوید: «مامان جان، بلند شو، روی پای من بشین.» پسرک با عصبانیت بلند می‌شود و می‌گوید: «نمی‌خوام، پس صندلی من کجاست؟» مادرش می‌گوید: «همین یکی را هم به زور پیدا کردم، مامان.» اما علی دست‌بردار نیست و می‌گوید: «مگه به آقای راننده نگفتی که ما سه نفریم؟»

مامان می‌گوید: «چرا مامان، اما شما کوچولویی! اشکالی نداره روی پای من بشینی!» علی که عصبانیتش بیشتر شده است، می‌گوید: «شما نباید قبول می‌کردی با این اتوبوس بریم. پا شو به اتوبوس دیگه پیدا کنیم.» مامان می‌گوید: «نمی‌شه پسر، این آخرین اتوبوسه.» علی شروع به فریاد کشیدن می‌کند: «من یه صندلی واسه خودم می‌خوام. این چه زندگیه خدا!» از این حرفش تمام مسافرهایی که متوجه او شده‌اند، خنده‌شان می‌گیرد. مادر علی برای اینکه او را آرام کند، می‌گوید: «آگه پسر خوبی باشی، آقای راننده صندلی شاگردش رو به شما می‌ده.» علی امیدوار می‌شود و می‌گوید: «راستی مامان؟» علی ساکت و آرام کنار صندلی مامان ایستاده و منتظر است. اما آقای راننده یک سرباز را که از اتوبوسش جا مانده، سوار می‌کند و به او می‌گوید کنار خودش روی صندلی شاگرد بنشیند. علی که این صحنه را می‌بیند، دوباره شروع به داد کشیدن می‌کند: «مامان، صندلی من کجاست؟ یعنی چون من کوچولو هستم حق ندارم صندلی داشته باشم. ما سه نفر هستیم چرا شما دو تا بلیت خریدی؟ چرا؟!...»



صندلی من کجاست؟

فریبا راستگو

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

علی به نشانه اعتراض کف اتوبوس نشسته است و اصلاً به صحبت‌های مادر و مادر بزرگش گوش نمی‌کند.

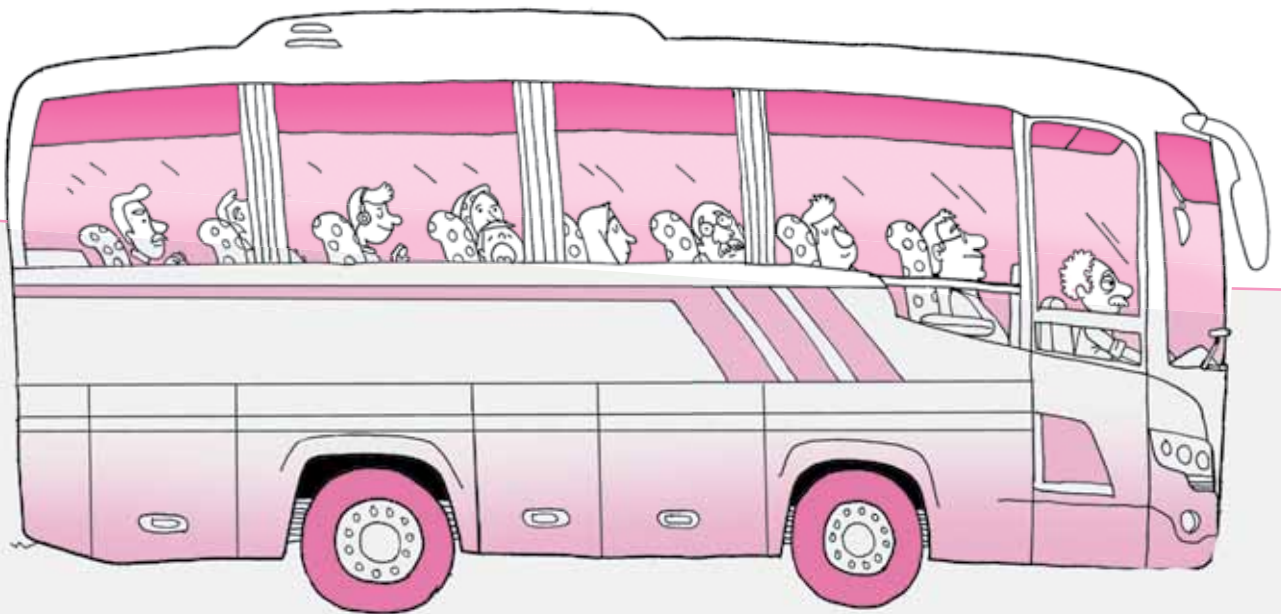
مدتی می‌گذرد. مادر بزرگش از جا بلند می‌شود؛ او را در آغوش می‌گیرد و یک کیک در دستش می‌گذارد. علی چیزی نمی‌گوید و روی پای مادر بزرگ می‌نشیند. بعد هم در حالی که کاغذ کیک را باز می‌کند، رو به مادرش می‌گوید: «مامان، یادت باشه دوباره حقم رو ندادی!»
علی از پنجره بیرون را نگاه می‌کند و من دوباره از خودم می‌پرسم، چرا حقوق کودکان هنوز هم در بین مردم ما جدی گرفته نمی‌شود؟

صحنه‌هایی از این دست شاید به علت تعدد و تکرارشان کمتر توجه کسی را جلب کنند و حتی در صورت توجه، به سبب عادی بودن، بسیار سریع فراموش شوند اما سؤال اساسی این است که «آیا عادی بودن دلیل بر موجه بودن است؟»

کشور ما ایران در سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط به پیمان حقوق کودک ملحق شده است. پیمان جهانی کودک یک مقدمه و ۵۴ ماده دارد که ۴۱ ماده آن حقوق کودک را مطرح می‌سازد و ۱۳ ماده آن درباره چگونگی اجرای آن در هر کشوری است.

پیمان جهانی حقوق کودک پیمان‌نامه‌ای بین‌المللی است که برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان تهیه شده است. این پیمان پس از ده سال گفت‌وگو میان کشورهای عضو سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ میلادی تدوین شد و در سال ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآمد. در حال حاضر، از ۱۹۳ کشور جهان ۱۹۱ کشور به این پیمان ملحق شده و خود را ملزم به اجرای مفاد آن کرده‌اند.
طبق ماده ۱۲ این قانون، کودک حق دارد در مواردی که به زندگی وی مربوط می‌شود، آزادانه عقیده‌اش را بیان کند و بزرگ‌ترها ملزم به رعایت حقوق مشروع او هستند.

پس چرا علی کوچولوها همچنان نزد مردم ما از حقوق خود محروم‌اند و به صرف سن و سال کم ملزم به پذیرش آرای بزرگسالانی هستند که به جای ادای حقوقشان، تنها به بیان آن‌ها اکتفا می‌کنند؟ به راستی، وقت آن است که برگردیم به مشکل همیشگی؛ یعنی فاصله بین آنچه هست و آنچه بر زبان جاری است و در کتاب‌ها می‌نویسیم، یا در بحث‌های تربیتی مدافعی هستیم.
باشد که با عمل کردن به گفته‌ها و اعتقاداتمان شاهد از بین رفتن این فاصله‌ها باشیم.



اوایل تابستان بود و بعد از چند ماه درس و کنکور منتظر آمدن مهرماه بودم تا تحصیلاتم را ادامه دهم. یک روز با یکی از استادان صحبت می‌کردم و ایشان مرا به مرکز پیش دبستانی معرفی کرد تا تابستان را سرگرم شوم و نیز تجربه‌ای کسب کنم. من هم با خوشحالی قبول کردم. همان روز تلفنی با آن مرکز صحبت کردم و فردای آن روز به آنجا رفتم. وقتی وارد مرکز شدم خیلی خوشحال بودم؛ چون رفته بودم تا تجربه کار با کودکان را یاد بگیرم. من واقعاً بی‌تجربه بودم و آن مرکز از لحاظ آموزشی عالی بود و والدین هم

بی‌نهایت از آنجا راضی بودند. آن قدر از کار کردن در آنجا خوشحال بودم که وقتی مدیر گفت تا سه ماه حقوقی پرداخت نمی‌شود، قبول کردم، چون هدف من فقط کسب تجربه بود. تابستان با کسب تجربیات بسیار به پایان رسید و من تصمیم داشتم از مرکز خداحافظی کنم تا فقط به درس و دانشگاه بپردازم که مدیر اجرایی مرکز مبلغی را به عنوان حقوق این سه ماه یا به قول خودش هزینه رفت و آمد به من داد و از من خواست تا در طول سال تحصیلی نیز به صورت پاره وقت آنجا حضور داشته باشم. من هم فکر کردم این کار نه تنها کمکی به درس‌های دانشگاه است هم‌چنین می‌تواند درآمدی

برای من داشته باشد. بنابراین قبول کردم و تا پایان سال تحصیلی آن‌جا ماندم. در آن مرکز خیلی چیزها یاد گرفتم. رفته بودم چگونگی کار با کودکان را بیاموزم که البته یاد هم گرفتم و همیشه هم شکرگزار خدا هستم و از مدیر مرکز هم نهایت تشکر را دارم اما خیلی بیشتر از این چیزها یاد گرفتم. به هر حال از مدیر مرکز بالاخص مدیر اجرایی و همکارانم سپاسگزارم که به من کمک شایانی کردند و مرا مورد لطف و عنایت خود قرار دادند. نمی‌دانم شما که خواننده این مطلب هستید، چه نقشی دارید، فقط خواهش می‌کنم جملات زیر را با دقت بخوانید و از آن‌ها ساده نگذیرید. اگر تمایل دارید و به‌عنوان یک مدیر این نوشته را می‌خوانید، خودتان را محک بزنید و ببینید تا چه حد در مورد شما صدق می‌کند.

□□
 □□
 نگر و نظر



عکس: غلامرضا شاه‌پوری

مؤثر است. لذا بر ایجاد دوره‌های قبل از دبستان و توسعه کانون‌های آمادگی مدارس تأکید می‌کنند؛ به همین دلیل تعداد زیادی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، آموزش پیش دبستانی را جزئی از نظام آموزش و پرورش همگانی قلمداد کرده‌اند. (صافی، ۱۳۸۴: ۲۸)

پرواضح است که آموزش و پرورش پیش دبستان اهمیت بسزایی دارد. مفیدی معتقد است که در دنیای امروز خردسالان جایگاه بسیار مهمی دارند. رفاه فیزیکی و روان شناختی آن‌ها به دلیل توجه بی سابقه والدین و جامعه است. قرن بیستم که به عنوان «قرن کودک» شناخته شده، در مقایسه با گذشته در واقع، همچون دوره‌های طلایی برای کودک است. زیرا هرچه از نظر تاریخی به عقب برمی‌گردیم، می‌بینیم که سطح مراقبت از کودک پایین تر رفته است و مسئله از بین بردن و کشتن کودکان نمایان تر می‌گردد. (مفیدی، ۱۳۸۴: ۳۰)

در کتاب برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش دبستان «دلایل اهمیت آموزش و پرورش دوره پیش دبستان را این گونه برشمرده شده است.

- شش سال اول زندگی کودک سال‌های حساسی هستند؛ زیرا سرعت رشد در این سال‌ها از مراحل دیگر رشد بسیار بیشتر است.

- پرورش کامل استعدادها، کودک، به ویژه در این سال‌ها، به محیطی محرک و برانگیزنده نیاز دارد.

- با افزایش مداوم تعداد مادران شاغل، گسیختن وابستگی‌ها و

نقش مدیر را به عهده بگیریم.

● اجازه بدهم مربیانم بدون نگرانی و مداخله مسئولان کلاسشان را اداره کنند و طوری رفتار کنم که آن‌ها مشتاقانه تمایل به استفاده از راهنمایی‌های من داشته باشند، نه اینکه مطیع و فرمانبردار من باشند.

● به هیچ وجه بین مربیان از لحاظ مادی و معنوی فرق نگذارم. در صورتی که مربیان را مدام با هم مقایسه کنیم، سرخورده می‌شوند و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند.

● حرفم با معلم یکی باشد. مثلاً اگر از مربیان می‌خواهم بین کودکان فرق نگذارند یا آن‌ها را با هم مقایسه نکنند، خودم نیز به آن عمل کنم.

دوره پیش دبستانی، دوره جداشدن تدریجی از محیط خانه و آماده شدن برای انس گرفتن با کودکان دیگر و آشنایی با کار در مدرسه است. آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان در نظام‌های آموزشی بسیاری از کشورهای جهان، جایگاه حساس و ارزشمندی دارد. در بعضی از کشورها، تقریباً همه کودکان قبل از ورود به دبستان، در این مراکز تربیتی پرورش می‌یابند. برخی از کارشناسان تعلیم و تربیت تأکید دارند که آموزش‌های قبل از دبستان کودکان را برای ورود به دبستان آماده می‌کند و در توسعه خزانه لغوی و ایجاد مفاهیم اساسی و قدرت بیان کودکان بسیار

من از کنار هم گذاشتن تجربیاتم در مرکز و دانسته‌هایم آموختم که:

● مدیریت دستور دادن نیست و هیچ کسی نمی‌تواند از این طریق انتظار احترام داشته باشد.

● من باید خود را ملزم به رعایت حقوق مادی و معنوی مربیان، والدین، کودکان و تمام کسانی بدانم که با آن‌ها سر و کار دارم.

● فکر نکنم که هر چه می‌گویم، درست است.

● فکر نکنم با دیگران فرق دارم و از آن‌ها نیستم و مدیریتم را با نوع بشقابی که در آن غذا می‌خورم یا فنجان‌هایی که در آن چای می‌نوشم، به دیگران نشان بدهم. ● محیط کار را طوری سازماندهی کنم و انگیزه در مربیان ایجاد کنم که از آمدن به آنجا احساس رضایت کنند. صبح با شادی بیایند و شب هم با رضایت خاطر بروند.

● از نظر روانی، مربیان و افراد دیگر را آسوده خاطر نگه دارم و طوری رفتار کنم که مربیان و دیگران خیلی راحت و دوستانه خواسته‌هایشان را با من مدیر در میان بگذارند.

● حتماً کتاب‌هایی با موضوع مدیریت و رهبری و خصوصاً رفتار سازمانی را بخوانم و سپس،

مدیران پیش دبستانی زیر ذره بین نگاه یک مربی!

فاطمه رجبی علیائی
کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش دبستانی

نظام خانواده‌های سنتی و تنش‌های روانی ناشی از آن - که حاصل الگوی زندگی کنونی است کودکان اغلب نمی‌توانند از منافع محیطی محرک و برانگیزنده بهره‌مند شوند.

کودکان مناطق محروم، به‌ویژه از این نظر، محرومیت‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. والدین بی‌سوادند و توانایی تعامل مؤثر و مفید با کودکان خود را ندارند و نمی‌توانند به رشد مطلوب و مناسب گفتار و زبان و مهارت‌های شناختی کودک خود کمک کنند. نبود تسهیلات، وسایل و مواد یعنی اسباب‌بازی، کتاب، امکانات بازی و غیره بر محرومیت‌های آنان می‌افزاید. اگر کودکی در شش سال اولیه زندگی خود در محیطی سرشار از کمبودها و محرومیت‌ها پرورش یابد، تأثیر نامطلوبی بر رشد کلی و به‌ویژه رشد ذهنی و زبانی او می‌گذارد.

- آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. یک برنامه آموزش و پرورش مناسب در این دوره، تجاری محرک برای رشد ذهنی، زبانی، جسمی، اجتماعی و عاطفی کودکان فراهم می‌آورد. اگر این نوع برنامه‌ها به‌گونه مؤثری سازمان داده شوند، می‌توانند محرومیت ناشی از کمبودهای محیط خانه را جبران کنند و کودک را در ساختن مبنایی قوی برای سهولت رشد بعدی و بارور کردن استعدادهای کاملش یاری کنند (کول، ۱۳۸۷؛ مفیدی، ۱۳۸۴: ۲۱ و ۲۲)

مفیدی معتقد است که آموزش و پرورش پیش‌دبستانی به دلیل تأثیرات شگرف در شکل‌دهی موفقیت‌های تحصیلی کودکان در دوره‌های بالاتر، تقویت و تسریع

رشد همه‌جانبه کودک و ارتقای کارایی درونی نظام‌های آموزشی، در جوامع مختلف، از جایگاهی بسیار ارزشمند و ویژه برخوردار است. (مفیدی، ۱۳۸۳: ۵ و ۶)

پس، با توجه به اهمیت دوره پیش‌دبستان با جرئت می‌توان گفت که مربیان در این دوره نقش بسزایی دارند؛ چرا که آن‌ها زمان زیادی را در طول روز با کودکان می‌گذرانند. کودکان باید به‌وسیله فردی بزرگ‌تر، قابل اعتماد و باتجربه آموزش ببینند؛ زیرا چنین شخصی قادر است به آنان احساس اعتماد و روح کنج‌کاوی و کاوش بدهد. فرایند یادگیری کودکان فقط در کلاس درس اتفاق نمی‌افتد و تمامی گفتار و رفتار مربیان برای کودک جنبه آموزشی دارد. صافی نیز درباره نقش مربی گفته است: «عصر کنونی عصری است که هدف آموزش و پرورش تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست بلکه رسالت آموزش و پرورش ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش‌ها، شناخت‌ها و در نهایت رفتار انسان‌هاست. در به انجام رساندن این رسالت در آموزش و پرورش همه کشورهای، از جمله ایران، معلمان نقشی اساسی و بسیار مهم به‌عهده دارند؛ زیرا علاوه بر داشتن نقش هدایتی و حمایتی، مسئولیت انتقال فرهنگ ایرانی، اسلامی و جهانی، ایجاد تغییرات مطلوب در کودکان، نوجوانان و جوانان را بر عهده دارند.» (صافی، ۱۳۸۷: ۱۷۵)

امیدوارم همه مدیران مراکز پیش‌دبستانی و همه کسانی که مایل‌اند مدیرانی لایق شوند، با مطالعه کافی قدم در این راه بگذارند و با بصیرت کامل وارد این حرفه شوند. متأسفانه، این روزها مدیران فکر می‌کنند که فقط باید به کودکان و مسائل

آموزشی و پرورشی آن‌ها اندیشید. البته اندیشه اشتباهی نیست اما چنان که بیان شد، نقش مربی هم اهمیت دارد. با وجود این باز هم شاهد آن هستیم که مربیان این دوره از شرایط شغلی خود رضایت ندارند و به نظر می‌رسد جایگاه مربی در پیش‌دبستان نادیده گرفته شده است. پس شایسته است که از مدیران و مسئولان انتظار داشته باشیم تا مربیان را راضی نگه دارند؛ چرا که پس از والدین مربیان هستند که نقشی مهم در زندگی کودکان ایفا می‌کنند و راه و رسم زندگی را به این نونهالان و آینده‌سازان می‌آموزند.

به همه دانشجویان آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و بالاخص دانشجویان رشته مدیریت آموزشی و دوستداران کار با کودک هم توصیه می‌کنم که این مشکلات را تا حدی نادیده بگیرند و با وجود همه این ناملایمات‌ها، مدتی تجربه کار در این مراکز را داشته باشند و ولو به‌صورت پاره‌وقت در کنار تحصیل آن‌ها را تجربه کنند. چرا که اهمیت تجربه حاصل از آن اگر از تحصیلات دانشگاهی بیشتر نباشد، کمتر نیست.

منابع

۱. صافی، احمد؛ آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمای تحصیلی و متوسطه، سمت، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۴.
۲. صافی، احمد؛ «سیر تحول تربیت معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران: گذشته، حال و آینده»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۶، ۱۳۸۷.
۳. مفیدی، فرخنده؛ آموزش و پرورش پیش از دبستان و دبستانی. پیام‌نور. چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۳.
۴. فتاحی، شنو؛ «بررسی تطبیقی نظام آموزش و پرورش پیش از دبستان در کشورهای ایران، آلمان و کره جنوبی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش و پرورش تطبیقی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱.



تبیین برنامه درسی زبان آموزی کودکان پیش دبستانی در مناطق دوزبانه

مونا بافته



این کتاب به سفارش دفتر ابتدایی و متوسطه نظری تألیف کتب درسی تدوین شده و هدف از انتشار آن راهنمایی افرادی است که قصد تهیه و تدوین محتوای زبان آموزی برای کودکان پیش دبستانی مناطق دوزبانه را دارند؛ از جمله: مؤلفان، ناشران، کارشناسان کارگروه‌های تهیه محتوای زبان آموزی کودکان پیش دبستانی، مربیان و دانشجویان.

کتاب مشتمل بر سه گفتار در دوازده فصل و ضمیمه در پایان آن است. گفتار اول شامل دو فصل است که به کلیاتی درباره دوزبانی، مسائل کودکان ایرانی و چگونگی دوزبانه شدن اشاره دارد. در گفتار دوم، که دربردارنده هشت فصل است، برنامه درسی زبان آموزی کودکان پیش دبستانی در مناطق دوزبانه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش به طور کلی تبیین شده است. عناصر مختلف برنامه درسی، از قبیل رویکردهای زبان آموزی به عنوان آموزش زبان دوم، اهداف زبان آموزی، محتوا اعم از ساختار، قلمرو و محدوده آن مبتنی بر عناصر زبانی و اشکال مختلف آن و نیز شقوق و راه‌های گوناگون تهیه محتوا برای کودکان مناطق مختلف کشور متناسب با سطح زبانی آن‌ها به تفصیل توضیح داده شده است. به روش‌ها و شیوه ارزشیابی از توانش زبان فارسی کودکان مناطق دوزبانه نیز اشاره شده است.

در گفتار سوم، ابتدا چگونگی و روند طراحی و تولید یک واحد یادگیری زبان آموزی مرحله به مرحله شرح داده شده است. این روند در سه بخش طراحی برای تهیه نقشه یک واحد یادگیری زبان آموزی، چگونگی تدوین فعالیت‌های زبانی و نیز بررسی و ارزشیابی فعالیت‌های زبان آموزی آمده است.

در ضمیمه پایانی کتاب نمونه‌ای از یک واحد یادگیری زبان آموزی، مشتمل بر فعالیت‌های زبان آموزی در قالب مکالمه، قصه، نمایش و کار دست‌گنجانده شده است.

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شود.

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)
- (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)
- (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)
- (برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول)
- (برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش متوسطه • رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست شناسی • رشد آموزش زمین شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش • رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

◆ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸